

زبان عمومی آزمون دکتری

به همراه پاسخ تشریحی کلیه سوالات آزمون دکتری ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱

۱۳۹۱

مقدمه :

کتاب زبان عمومی آزمون دکتری که با تلاش دوستان و همکاران به صورت رایگان در اختیار داوطلبان کنکور دکتری قرار گرفته است دربرگیرنده مباحث مهم و کلیدی آزمون های زبان عمومی در بخش های گرامر ، دایره لغات و درک مطلب است. همچنین سوالات و پاسخ تشریح آزمون های زبان عمومی دکتری نیمه متمرکز سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ در این مجموعه ارائه گردیده است. تلاش نگارندگان این بوده است که ضمن استفاده کلیه دوستان از پاسخ های تشریحی آزمون های زبان عمومی دکتری، کتاب حاضر بتواند پاسخگوی نیاز داوطلبانی باشد که با توجه به حجم دروس تخصصی آزمون دکتری فرصت زیادی برای مطالعه دروس عمومی ندارند و نیازمند منبعی جامع هستند تا با مطالعه آن به آمادگی مناسبی برای شرکت در آزمون دکتری دست یابند. این کتاب همچنین می تواند برای داوطلبان آزمون های زبان عمومی دانشگاه های مختلف کشور مفید باشد.

کتاب زبان عمومی آزمون دکتری به تدریج و با بهره گیری از نظرات شما خوانندگان عزیز و تلاش پیگیر همکاران کامل تر و جامع تر خواهد شد و علاقه مندان می توانند با عضویت در "خبرنامه دکتری" از انتشار نسخه های بعدی کتاب و نیز کتاب های دیگر وب سایت پی اچ دی تست مطلع گردند.

در پایان ضمن تشکر از دکتر زمانی که در نگارش مطالب نقش ویژه ای داشتند از کلیه خوانندگان عزیز خواهشمندیم در صورت رضایت از مطالب کتاب با ارسال آن به دوستان خود و یا قرار دادن لینک صفحه دانلود در وبلاگ ها ، امکان استفاده افراد دیگر را نیز فراهم نموده و ما را در اطلاع رسانی بهتر یاری رسانند. پیشاپیش از همکاری شما سپاسگزاریم.

فهرست

نکات مهم گرامری در آزمون های زبان عمومی.....	۴
نحوه پاسخگویی به سوالات بخش درک مطلب.....	۶۰
سوالات و پاسخ تشریحی سوالات آزمون دکتری ۱۳۹۱.....	۶۸
سوالات و پاسخ تشریحی سوالات آزمون دکتری ۱۳۹۰.....	۹۸

بخش نخست :

نکات مهم گرامری

در آزمون های زبان عمومی

۱. زمان حال

- حال ساده

فعل زمان حال ساده با استفاده از مصدر بدون to ساخته میشود و در حالت سوم شخص مفرد s یا es میگیرد. اگر فعل به sh, s, o, x, z, اگر فعل به ch یا ختم شود در حالت سوم شخص es میگیرد.

+	verb + s/es	He plays tennis.
-	do/does not + verb	She doesn't play tennis
?	Do/Does...+ verb?	Do you play tennis?

از زمان حال ساده در این موارد استفاده می شود:

- صحبت از کارهایی که محدود به زمان خاصی نیستند بلکه همیشه و مستمر انجام میشوند.

My parents live in Canada.

I don't like your house.

- برای بیان حقایق و واقعیات علمی

If you heat water to ۱۰۰°C, it boils.

- صحبت از فعالیت های روزانه، عادات و کارهایی که تکرار میشوند.

I get up really early and practice for an hour most days.

Paula doesn't usually have breakfast.

We play tennis twice a week.

قیدهایی که بیشتر در زمان حال ساده استفاده میشود:

always, generally, normally, usually, often, sometimes, rarely, never, traditionally, every day, every week, two times a month, ...

- صحبت درباره زمانبندی حرکت وسایل نقلیه

What time does the next bus leave?

The next bus leaves at ۸.

- برای آدرس دادن و بیان دستورالعمل چیزی

You go down to the traffic lights, then you turn left.

To start the programme, first you click on the icon on the desktop.

- برای داستان گفتن و صحبت در مورد فیلم و کتاب

In the film, she is fond of the Prime Minister.

- بعد از I hope معمولاً زمان حال به کار می‌بریم:

I hope carol calls tonight.

- حال استمراری

+	am/is/are + verb + ing	He's watching TV.
-	am/is/are not + verb+ ing	I'm not watching TV.
?	Am/Is/Are...+ verb + ing?	Are they watching TV?

از زمان حال استمراری در این موارد استفاده می‌شود:

- بیان عملی که در همین لحظه در حال انجام آن هستیم و هنوز تمام نشده است.

کلماتی که بیشتر در زمان حال استمراری استفاده می‌شود: at the moment, currently, now, this week/month/year,...

I'm waiting for my friend now.

I'm baking a cake.

- بیان عملی که موقتا در حال انجام آن هستیم و همیشگی نیستند مثل اعمالی که امروز، این هفته یا این فصل انجام می‌دهیم ولی لزوماً در لحظه صحبت مشغول به آن کار نیستیم:

I'm studying really hard for my exams.

He is living in Tehran at the moment.

(به طور کلی در تهران زندگی نمی‌کند و فقط در حال حاضر آنجا زندگی میکند)

- بیان تغییر و تحولاتی که در جریان هستند.

The population in the world is rising very fast.

The Internet is making it easier for people to stay in touch with each other.

My English is getting better day by day.

- صحبت از قرارهای قطعی در آینده نزدیک

What are you doing on Sunday?

I'm going to the movies with Sara.

- برای بیان اتفاقاتی که بیش از حد انتظار رخ میدهد و البته اغلب برای نشان دادن حسادت یا شکایت و انتقاد کردن به کار میرود(معمولا با کلمات: always, constantly, continually, forever)

My mum's always saying I don't help enough! شکایت

He's always visiting exciting places! حسادت

State verbs

افعال حالت بیانگر یک حالت میباشند یعنی به هنگام وقوع این افعال حرکتی مشاهده نمیشود و در حالت استمراری به کار نمی‌روند .

need, mean, resemble, sound, weight, appear, contain, consist, depend on, be, prefer,...

افکار:

agree, assume, believe, disagree, forget, hope, know, regret, remember, suppose, think, recognize, understand

...

فعل think در معنای اعتقاد داشتن همیشه به صورت ساده به کار میرود ولی در مفهوم فکر کردن میتواند به شکل استمراری نیز باشد.

What are you thinking about? در همین لحظه

I think you should tell her what happened بیان عقیده که موقت نیست

احساسات : adore, despise, dislike, enjoy, hate, like, love,...

حواس : feel, hear, see, smell, taste,...

این افعال در حالت غیر ارادی به شکل ساده به کار میروند و در حالت ارادی به هر دو شکل.

برای این افعال وقتی که در همین لحظه در حال رخ دادن هستند از can استفاده می‌کنیم:

I can hear someone is singing

فعل see در معنای دیدن همیشه به صورت ساده به کار میرود ولی در معنای ملاقات کردن به هر دو شکل به کار میرود.

I see you're making good progress.

I'm seeing the manager tomorrow.

فعل **feel** به معنای احساس کردن به هر دو شکل، فعل **taste** در معنای مزه دادن به صورت ساده و در معنای چشیدن به هر دو شکل، فعل **smell** در معنای بو دادن همیشه به صورت ساده و در معنای بو کردن به هر دو شکل و فعل **look** در معنای به نظر رسیدن همیشه به شکل ساده به کار می‌رود ولی در معنای نگاه کردن می‌تواند به هر دو شکل باشد.

مالکیت: **have, own, belong**

have یا **have got** به معنای "مالک بودن و داشتن" هستند و استمراری نمی‌شود.

We are enjoying, we have a nice room in the hotel مالکیت

اما **have** (و نه **have go**) در معنای خوردن و یا بیان تجربه ای مثل مهمانی، تصادف و... می‌تواند استمراری شود.

Have {
breakfast, ...
A party / a safe trip / a good flight
An accident / an experience
A look (at something)
A baby (give birth to a baby)
Difficulty / trouble / fun / a nice time.

در این موارد **have** به معنای مالکیت نیست و می‌تواند استمراری شود.

We are having a nice time. (we are experiencing a nice time)

بیان تجربه اوقاتی خوش

- حال کامل

حال کامل ساده (ماضی نقلی)

+	have/has + past participle	She's written a book.
-	have/has not + past participle	I haven't written a book.
?	Have/Has ... + past participle?	Have you written a book?

از زمان حال کامل ساده در موارد زیر استفاده می شود:

- برای صحبت در مورد عمل یا حالتی که از گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته است و معمولاً با *since* و *for* می آید.

I've worked really hard for the last two weeks. دو هفته گذشته تا الان سخت کار کرده ام.

برای سوال پرسیدن در زمان حال کامل از *how long* استفاده میشود.

How long have you lived here?

for طول زمان و *since* مبدا زمان را نشان میدهند مانند:

for two hours, for three days, for five months
since ۲۰۰۶, since Sunday, since ten o'clock, since I was four

I have been in this hotel for *the* last week.

I have been in this hotel since last week.

اگر بعد از *since* یک عبارت قرار بگیرد فعل آن گذشته ساده است.

I have made a lot of progress since I joined your class.

for را در جملات می توان حذف کرد (البته نه در جملات منفی)

They're been married (for) ten years. (with or without for)

They haven't had a vacation for ten years. (for ضروری)

for با *all* به کار نمی رود:

I've lived here all my life. (not I've lived here for all my life)

جملات منفی همراه با *for* را میتوان به جملات مثبت همراه با *since* تبدیل نمود. در این صورت فعل بعد از *since* گذشته ساده است.

She hasn't called me for a week = It's a week since she called me.

ago و *since* با هم به کار نمیروند.

- برای صحبت در مورد اتفاقی که در زمان گذشته رخ داده که دقیقاً بیان نمیکنیم کی، ولی اثر و نتیجه آنها در زمان حال موجود است و اهمیت دارد.

I've read all the books on the reading list. الان چکیده ای از خوانده هایم دارم

Someone has broken the window.

- صحبت درباره عملی که در گذشته اتفاق افتاده و تمام شده و بیان نمیکنیم دقیقاً چه وقتی ولی اثر آن به صورت تجربه باقی باشد. اغلب از ever و never و before و up to now و... استفاده میشود.

A: Have you ever been to Italy?

B: Yes, I've visited Italy once.

اما اگر بیان کنیم چه موقع اتفاق رخ داده است باید گذشته ساده را به کار ببریم.

I wasted a lot of time last week. (not I have wasted a lot of time last week)

همچنین در مورد اعمال یا وقایعی که با زمان حال هیچ ارتباطی ندارند (مثلاً رویدادهایی که در گذشته‌های دور اتفاق افتاده‌اند) از حال کامل استفاده نمی‌کنیم:

The Chinese invented printing (have invented (نگوئیم

- اگر بخواهیم راجع به کسی یا چیزی خبری بدهیم.

Sara has had a baby.

- اگر بخواهیم راجع به عملی صحبت کنیم که چند لحظه قبل انجام شده است از حال کامل ساده به همراه just به معنی "چند لحظه قبل - تازه" استفاده میکنیم.

I've just got up.

- اگر بخواهیم راجع به عملی صحبت کنیم که زودتر از زمان مورد انتظار انجام شده است از حال کامل ساده به همراه already به معنی "از قبل، قبلاً، همین حالا هم" استفاده میکنیم.

A: Don't forget to send that email.

B: I've already sent it.

به طور کلی از just (چند لحظه پیش، تازه)، Already (قبلاً، پیش از این) و Yet (هنوز، تا حالا) در جملات حال کامل یا گذشته ساده استفاده می‌کنیم. از Yet در جملات منفی و سؤالی استفاده می‌کنیم. Yet معمولاً در انتهای جمله می‌آید.

Are Diane and Paul here?
Yes, they've just arrived. or Yes, they just arrived.
It's only nine o'clock, and Ann has already gone to bed.
Or ... Anne already went to bed

Joy bought a new dress, but she hasn't worn it yet
Or but she didn't wear it yet.

Have Diane and Paul arrived yet?
Or did Diane and Paul arrive yet?

- اگر بخواهیم راجع به عملی صحبت کنیم که هرگز انجام نداده ایم و یا مدتیست که انجام ندادیم از حال کامل ساده استفاده میشود.

I have never smoked.

I haven't gone swimming for ۱۰ years.

- اگر بخواهیم بگوییم اولین باریست (یا چندمین بار) که کاری را انجام میدهیم از حال کامل ساده استفاده میکنیم.

This is the first (second) time I've lost my keys.

- بعد از صفات عالی از حال کامل ساده استفاده میشود.

This is the most boring movie I've ever seen.

- صحبت در مورد یک دوره زمانی که تمام نشده است مثل امروز، این هفته

I've written a rough plan this morning.

- معمولا بعد از این عبارات حال کامل ساده استفاده میشود:

It/this/that is the first/second/the best/the only/the worst/...

It's the first time I've ever traveled abroad.

در جملات سوالی معمولا از ever/never استفاده میشود.

"Have you ever played Golf?" "Yes, I play Golf a lot"

حال کامل استمراری

+	have/has + been + verb + ing	I've been studying really hard.
-	have/has not + been + verb + ing	He hasn't been studying really hard.
?	Have/Has ...+been + verb + ing	Have you been studying really hard?

از زمان حال کامل استمراری در موارد زیر استفاده می شود:

- برای بیان عملی که در گذشته شروع شده، تا حال ادامه داشته و اخیراً یا لحظاتی پیش به پایان رسیده است.

Where have you been? I've been looking for you for half an hour.

- برای اعمالی که در گذشته شروع شده‌اند و اکنون (در لحظه صحبت) نیز ادامه دارند.

It has been raining for ۲ hours. (و هنوز هم باران میبارد)

How long have you been learning English? (و هنوز هم در حال آموختن آن هستید)

مقایسه حال کامل ساده و استمراری

- برای صحبت درباره اعمال و حالاتی که به مدت طولانی ادامه داشته‌اند معمولاً از شکل ساده استفاده میشود به خصوص با کلمه **always** از حال کامل ساده استفاده میکنیم و شکل استمراری آن را برای اعمالی که کار میبریم که کمتر طول کشیده و موقتی هستند.

I have always worked hard.

John has always lived in Denver.

I have been working for this company for ۳ months.

I've been studying English for six months.

- اگر تاکید گوینده بر عملی باشد که انجام شده یعنی آن عمل چه بوده و یا چه مدت طول کشیده است، شکل استمراری به کار میرود اما اگر تاکید بر نتیجه عمل باشد که چه تعداد یا چه مقدار کار انجام شده است، از شکل ساده استفاده میشود.

I have been writing letters since morning. تاکید بر عمل نامه نوشتن

I have written three letters since morning. تاکید بر تعداد نامه ها

How long have you been reading that book? تاکید بر عمل خواندن

How many pages of that book have you read? تاکید بر تعداد صفحه ها

افعال حالت (همانطور که در زمان حال استمراری توضیح داده شد) شکل حال کامل استمراری نیز ندارند.

I have had this car for ۲ years.

۲. زمان گذشته

- گذشته ساده

+	verb + ed (به جز افعال بیقاعده)	He called me yesterday.
-	did not + verb	I didn't call her yesterday .
?	Did + ... + verb	Did she call you yesterday?

گذشته ساده برای صحبت درباره عملی است که در گذشته انجام شده و تمام شده است.

I went to Italy last summer.

کاربرد ago در جملات گذشته:

Sara started her new Job three weeks ago.

I had dinner an hour ago.

در موقع سؤال کردن با When...? یا What time...? از گذشته ساده استفاده می شود:

What time (When) did you finish your work yesterday?

When در جملات گذشته ساده و how long در جملات حال کامل استمراری می آیند:

When did it start raining?

How long has it been raining?

How long has it been since you last saw Joe?

- گذشته استمراری

+	was/were + verb + ing	He was watching TV.
-	was/were not + verb+ ing	I wasn't watching TV.
?	was/were ...+ verb + ing?	Were they watching TV?

از زمان گذشته استمراری در این موارد استفاده می شود:

- برای بیان عملی که در گذشته انجام شده و مدتی طول کشیده است.

All yesterday, I was working on my car.

- برای نشان دادن اینکه عملی در گذشته در حال انجام بوده است و مشخص نیست که تمام شده است یا نه.

Sara was cooking dinner. (تمام شدن عمل مشخص نیست)

Sara cooked dinner. (عمل پختن تمام شده است)

- هر گاه بخواهیم بگوئیم کاری در حین وقوع کار دیگر صورت گرفته است از گذشته استمراری و گذشته ساده استفاده می‌کنیم (کلماتی که معمولا در این مورد استفاده می‌شود: when, while, as, ...)

Matt **burned** his hand while he **was cooking** dinner.

I **saw** you in the park yesterday. You **were sitting** on the grass.

When Beth arrived, we were having dinner.

اما وقتی بخواهیم بگوئیم عملی بعد از عمل دیگر انجام گرفته از گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

When Beth arrived, we had dinner.

- افعال حالت استمراری نمیشوند.

- برای اینکه بگوئیم در زمان گذشته قصد انجام کاری را داشته‌ایم از ساختار **was/were + going to** استفاده می‌کنیم:

We were going to travel by train, but then we decided to drive instead.

از **was/were going to** همچنین برای بیان واقعه‌ای که می‌خواست رخ دهد اما اتفاق نیفتاده است استفاده می‌کنیم:

I thought it was going to rain, but then the sun came out.

- گذشته کامل (بعید)

گذشته کامل ساده

+	had + past participle	They had listened to his music.
-	had not + past participle	They hadn't listened to his music.
?	Had ... + past participle?	Had they listened to his music?

از زمان گذشته کامل ساده در این موارد استفاده می‌شود:

- زمانی که راجع به اتفاقی در گذشته صحبت می کنیم و بخواهیم به گذشته دورتری اشاره کنیم در اینصورت عملی را که در گذشته دورتر انجام شده به شکل گذشته بعید و عملی را که بعدا انجام شده است به شکل گذشته ساده می آوریم. این دو عبارت اغلب با کلمات ربطی مانند when, after, before, as soon as می آیند.

The robber had escaped before the police got to the bank.

When Sarah got to the party, Eric had already gone home.

(وقتی سارا به مهمانی رسید، اریک رفته بود یعنی اول اریک به خانه رفته و بعد سارا به مهمانی رسیده)

اما اگر دو عمل همزمان یا به فاصله کم انجام شده باشند از گذشته بعید استفاده نمیکنیم بلکه از گذشته ساده یا استمراری استفاده میشود.

When Sara got to the party, Eric went home. وقتی سارا به مهمانی رسید، اریک به خانه رفت

When I got to my office, my boss was waiting for me.

- گذشته کامل استمراری

+	had + been + verb + ing	She'd been studying for ages.
-	had not + verb + ing	He hadn't been studying for long.
?	Had...+been + verb + ing	Had you been studying for long?

- از گذشته کامل استمراری برای بیان عملی استفاده می کنیم که در گذشته و قبل از وقوع فعلی دیگر، برای مدت زمانی در حال رخ دادن بوده است:

We'd been playing tennis for about half an hour when it started to rain heavily.

- افعال حالت استمراری نمیشوند.

مانند آنچه در زمان حال کامل گفته شد، گذشته کامل استمراری نیز بر طول زمان تاکید دارد و گذشته کامل ساده بر عمل و نتیجه و تعداد آن.

When I got to my office yesterday, my secretary had been sending e-mails for ۲ hours.

When I got to my office yesterday, my secretary had sent ۱۰ e-mails.

۳- آینده

برای صحبت درباره آینده از فعل های مختلفی استفاده میشود که هر یک کاربرد خاصی دارند.

استفاده از زمان حال با معنای آینده

از حال ساده با معنای آینده در موارد زیر استفاده میشود:

- صحبت در مورد جدول ساعات کاری ، جدول زمانبندی وسایل نقلیه عمومی، برنامه سینماها و ...

The conference only lasts three days.

The plane leaves Chicago at ۱۱:۳۰ and arrives in Atlanta at ۲:۴۵

The train leaves in ۲۰ minutes.

What time does the movie begin?

اما در مورد برنامه ریزی های افراد برای زمان آینده از زمان حال استمراری استفاده میشود:

We're staying in a small hotel. برنامه ریزی

What time are you meeting Ann tomorrow? (do you meet نگوئیم)

- برای بیان زمان شروع یا خاتمه کار نیز از حال ساده استفاده می کنیم:

I start my Job on Monday.

What time do you finish your work tomorrow?

- بعد از رابط هایی مثل when, as soon as, after, before, until, as long as

I'll be feeling nervous when I get to Rome.(not when I will get to Rome)

Can you do it before we have the departmental meeting? (not before we will have the meeting)

be going to

+	am/is/are + going to + verb	We're going to hire a car.
-	am/is/are not + going to + verb	He's not going to hire a car.
?	Am/Is/Are+ going to + verb?	Are they going to hire a car?

از فعل be going to در این موارد استفاده می شود:

- برای بیان کارهایی که قصد داریم در آینده انجام دهیم و بیان برنامه هایی که برای آینده داریم (بر اساس اراده)

I'm going to buy a new car. قصد دارم که یک ماشین جدید بخرم

اگر راجع به قرار قطعی و از قبل برنامه ریزی شده برای آینده صحبت کنیم (مثل قرار ملاقات، سفر،...) از شکل حال استمراری استفاده میکنیم که معمولا یک قید زمان (فردا، امشب،...) نیز به کار میرود.

A: When are you meeting the boss?

B: I'm meeting him tomorrow.

اما وقتی که از going to استفاده می کنیم به این معنی است که تصمیم به انجام دادن کاری گرفته ایم ولی هنوز ترتیبی نداده ایم که آن را به مرحله عمل درآوریم:

I'm going to wash my car late.

البته گاهی تفاوت این دو خیلی ناچیز است و فرقی نمی کند کدام یک از آنها را به کار ببریم.

اگر قصد داشتیم عملی را در گذشته انجام دهیم ولی آن را انجام نداده ایم از was/were going to استفاده میکنیم.

I was going to buy a new car but I changed my mind.

- برای پیش بینی آینده بر اساس شواهدی که موجود است .

Look at that black cloud. It's going to rain.

- برای صحبت درباره عمل یا حالتی که در آینده اتفاق خواهد افتاد و بیانگر قصد و اراده انسان و یا پیش بینی نیست. که این کاربرد مشابه یکی از کاربردهای will میباشد.

I'm going to be ۲۸ next month.(=I will be ۲۸ next month)

Will

+	will + verb	We'll enjoy it.
-	will not (won't) + verb	He won't enjoy it.
?	Will+ verb?	Will they enjoy it?

از will در این موارد استفاده می شود:

- صحبت راجع به واقعیات در زمان آینده که بیانگر قصد و اراده یا کارهای برنامه ریزی شده نباشد.

I'll be ۲۸ next month.

فراموش نکنید که اگر بخواهیم راجع به کارهایی که از قبل تصمیم به انجام آن گرفته و برنامه ریزی کرده ایم از حال استمراری یا be going to استفاده میکنیم نه از will.

- هرگاه در همان لحظه ای که صحبت میکنیم تصمیم به انجام کاری بگیریم و نه با قصد و تصمیم قبلی.

A: The telephone is ringing and I'm washing the dishes.

B: I'll answer it. (not I'm going to answer it)

- برای قول دادن

I'll pay your money back next week.

I won't tell anyone what happened. I promise.

- برای پیشنهاد کمک

That day looks very heavy. I'll help you with it.

- برای تقاضا کردن به صورت سوالی

Will you shut the door, please?

- به همراه کلمات یا عباراتی مانند:

probably, maybe, I'm sure, I expect, I think, I don't think, wonder, doubt, suppose, guess

It will probably rain tomorrow.

Maybe it will rain tomorrow.

I think Diana will pass her driver's test.

Shall

- طرز استفاده از shall نظیر will بوده و برای ضمائر I و We به کار می‌رود:

We shall go to movies this evening.

- از shall در جملات سؤالی برای پیشنهاد کمک و یا نظر خواستن از دیگری استفاده می‌شود

Shall I carry your shopping for you? (=do you want me to carry ...?) پیشنهاد کمک

Shall we go to Italy for our vacation? نظر خواستن

در جملات فوق همچنین می‌توانید از should استفاده کنید:

Should I open the window?

- آینده استمراری

+	will be + verb + ing	I'll be studying all next week.
-	will not (won't) be +verb + ing	She won't be studying all next week.
?	Will ...be + verb+ ing?	Will you be studying all next week.

از زمان آینده استمراری در موارد زیر استفاده میشود:

- بیان عملی که در آینده انجام خواهد شد و مدتی طول خواهد کشید.

My final exams begin next month, so I'll be studying all next month.

- بیان عملی که در آینده در لحظه معینی در حال انجام آن خواهیم بود.

Please don't call me tomorrow afternoon. I'll be studying for my exam then.

- بیان کارهایی که از قبل برنامه ریزی کرده و تصمیم گرفته ایم که در آینده انجام دهیم.

I'll be seeing Sara at lunch.

- پرسیدن درباره برنامه هایی که اشخاص دارند، به خصوص زمانی که چیزی را میخواهیم و یا میخواهیم کسی کاری را برایمان انجام دهد.

A: Will you be using your computer today?

B: No, you can have it.

- سوال های مودبانه

Excuse me, how long will you be using my computer?

- بیان کارهایی که در آینده به عنوان بخشی از کارهای روتین انجام خواهد شد.

Will you flying to Italy tomorrow as usual?

- آینده کامل ساده

+	will have + past participle	I'll have done it by then.
-	will not (won't) have + past participle	We won't have done it by then.
?	Will ... + have + past participle?	Will you have done it by then?

زمان آینده کامل، کامل شدن عمل یا حالتی را در آینده بیان میکند یعنی نشان میدهد که در زمان معینی در آینده عمل یا حالتی کامل خواهد شد. و معمولا از قیدهای زمان مثل

by Sunday, by the end of July, next year, until midnight, before then, by the time you get home, in a week's time ...

استفاده میشود.

By the end of September, I will have worked in this company for ۶ years.

(تا پایان سپتامبر شش سال خواهد بود که در این شرکت کار میکنم. یعنی مدت زمان شش سال در آینده کامل میشود).

- آینده کامل استمراری

+	will have been + verb + ing	I'll have been working here for ۳ months.
-	will not (won't) have been +	We won't have been working

	verb + ing	here for long.
?	Will ... + have been + verb + ing?	How long will you have been working here?

مانند زمان حال کامل، برای آینده کامل نیز هرگاه بخواهیم تمام شدن عمل را بیان کنیم از شکل ساده و هرگاه بخواهیم ادامه عمل را نشان دهیم از شکل استمراری استفاده میکنیم.

تا ساعت ۴ اتاق را رنگ خواهیم کرد. یعنی عمل تمام خواهد شد. By ۴ o'clock, I will have painted the bedroom.

By ۴ o'clock, I'll have been painting the bedroom for ۳ hours.

تا ساعت ۴، سه ساعت خواهد شد که دارم اتاق را رنگ میکنم. یعنی عمل هنوز ادامه خواهد داشت.

علامت	کاربرد	ساختار	زمان	ردیف
Every day , always , never , every week , every evening , two times a week , three times a month	۱- عادت و تکرار ۲- موارد همیشه درست (مثل رویدادهای علمی)	فرم ساده فعل (در سوم شخص مفرد) sies می گیرد و Have نیز به Has تبدیل می شود)	حال ساده	۱
Now , at the moment , ...	۱- بیان عملی که اطراف زمان یا عملی دیگر در حال انجام می باشد. ۲- خود عمل مهم است نه شروع و پایان آن. ۳- افعال حسی و حالتی نمی توانند در ساختار استمراری نوشته شوند. ۴- می تواند معنای آینده هم داشته باشد	(am/is/are) + ing A am writing	حال استمراری	۲
For+ قید زمان Since+ مدت زمان before Two times , three times , ...	۱- عملی که در گذشته آغاز شده و پایان یافته ولی اثر یا نتیجه اش تاکنون باقیست. ۲- بیان تعداد دفعات انجام یک کار ۳- بیان تجربه یا مدت زمان انجام یک کار	(have+has) + PP I have written	حال کامل	۳
For+ قید زمان Since+ مدت زمان before Two times , three times , ...	۱- بیان عملی که از گذشته آغاز شده و تاکنون ادامه دارد و ادامه نیز خواهد یافت. ۲- افعال حسی و حالتی نمی توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.	(have/has)+been+ing I have been writing	حال کامل استمراری	۴
Yesterday , last week , last year , last Friday , ...	۱- بیان اتفاقی که در گذشته رخ داده است. ۲- بیان عادت در گذشته	قسمت دوم فعل (افعال با قاعده ed) می گیرند و افعال بی قاعده را نیز باید با کمک جدول مربوطه نوشت) He visited , I wrote	گذشته ساده	۵
At+ قید زمان گذشته When+ قید زمان گذشته While ,	۱- بیان عملی که اطراف زمان یا عملی دیگر در گذشته انجام می گرفته است. ۲- خود عمل مهم است نه شروع و پایان آن. ۳- افعال حسی و حالتی نمی توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.	(was/were)+ing I was writing	گذشته استمراری	۶
When+ قید زمان گذشته Before , ...	۱- عملی که در گذشته قبل از عمل یا زمانی دیگر انجام گرفته و پایان یافته است. ۲- بیان تعداد دفعات انجام یک کار قبل از زمان یا عملی در گذشته. ۳- بیان تجربه یا مدت زمان انجام یک کار قبل از زمان یا عملی در گذشته.	Had+PP I had written	گذشته کامل	۷

<p>قید زمان +When گذشته Before , ...</p>	<p>۱- بیان عملی که قبل از عمل یا زمانی در گذشته مدتی ادامه و استمرار داشته است. ۲- افعال حسی و حالتی نمی توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.</p>	<p>Had+been+ing I had been writing</p>	<p>گذشته کامل استمراری</p>	<p>۸</p>
<p>Tomorrow , next week , next year , next friday</p>	<p>۱- بیان اتفاقاتی که قرار است در آینده رخ دهد. ۲- بیان برنامه های رسمی در آینده.</p>	<p>Will+ فعل ساده I will write</p>	<p>آینده ساده</p>	<p>۹</p>
<p>قید زمان آینده+At Then ,</p>	<p>۱- بیان عملی که اطراف زمان به عملی دیگر در آینده مشغول انجام خواهد بود. افعال حسی و حالتی نمی توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.</p>	<p>Will+be+ing I will be witten</p>	<p>آینده استمراری</p>	<p>۱۰</p>
<p>قید زمان آینده+By مدت زمان +In تاریخ در آینده+On جمله+By the time</p>	<p>بیان عملی که قرار است قبل از زمان یا عملی دیگر در آینده به پایان برسد.</p>	<p>Will+have+PP I will have written</p>	<p>آینده کامل</p>	<p>۱۱</p>
<p>طول +For قید زمان+by+زمان</p>	<p>۱- بیان عملی که تا زمانی در آینده بطور مداوم و مستمر ادامه خواهد داشت و پس از آن نیز ممکن است ادامه یابد. ۲- افعال حسی و حالتی نمی توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.</p>	<p>Will+have+been+ing I will have been writing</p>	<p>آینده کامل استمراری</p>	<p>۱۲</p>

۴- جملات مجهول

وقتی جمله مجهول به کار می‌بریم فقط عملی که انجام شده اهمیت دارد و اینکه چه کسی یا چیزی باعث انجام کار شده است برایمان مهم نیست و کننده عمل میتواند ذکر نشود و یا در آخر جمله با حرف اضافه by میتوان آن را ذکر نمود.

The car was washed.(by my brother.)

to be + pp مثبت:

to be + not + pp منفی:

am/is/are + pp حال ساده

am/is/are + being + pp حال استمراری

have/has + been + pp حال کامل

was/were + pp گذشته ساده

was/were + being + pp گذشته استمراری

had + been + pp گذشته بعید

will/can/could/must/should/may....+ be + pp افعال کمکی

She isn't often invited to parties.

The room is being cleaned right now.

The room looks nice. It has been cleaned

This house was built ۱۰۰ years ago.

The room was being cleaned when I arrived.

The room looked nice. It had been cleaned.

Something must be done before it's too late.

	ساده (simple)	استمراری (continuous)	کامل (perfect)	کامل استمراری * (perfect continuous)
حال (present)	Am/is/are+PP The letter is written نامه نوشته می شود	Am/is/are+being+PP The letter is being written نامه دارد نوشته می شود	Have/has+been+PP The letter has been written نامه نوشته شده است	Have/has+been+being+PP The letter has been being written نامه مشغول نوشته شدن بوده است
گذشته (past)	The letter was written نامه نوشته شد	The letter was being written نامه داشت نوشته می شد	The letter had been written نامه نوشته شده بود	The letter had been being written نامه مشغول نوشته شدن بود
آینده (future)	The letter will be written نامه نوشته خواهد شد	The letter will be being written نامه در حال نوشته شدن خواهد بود	The letter will have been written نامه نوشته شده است (قبل از زمانی در آینده)	The letter had been being written نامه مشغول نوشته شدن خواهد بود
آینده در گذشته (future in the past)	شاید نامه نوشته شود The letter would be written	شاید نامه در حال نوشته شدن باشد The letter would be being written	نامه می خواست نوشته شود (ولی نشد) The letter would have been written	نامه می خواست در حال نوشته شدن باشد The letter would have been being written

افعالی مانند: have to/has to, be going to, want to + be + pp

A new supermarket is going to be built next year.

This room has to be cleaned right now.

در جملاتی که دارای seem to have / would have / might have / should have و... هستند در هنگام ساختن جمله مجهول فعل مناسب to be به صورت been است:

The room should have been cleaned.

The letter might have been sent to the wrong address. احتمالا نامه به آدرس اشتباه فرستاده شده

بعضی افعال مثل give, دو مفعول دارند، بنابراین برای آنها می توان دو جمله مجهول نوشت:

We gave the police the information.

۱. The information was given to the police.

۲. The police were given the information.

افعال دو مفعولی دیگر:

ask, offer, pay, show, teach, tell, sell, feed, allow, lend, send,...

هنگامی که دو فعل پشت سر هم به کار میروند، اگر فعل دوم مصدر باشد (to + verb) در حالت مجهول به to be + pp تبدیل میشود و اگر فعل دوم به فرم ing باشد (verb + ing) در حالت مجهول به being + pp تبدیل میشود.

I **don't like** people **telling** me what to do.

I don't like **being told** what to do.

با توجه به اینکه مصدر معلوم یعنی to + verb و مصدر مجهول یعنی to be + pp، برخی از مصدر های معلوم وجود دارند که از نظر ظاهر معلوم و از نظر معنا مجهول اند.

I have some homework to do. (= some homework to be done)

همچنین افعالی که با ing بعد از need می آیند.

This car needs washing. (=this car need to be washed)

در جمله هایی که با there شروع میشوند میتوان هم مصدر معلوم و هم مصدر مجهول به کار برد.

There are some letters to write/to be written.

در جملات مجهول بعضی اوقات به جای be از get استفاده می شود:

I don't often get invited to parties.

البته get فقط در مواقعی استفاده می شود که کاری به طور تصادفی و غیر منتظره اتفاق بیفتد (بدون آنکه اراده ای در کار باشد):

Our dog got run over by a car.

اما در بقیه موارد نمی توان استفاده کرد:

Jill is liked by everybody.

۵- عادت داشتن

Used to

used to + to	مصدر بدون	مثبت
didn't + use to + to	مصدر بدون	منفی
Did ... use to + to	مصدر بدون	سوالی

از used to فقط در زمان گذشته و در موارد زیر استفاده می شود:

- برای بیان اعمالی استفاده می کنیم که در گذشته (به طور منظم) انجام می داده ایم ولی در حال حاضر دیگر آنها را انجام نمی دهیم.
I used to read a lot of books, but I don't read much.

I didn't use to lock the door.

- برای بیان موضوعی که در گذشته حقیقت داشته است ولی امروز دیگر درست نیست .

This building is now a furniture store. It used to be a movie theater.

همچنین به جای used to میتوان از would استفاده کرد اما با افعال حالت از would استفاده نمی شود.

She would leave the door unlocked whenever she was at home. (she'd leave the door unlocked whenever she was at home)

be used to

این فعل به معنای "عادت داشتن" است و در همه زمان ها استفاده میشود و عادت داشتن به عمل یا حالتی را نشان میدهد که برایمان بیگانه و عجیب نیست. بعد از be used to یک اسم یا ضمیر یا فعل با فرم ing به کار میرود.

I used to live alone. در گذشته تنها زندگی می کردم اما دیگر تنها زندگی نمی کنم .

I am used to living alone. من عادت دارم که تنها زندگی کنم (و این موضوع عجیب و جدیدی نیست)

I wasn't used to hot weather.

Are you used to life in a big city? No , I'm not used to it.

get used to

این فعل به معنای "عادت پیدا کردن" است و هنگامی از آن استفاده میکنیم که بخواهیم بگوییم کسی در حال عادت کردن به چیزی است ولی هنوز کاملاً به آن عادت نکرده. بعد از **get used to** یک اسم یا ضمیر یا فعل با فرم **ing** به کار میرود.

I'm trying to get used to life in a big city.

۶- احتمال و اطمینان

- برای بیان احتمال در حال و آینده از **may** یا **might** و یا از **could** استفاده می‌کنیم البته **could** احتمال ضعیفی را نشان میدهد.

مصدر بدون **to** + **might/may** + فاعل

سوالی مصدر بدون **to** + فاعل + **may/might**

منفی مصدر بدون **to** + **may/might** + **not** + فاعل

I may/might go to the movies tonight = perhaps I will go to the movie tonight.

May I ask a question?

Sonia may not come to the party.

The phone's ringing. It could be Matt.

استفاده از **may** یا **might** هیچ تفاوتی نمی‌کند اما برای موقعیت‌هایی که واقعی نیستند فقط از **might** استفاده می‌کنیم:

If I knew them better, I might invite them to the party.

اگر آنها را بهتر می‌شناختم، احتمالاً آنها را به مهمانی دعوت می‌کردم.

از **may/might/could** در شکل استمراری نیز میتوان استفاده کرد.

ing + مصدر بدون **to** + **may/might/could** + **be**

Don't phone me at ۸:۳۰. I might be watching TV. = (perhaps I will be watching TV)

همچنین از این شکل استمراری برای بیان برنامه‌های احتمالی خود استفاده می‌کنیم:

I may/might be going to Mexico in July.

عبارت We may/might as well do یعنی بهترین کاری که می توانیم انجام دهیم یا چاره‌ای نداریم:

Rents are so high these days, you may as well buy a house.

- برای بیان اطمینان از will certainly یا surely یا definitely و یا از must استفاده میشود.

She'll certainly get the job.

She certainly won't get the job.

You've been working all day. You must be tired.

- در حالت اطمینان منفی از can't استفاده میکنیم یعنی غیر ممکن است.

He can't be in Italy. I saw him an hour ago.

- برای بیان احتمال در زمان گذشته یعنی وقتی بخواهیم بگوییم امکان دارد عملی در گذشته انجام شده باشد از ساختار زیر استفاده میکنیم:

may/might /could + have + Past participle

She may have known about it. (perhaps she knew...)

شاید چیزی راجع به آن می دانسته است.

She could have done her homework.

may/might + not + have + Past participle حالت منفی

Could + not + have + past participle

He may not have seen you.

احتمالا (ممکن است) تو را ندیده است.

- برای بیان اطمینان در زمان گذشته از must + have + pp استفاده میشود.

All the streets are wet. It must have rained last night.

حتما دیشب باران باریده(با اطمینان)

There's nobody at home. They must have gone out.

وقتی از درست نبودن چیزی اطمینان داریم از must not استفاده می کنیم:

Carol takes the bus everywhere. He must not have a car.

و در حالت منفی یعنی وقتی بخواهیم بگوییم غیر ممکن است عملی در گذشته انجام شده باشد از $can't + have + pp$ یا $couldn't + have + pp$ استفاده میشود.

He was too far away, so he can't/couldn't have seen you. غیرممکن است تو را دیده باشد.

پس معنی $couldn't$ با $may/might not$ فرق می‌کند چرا که در حالت $may/might not have + pp$ احتمالاً عمل در گذشته انجام نشده اما در حالت $could not have + pp$ غیر ممکن است که عمل در گذشته انجام شده باشد.

Those two girls look very much alike. They must be sisters.

تفاوت $can't$ و $must not$ نیز در این است که $can not$ به معنای امکان‌ناپذیر بودن چیزی است و $must not$ به معنای این است که «قاعدتاً اینچنین نیست که...».

۷- توانایی

برای بیان توانایی از $can, could, be able to$ استفاده میشود.

can

۱- در مواقعی که می‌خواهیم بگوئیم شخصی توانایی انجام کاری را دارد و یا انجام عمل امکان پذیر است از can استفاده می‌کنیم:

مثبت: مصدر بدون $can + to$ + فاعل

منفی: مصدر بدون $can not (can't) + to$ + فاعل

سؤالی: مصدر بدون $can + to$ + فاعل

Can you change a ten-dollar bill? I'm sorry, I can't.

به جای can می‌توان از $be able to$ استفاده کرد. اما باید توجه داشت که can معمول تر است:

Are you able to speak any foreign languages?

اما در برخی موارد استفاده از can امکان پذیر نیست و ضروری است که از $be able to$ استفاده کنیم:

- بعد از مصدر

It's interesting to be able to speak ۴ languages.

- بعد از افعال کمکی

Tom might be able to come tomorrow. شاید تام بتواند فردا بیاید.

از **could** برای پیشنهاد کردن در زمان حال یا آینده نیز استفاده میشود.

It's a nice day. We could go for a walk.

در این موارد به جای **could** از **can** نیز می‌توان استفاده کرد.

در مواقعی که واقعاً قصد نداریم چیزی را که می‌گوئیم انجام دهیم از **could** استفاده می‌کنیم:

I'm so angry with him. I could kill him. (I can kill... نمی‌گوئیم)

وقتی می‌خواهیم از امکان وقوع چیزی در زمان حال یا آینده خبر دهیم نیز از **could** استفاده می‌کنیم. (در اینگونه جملات از **can** نمی‌توان استفاده کرد.)

I don't know when they'll be here. They could get here at any time.

could have done

در مواقعی که می‌خواهیم بگوئیم فرصت یا امکان انجام کاری را داشته‌ایم ولی آن را انجام نداده‌ایم از **could have done** استفاده می‌کنیم:

He could have had a wife and children.

همچنین از **could have done** برای بیان احتمال در گذشته نیز استفاده میشود.

The situation was bad, but it could have been worse.

بعضی اوقات **could** به معنی **would be able to** است:

We could take a trip if we had enough money.

گاهی اوقات **could have done** به معنی **would have been able to do** است:

We could have taken a trip if we had enough money.

۸- اجبار

برای بیان اجبار از افعال زیر استفاده میشود:

Should, ought to, had better, be supposed to, must, have/has to, need

have to و must

مثبت: مصدر بدون must + to + فاعل

منفی: مصدر بدون must + not + to + فاعل

سؤالی: مصدر بدون to + فاعل + must

هرگاه بخواهیم ضرورت انجام کاری را بیان کنیم از have to استفاده می کنیم:

قسمت اول فعل + have to / has to + فاعل

Kim starts work at ۷ o'clock, so she has to get up at ۶:۰۰.

Have you ever had to go to the hospital?

I might have to leave the meeting early.

شکل سؤالی زمان حال:

do / does + فاعل + have to...?

شکل منفی زمان حال:

فاعل + don't / doesn't + have to...?

شکل سؤالی زمان گذشته:

did + فاعل + have to...?

شکل منفی زمان گذشته:

فاعل + didn't have to...

What time do you have to go to the dentist tomorrow?

در جملاتی که به زمان حال هستند به جای have to از have got to می توان استفاده کرد.

در زبان انگلیسی از have to بیشتر از must استفاده می کنیم ولی در دستورالعمل و قوانین نوشتاری از must استفاده می شود.

must , have to برای بیان اجبار قوی به کار میروند و بیانگر عملی هستند که لازم است انجام شود. و در بسیاری از موارد به طور یکسان به کار میروند. اما در بعضی موقعیت ها این دو فعل با هم تفاوت دارند و تفاوت آنها بستگی به نوع اجبار دارد.

اگر اجبار از طرف خود گوینده باشد یعنی گوینده خودش احساس کند که لازم است کاری را انجام دهد از must استفاده میشود ولی اگر اجبار از بیرون بر گوینده تحمیل شود و یک واقعیت بیرونی باشد (مثل مقررات و قانون و پزشک و معلم ...) آنگاه از have to استفاده میشود.

I must lose some weight. I'm getting fat. گوینده خودش اجبار را حس میکند.

I have to work late tomorrow. گوینده فقط یک واقعیت بیرونی را بیان میکند.

Must فقط برای حال و آینده به کار میرود و گذشته ندارد. برای زمان های گذشته، حال کامل، آینده و یا به هنگام استفاده از افعال کمکی مثل may, might,... فقط میتوان از have to استفاده کرد.

I must give a lecture tomorrow. آینده.

When I was at university, I had to work and study at the same time. گذشته

Have you ever had to go to the hospital? حال کامل

We might have to cancel tomorrow's meeting. شاید مجبور شویم جلسه فردا را کنسل کنیم.(فعل کمکی)

این دو فعل در شکل منفی معنای کاملا متفاوت دارند. mustn't به معنای آن است که عملی نباید انجام شود(اجبار منفی) ولی don't have to به معنای آن است که نیازی نیست عملی انجام شود یعنی اختیار داریم که آن عمل را انجام دهیم یا انجام ندهیم.

Bicyclist must not ride on the sidewalk. اجبار

You don't have to work on the weekend. اختیار

should

فعل کمکی should (باید) را هنگامی به کار میبریم که بخواهیم بگوییم انجام عملی صحیح و عاقلانه است.

مثبت: مصدر بدون should + to + فاعل

منفی: مصدر بدون should + not + to + فاعل

سؤالی: مصدر بدون should + to + فاعل

You should stop smoking.

اغلب اوقات should را با I think...? / I didn't think / I think می گوئیم یا نظر دیگران را می پرسیم:

Do you think I should buy this coat?

وقتی می خواهیم بگوئیم چیزی درست نیست یا برخلاف انتظار ماست از should استفاده می کنیم:

I wonder where Liza is? She should be here by now.

وقتی که می خواهیم بگوئیم انتظار داریم چیزی در آینده اتفاق بیفتد نیز از should استفاده می کنیم:

She's been studying hard for exam, so she should pass.

برای زمان گذشته و کاری که باید انجام می شده اما نشده، و یا کاری نباید انجام میشده اما انجام شده است از should have done استفاده می کنیم:

I feel sick. I shouldn't have eaten too much.

Should از نظر قدرت و شدت، ضعیف تر از must است.

معنای should با have to فرق می کند:

I should study tonight, but I think I'll go to the movies.

I have to study tonight. I can't go to the movies.

به جای should از ought to نیز می توان استفاده کرد. اما ought to رسمی تر است.

You shouldn't smoke so much = You ought not to smoke so much.

همچنین زمانی که بخواهیم بگوئیم که بهتر است کاری را انجام دهیم، به جای should میتوان از فعل had better نیز استفاده کرد.

You have a temperature. You'd better go to a doctor.

You'd better not smoke so much.

اگر بخواهیم بگوئیم روش صحیح و منطقی انجام کاری کدام است به جای should میتوان از be supposed to به معنای "قرار است که - باید" استفاده کنیم.

I'd better hurry. I'm supposed to be at work at ۸.

need

فعل need علاوه بر معنای لازم داشتن به معنی اجبار نیز هست.

We're late. We need to hurry. دیر رسیدیم. باید عجله کنیم.

don't/doesn't have شکل منفی need یعنی don't/doesn't need to به این معنیست که لازم نیست کاری انجام شود. (معادل to)

You don't need to work on the weekend. لازم نیست یا مجبور نیستی آخر هفته کار کنی.

need در زمان گذشته به دو شکل didn't need to و needn't have done منفی میشود که اولی عملی را بیان میکند که لازم نبوده انجام شود و انجام نشده است و دومی عملی را بیان میکند که لازم نبوده انجام شود ولی انجام شده است.

I didn't need to water the flowers because it was raining.

(گوینده با دیدن باران متوجه شد که نیازی به آب دادن گل ها نیست و این کار را انجام نداده)

I needn't have watered the flowers. It began to rain after ten minutes.

(گوینده بعد از باریدن باران متوجه شده که نیازی به آب دادن گل ها نبوده اما این کار را قبل از باریدن باران انجام داده است)

۹- جملات سوالی

جملات سوالی که با who, what, which و ... شروع میشوند به دو دسته تقسیم میشوند:

- اگر کلمه سوالی راجع به مفعول جمله سوال کند از افعال کمکی do/does/did استفاده می کنیم:

Who did you see yesterday? چه کسی را دیدی؟

I saw Sara. کلمه سوالی who راجع به سارا که مفعول جمله است سوال کرده

- اگر کلمه سوالی راجع به فاعل جمله سوال کند از افعال کمکی do/does/did استفاده نمی کنیم:

A: Who **lives** in this house?

B: Jane lives here.

A: What **happened** to your car?

B: I had a bad accident.

Which bus goes down town?

افعالی که به همراه یک حرف اضافه به کار میروند در جملات سوالی نیز حرف اضافه خود را حفظ میکنند. در انگلیسی محاوره ای حرف اضافه بلافاصله بعد از فعل میاید.

What's she laughing **at**?

Who do you want to speak **to**?

Which job has Jane applied **for**?

Where do you come **from**?

در انگلیسی رسمی حرف اضافه در ابتدای جمله قرار میگیرد.

From whom did you obtain the information?

what ... like? برای سوال در مورد ظاهر و شخصیت صفات انسان ها و اشیا به کار میرود.

A: What is your new teacher like?

B: She is really experienced and she's friendly, too.

What ... for? برای پرسیدن دلیل و منظور به کار رفته و به معنای چرا است.

What did you call him for?(= why did you call him?)

اسم + what، اسم + which

What color is your car?

Which day is it today?

Which train did you catch- the ۹:۵۰ or the ۱۰:۳۰.

Who فقط برای اشخاص (نه اشياء) به کار می رود:

Who is taller- Bill or Sam?

وقتی که در مورد تعداد کمی از اشياء صحبت می کنیم از which استفاده می کنیم اما استفاده از what رایج تر است:

There are four umbrellas here. Which is yours?

How را می توان با صفت یا قید به کار برد:

How tall are you?

How big is the house?

How often do you use your car?

وقتی می خواهیم بپرسیم انجام گرفتن کاری چه مدت طول می کشد از How long استفاده می کنیم:

How long does/did/will it take to do something.

How long does it take to cross the Atlantic by ship?

It took about an hour .

How long does it take you to...?

برای شما چه مدت طول می کشد...؟

A: How long does it take Anne to...?
 will them

B: It takes me a week
 took Anne a long time to... .
 will take them three hours

It took me three days to read the book.

خواندن کتاب برای من سه روز طول می کشد.

How long will take me to learn driving?

گاهی اوقات لازم است سوالی را به صورت غیرمستقیم و با عباراتی نظیر "do you know..?", "do you know...?", "could you tell me...?", "I don't know, have any idea ..?" از کسی بپرسیم، در اینگونه مواقع بخش اول جمله به صورت سوالی و بخش دوم خبری است.

– Where is Paula?

Do you know where **Paula is**?

I don't know where **Paula is**.

– When are you leaving town?

Can you tell me when **you are leaving town**?

– Where does he live?

Do you know where **he lives**?

اگر در جملات سوالی هیچ نوع کلمه پرسشی (what, why و...) وجود نداشته باشد باید از if یا whether استفاده کنیم:

– Is Jack at home?

Do you know if /whether Jack is at home?

- Did anybody see you?

I don't remember whether (if) anybody saw you?

در نقل قول غیرمستقیم جملات سؤالی نیز همین تغییرات صورت می‌گیرد:

- The police officer said to us "where are you going?"

The police officer asked us where we were going.

- "Do you have a driver's license?"

She asked me whether (if) I had a driver's license?

۱۰- نقل قول مستقیم و غیرمستقیم

در نقل قول مستقیم از گیومه استفاده کرده و عین عبارت را می‌آوریم اما در نقل قول غیرمستقیم زمان فعل به صورت زیر تغییر می‌کند:

جمله اصلی	→	نقل قول غیرمستقیم
حال ساده	→	گذشته ساده
حال استمراری	→	گذشته کامل
گذشته استمراری	→	گذشته کامل استمراری
حال کامل	→	گذشته کامل
حال کامل استمراری	→	گذشته کامل استمراری
گذشته کامل استمراری	→	گذشته کامل استمراری
آینده ساده	→	آینده در گذشته ساده
آینده استمراری	→	آینده در گذشته استمراری
آینده کامل	→	آینده در گذشته کامل
آینده کامل استمراری	→	آینده در گذشته کامل استمراری

- I'm enjoying my new Job.

He said that he was enjoying his new Job.

- My sister has gone to Australia.

He said that his sister had gone to Australia.

در موقع استفاده از نقل قول غیرمستقیم، معمولاً از said یا told استفاده می‌کنیم. بقیه جمله نیز معمولاً به زمان گذشته است:

Tom said that he was feeling seek.

نگوئید "Tom said me" یا "I said Anne". بعد از said ضمیر مفعولی نمی‌آید. اما وقتی از told استفاده می‌کنیم ضمیر مفعولی می‌آوریم. ضمناً that را می‌توان در هر دو حالت حذف کرد.

He said he was tired.

He told me that he was tired.

در نقل قول غیرمستقیم فعلی را که به زمان گذشته ساده باشد می‌توانید به همان صورت نگه دارید یا اینکه به گذشته کامل تبدیل کنید:

– Tom said, "I woke up feeling sick, so I stayed in bed"
Tom said he woke up feeling sick, so he stayed in bed.

Tom said he had woken up feeling sick, so he stayed in bed.

همیشه لازم نیست که زمان فعل را تغییر دهیم. اگر مطلبی نقل می‌کنید که هنوز اعتبار دارد، ضرورتی ندارد فعل جمله را عوض کنید:

– "New York is more exciting than London"
Tom said that New York is more exciting than London.

ولی تغییر فعل به گذشته نیز صحیح است.

اما در مواقعی که مطلب گفته شده با واقعیت تفاوت دارد باید از زمان گذشته استفاده کنید:

I didn't expect to see you, Jim. Kelly said you were sick.

در نقل قول غیرمستقیم جملات امری از شکل مصدری افعال استفاده می‌کنیم:

– "Stay in bed for a few days"
The doctor told me to stay in bed for a few days.

– Ann asked me not to tell anybody, what happened.

۱۱- جملات شرطی

در جملات شرطی معمولاً درباره وقایع و موقعیت های نامشخص، کارها و یا چیزهایی که ممکن است اتفاق بیفتند و یا چیزهایی که ممکن است واقعی باشند و یا نباشند صحبت می‌کنیم.

جملات شرطی معمولاً به سه دسته نوع اول، دوم و سوم به ترتیب زیر طبقه بندی می‌شوند.

شرطی نوع اول :

If + { زمان حال ساده
زمان حال استمراری ,
زمان حال کامل } { will
مصدر بدون + to
can
might
should

If we play tennis , I will win.

شرطی نوع دوم (حال غیر واقعی) :

If + { زمان گذشته
زمان گذشته } { would
مصدر بدون + to
could
might

If we played tennis I would win.

نوع سوم (گذشته غیر واقعی) :

If + { زمان گذشته کامل (بعید)
زمان گذشته کامل (بعید) } { would
could + have + pp
might

If we had played tennis, I would have won.

هر چند این طبقه بندی برای تمرین جملات شرطی و پاسخگویی به سوالات مربوط به جملات شرطی ممکن است مناسب و کافی باشد اما باید بدانیم که ساختارهای بسیاری در حوزه جملات شرطی هستند که با این سه گروه نمی توان آنها را طبقه بندی نمود. بنابراین باید بدانید که بهتر است جملات شرطی به دو نوع یعنی ساختارهایی که با زمان های معمولی به کار می روند که جملات شرطی اصطلاحاً نوع اول را هم در بر می گیرند و ساختارهایی که با زمان های ویژه مورد استفاده قرار می گیرند (شامل نوع دوم و سوم) تقسیم می کنند.

وقتی که ما نمی خواهیم درباره موقعیت های غیرواقعی و یا خیالی صحبت کنیم از زمان های معمولی با If استفاده می نماییم. یعنی زمان حال برای اشاره به زمان حال ، زمان گذشته برای اشاره به زمان گذشته و غیره.

If you want to learn a musical instrument, you have to practice.

If that was Mary, why didn't she stop and say hello?

If the weather is good, I go to the beach.

If you heat the ice, it melts.

در دو مثال آخر در هر دو بخش جمله شرطی یعنی هم در If-clause و هم در Main-clause از زمان حال ساده استفاده شده که می توان در هر دو جمله به جای if از when استفاده کرد.

ما زمانی از زمان های غیرواقعی استفاده می کنیم که بخواهیم درباره موقعیت های غیر واقعی صحبت کنیم. یعنی موقعیت هایی که اتفاق نخواهند افتاد و یا احتمال رخ دادن آنها بسیار کم است. موقعیت هایی که یا واقعی و یا خیالی هستند و یا وقایعی که رخ نداده اند. ما در این گونه جملات شرطی از would و زمانهای گذشته استفاده می نماییم تا بدین ترتیب نشان دهیم که موقعیت واقعی نیست. با زمان حال غیرواقعی از گذشته ساده و با زمان گذشته غیر واقعی از زمان گذشته کامل (ماضی بعید) استفاده می شود.

If I knew her name, I would tell you.

اگر اسم او را می دانستم به تو می گفتم (اما نمی دانم)

If we had had more money, we would have been able to buy a new suit.

اگر ما پول بیشتری داشتیم می توانستیم یک دست کت و شلوار جدید بخریم.

۱۲- جملات سببی

هر گاه عملی در جمله به وسیله شخص دیگری غیر از فاعل انجام شود از این ساختار استفاده می شود. این گونه جملات به دو دسته معلوم و مجهول طبقه بندی شده و با دو فعل get و have ساخته می شوند.

جملات سببی مجهول : در این ساختار کسی که فعل را انجام می دهد مشخص نیست. از فرمول زیر برای این ساختار استفاده می شود.

قسمت سوم فعل + مفعول + (مطابق با زمان جمله) get/have + مسبب کار

I get/had my car washed yesterday

دیروز دادم ماشینم را بشویند.

جملات سببی معلوم : در این ساختار کسی که فعل را انجام می دهد مشخص است. فرمول های زیر برای این ساختار استفاده می شود.

مفعول + مصدر بدون to + انجام دهنده کار + (مطابق با زمان جمله) have + مسبب کار

I had Tom fix my cell phone.

من دادم تام موبایلم را تعمیر کند.

مفعول + مصدر با to + انجام دهنده کار + (مطابق با زمان جمله) get + مسبب کار

He gets his sister to do the typing.

نوع جمله سببی	ساختار	کاربرد
سببی معلوم	I had DR.james check my eyes last month.	مسبب و شخصی که از او خواسته کاری را انجام دهد(انجام دهنده) هر دو در جمله وجود دارند و معلومند (ترتیب کلمات مهم است)
	I got Dr.james to check my eyes last month.	
سببی مجهول	I had my eyes checked last month.	فقط مسبب معلوم است و انجام دهنده مشخص نمی باشد و مفعول هم قبل از pp قرار می گیرد. (ترتیب کلمات مهم است)

۱۳- ضمایر

ضمایر ملکی :

برای آشنایی با ضمایر ملکی بهتر است ابتدا صفات ملکی یادآوری گردد:

my our your his her their its : صفتهای ملکی:

mine ours yours his hers theirs : ضمایر ملکی:

Is this book mine or yours?

I went to the movies with a friend of mine.

Whose (مال چه کسی) را هم می توان با یک اسم به کار برد و هم به تنهایی

Whose money is this?

It's mine.

Whose is this?

ضمایر انعکاسی :

از ضمایر انعکاسی در مواقعی استفاده می‌کنیم که فاعل و مفعول جمله یکی باشد:

myself , yourself , himself , herself , itself , yourselves , ourselves , themselves

I looked at myself in the mirror.

Please help yourselves.

لطفاً از خودتان پذیرایی کنید.

بعد از bring something with... یا take something with... از ضمایر انعکاسی استفاده نمی‌کنیم:

It might rain. I'll take an umbrella with me (not with myself)

بعد از افعال concentrate/ feel / relax / meet نیز ضمیر انعکاسی نمی‌آوریم:

You have to try and concentrate.

چه موقع همدیگر را ملاقات کنیم؟

What time should we meet?

وقتی حرف اضافه by به ضمایر انعکاسی اضافه می‌شود معنی "تنها" به خود می‌گیرند:

خودم تنها به تعطیلات رفتم.

I went on vacation by myself.

"Was she with friends?" "No, she was by herself"

از one another هم به جای each other استفاده می‌شود:

How long have you and Bill known one another?

از ضمایر انعکاسی برای تأکید هم استفاده می‌شود، به همین دلیل به آنها "ضمایر تأکیدی" نیز می‌گویند:

I repaired my bicycle myself.

خودم دوچرخه‌ام را تعمیر کردم.

I'm not going to do it for you. You can do it yourself.

A friend of mine is getting married.

Michael had an argument with a neighbor of his.

That woman over there is a friend of my sister's.

آن زن یکی از دوستان خواهرم است.

وقتی می گوئیم my own house یعنی "خانه‌ای که فقط مال من است" نه آن را از کسی اجاره کرده‌ام و نه با کسی شریکم.

Vicky and George would like to have their own house.

It's my own fault that I don't have any money.

وقتی که می‌خواهیم بگوئیم کاری را خودمان انجام می‌دهیم نیز از own استفاده می‌کنیم:

Bill usually cuts his own hair.

عبارت on my own یا on your own و... یعنی «به طور مستقل»

Are your children living on their own?

آیا فرزندان شما مستقل زندگی می‌کنند؟

کاربرد	ضمایر تاکیدی و انعکاسی selfها
اگر فعل اصلی جمله حرکتی باشد اجازه بکار رفتن با حرف اضافه with را ندارند	<u>Myself, oyrself, himself, , themselves</u>
همرا با حرف اضافه by به معنای "به تنهایی" می باشند. (by myself, by yourself, ...)	

ضمایر موصولی :

کلماتی هستند که به جای اسم می نشینند و از تکرار آن جلوگیری می کنند . این نوع ضمایر وظیفه بزرگ دیگری نیز برعهده دارند و آن متصل کردن دو جمله به هم می باشد از اینرو آنها را به نام "موصولی" می شناسیم.

Who, Whom, Which, What, That, Where, When, Why

Ali found the missing kid.

Ali wore a blue shirt.

Ali who wore a blue shirt found the missing kid.

ضمایر موصولی در یک نگاه		کاربرد				
		می تواند قرار گیرند بجای	به عنوان فاعل	به عنوان مفعول	در عبارت معرف	در عبارت غیر معرف (ویرگول دار)
Pronouns (ضمایر موصولی)	Who	انسانها، حیوانات	بله	بله	بله	بله
	Whom	انسانها	خیر	بله	بله	بله
	Which	اشیا ، حیوانات	بله	بله	بله	بله
	That	انسانها، حیوانات ، اشیا	بله	بله	بله	خیر
	Whose	مالکیت ها ، ارتباط ها	بله	بله	بله	بله
	No pronoun (حذف ضمیر)	انسانها، حیوانات ، اشیا	خیر	بله	بله	خیر
Nominal pronoun (ضمیر اسمی)	What	اشیا، عقاید (به معنای آنچه که)	بله	بله	بله	خیر
Adverbs (قیده‌های موصولی)	Where	مکان	بله	بله	بله	بله
	When	زمان	بله	بله	بله	بله
	Why	دلیل یا علت	بله	بله	بله	بله
<p>that می تواند بجای قیود موصولی هم قرار گیرد ولی بجای whose , what استفاده نمی شود</p>						نکات تکمیلی موصولی ها
<p>whom با اینکه نقش مفعول انسانی دارد اما بکار بردن Whom به who ارجحیت دارد</p>						
<p>ضمایر موصولی Who,that اجازه استفاده پس از یک حرف اضافه را ندارند.</p>						

۱۴- اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

اسم‌های قابل شمارش آنهایی هستند که می‌توان آنها را شمرد. این اسامی می‌توانند هم مفرد باشند و هم جمع. در حالت مفرد حرف تعریف a یا an می‌گیرند.

a car, many cars

a book, three books, some books

اسم‌های غیرقابل شمارش آنهایی هستند که نمی‌توانیم آنها را بشمریم و همیشه به شکل مفرد به کار می‌روند مثل

perfume و fruit .tennis .music .money .salt .water .milk .candy .coffee , rice

مثلاً نمی‌توانیم بگوئیم two rice یا one rice

اسم‌های غیرقابل شمارش را نمی‌توان با a یا an به کار برد، حتی اگر قبل از اسم یک صفت یا اسم باشد.

We had such nice weather during the picnic. (not such a nice weather)

اما می‌توانیم آنها را با کلماتی مانند ... a lot of , some, any, no, و همچنین a glass of , a piece of , a pack of, ... به کار بریم.

a glass of water , a bottle of perfume , ...

بسیاری از اسم‌ها را می‌توان هم به شکل قابل شمارش و هم غیرقابل شمارش مورد استفاده قرار داد و به مفهوم کلمه در جمله بستگی دارد. مثلاً مواد غذایی اگر به صورت کامل و درسته باشند قابل شمارش اند ولی اگر پخته شوند یا مقداری از آنها مورد نظر باشد غیر قابل شمارش اند.

look! The bakery has some nice cakes. (قابل شمارش)

would you like a piece of cake? (غیرقابل شمارش)

همچنین بعضی اسامی اگر در مفهوم کلی به کار روند غیرقابل شمارش و اگر در مفهومی خاص به کار روند قابل شمارش اند.

Football is a sport. (مفهوم خاصی از ورزش)

Do you like sport? (مفهوم کلی ورزش)

بعضی از اسم‌ها که در زمان انگلیسی معمولاً غیرقابل شمارش هستند در زبانهای دیگر قابل شمارش محسوب می‌شوند:

advice, bread, furniture , luggage, progress, weather, baggage, chaos, news, luck , scenery,
work, behavior, damage, permission, traffic, information, trouble, homework, money ,...

work غیر قابل شمارش است اما job قابل شمارش است. همچنین work در معنای آثار هنری قابل شمارش است.

I'm looking for work or I'm looking for a job.

Works of Picasso

۱۵- شناسه های قبل از اسم، صفت یا قید

شناسه ها قبل از اسم قرار میگیرند و تعداد یا مقدار یا دیگر حالات اسم را مشخص میکنند.

any و some

Some به معنای "تعدادی-مقداری" هم با اسامی قابل شمارش (جمع) و هم با اسمهای غیرقابل شمارش (مفرد) به کار می‌رود:

I need some money.

وقتی می‌خواهیم چیزی به کسی تعارف کنیم و یا از کسی تقاضایی داشته باشیم از some استفاده می‌کنیم.

Would you like some coffee?

Can I have some soup, please?

از some در جملات مثبت و جملات سوالی که مطمئن هستیم پاسخ آن مثبت است استفاده می‌کنیم.

Why do you have a stomachache? Did you eat some bad food?

از any در جملات منفی و سوالی استفاده می‌کنیم.

There aren't any books in the bookstore.

Is there any cheese in the refrigerator?

در جملات مثبتی که معنای منفی دارند نیز از any استفاده می‌کنیم

She went out without any money.

He refused to eat anything.

Hardly anybody passed the examination.

زمانیکه می‌خواهیم بگوئیم برایمان فرقی نمی‌کند از any/anything/anybody استفاده می‌کنیم:

I'm so hungry, I could eat anything.

The exam was very easy. Anybody could have passed.

اسم قابل شمارش بعد از any به صورت جمع به کار می‌رود مگر در مواردی که any به معنای "هر" باشد که در این صورت اسم قابل شمارش بعد از آن مفرد است.

There aren't any students in the class.

You can answer any question about math.

اغلب اوقات بعد از if از any استفاده می‌کنیم. (یعنی در قسمت شرط از یک جمله شرطی)

Let me know if you need anything.

در برخی جملات any مفهوم if دارد:

I'm sorry for any trouble I've caused. (= if I cause mistake.)

any و some میتوانند بدون اسم به کار روند:

I didn't take any pictures, but any took some.

You can have some coffee, but I didn't want any.

a lot of, lots of, plenty , many, much

شناسه a lot of و lots of به معنای (تعداد یا مقدار زیادی) با هم فرقی ندارند، فقط a lot of رسمی تر است. این شناسه ها نیز هم با اسامی قابل شمارش (جمع) و هم با اسامی غیرقابل شمارش (مفرد) به کار می‌روند.

We need a lot of/lots of eggs for this cake.

شناسه plenty نیز به معنای (تعداد و مقدار زیادی) کاربردی مانند lot of و a lot of دارد با این تفاوت که هر گاه بخواهیم بر زیاد بودن و بیش از حد بودن مقدار یا تعداد چیزی تاکید کنیم از این شناسه استفاده میکنیم.

There's no need to hurry. We've got plenty of time.

نیازی به عجله نیست، زیاد وقت داریم.

معمولا در جملات مثبت از a lot of/lots of و در جملات منفی و سوالی از many و much استفاده میشود. (البته گاهی در جملات مثبت هم به کار می‌روند)

Many (تعداد زیادی) با اسامی قابل شمارش (جمع) و much (مقدار زیادی) با اسامی غیر قابل شمارش (مفرد) به کار می‌رود.

I know a lot of people here.

I don't know many people here.

I don't have much energy these days.

much و a lot را بدون اسم نیز به کار می‌بریم:

"Do you watch TV much?" Yes, a lot.

a little, a few

a little (مقداری - کمی) فقط با اسم‌های غیرقابل شمارش می‌آید. a little مقداری را نشان میدهد که خیلی کم است اما برای رفع نیاز کفایت و little (کم - تقریباً هیچی) مقداری را نشان میدهد که خیلی کم است و برای رفع نیاز کافی نیست. در واقع a little حالت مثبت و little حالت منفی دارد.

Can we eat dinner before the train leaves?

Yes, we can. We have a little time. (کمی وقت داریم)

No, we can't. We have little time. (وقت نداریم یا وقت کم داریم)

A few (تعدادی - چند تا) فقط با اسمی قابل شمارش می‌آید. a few حالت مثبت و few (تقریباً هیچی) حالت منفی دارد.

enough

شناسه enough (تعداد یا مقدار کافی) قبل از اسمی قابل شمارش (جمع) و غیر قابل شمارش (مفرد) به کار میرود.

They have enough workers but they haven't enough time.

enough همچنین بدون اسم و به تنهایی نیز به کار برده می‌شود:

I've got some money, but not enough to buy a car.

enough بعد از صفت و قید هم می‌آید:

Can you hear the radio? Is it loud enough for you?

زمانی که enough با اسم یا صفت به کار میرود میتوان جمله را با یک مصدر ادامه داد

There aren't enough chairs for everybody to sit down.

too

شناسه too به معنای (بیش از حد - خیلی زیاد) قبل از صفت یا قید به کار میرود.

I think you work too hard.

برای کم و زیاد کردن اثر too میتوان کلماتی را قبل از too به کار برد:

Much too, a lot too, a little too, a bit too, rather too, ...

too many و too much به معنی «خیلی زیاد» هستند ولی too much برای اسمهای غیرقابل شمارش می آید و too many برای اسمهای قابل شمارش، همچنین too much نمیتواند قبل از صفت به کار رود.

Emily studies all the time. I think she studies too much.

There is too much rain. (باران خیلی زیادی می بارد.)

There are too many people here.

It's too expensive.(not it's too much expensive)

معمولا too به همراه یک صفت یا قید و یک مصدر به کار میرود.

غذا آنقدر داغ بود که نمی شد آن را خورد.

The food was too hot to eat.

همچنین میتوان بعد از too و صفت از حرف اضافه for و یک ضمیر مفعولی استفاده کرد.

These shoes are too big for me.

این کفش ها برای من خیلی بزرگ هستند.

She speaks too fast for me to understand.

او آنقدر تند حرف می زند که من نمی توانم حرف هایش را بفهمم.

کاربرد too و very متفاوت است چون very به معنای "خیلی" و too به معنای "بیش از حد" است.

It was very cold but we went out.

It was too cold, so we didn't go out.

all

all به معنی "همه" قبل از اسامی قابل شمارش (جمع) و نیز غیر قابل شمارش (مفرد) به کار میرود.

All flowers need water.

Life is all hope.

بعد از all میتوا شناسه دیگری مانند that, these, his, my, the, ... و یا عدد نیز به کار برد.

All my shirts are black.

All four men are experienced workers.

در این حالات میتوان حرف اضافه of را بعد از all اضافه کرد.

All of my shirts are black.

اما اگر قبل از اسم یک عدد به کار رفته باشد به هنگام استفاده از of باید یک شناسه دیگر (the, these, ...) قبل از عدد به کار رود.

All of **the** four men are experienced workers.

all را میتوان بعد از ضمائر فاعلی به کار برد.

We all = all of us

all معمولا بعد از فعل be و همچنین بعد از اولین فعل کمکی می آید.

We **are** all going to Italy next month.

(همه ما ماه آینده به ایتالیا خواهیم رفت)

You **should** all do your homework by yourselves.

(همه شما باید تکالیفتان را به تنهایی انجام دهید)

گاهی برای تاکید all قبل از فعل کمکی به کار میرود.

You all should do your homework by yourselves.

برای ساختن جملات منفی با all از ساختار not all (of) استفاده میکنیم.

Not all my friends were at the party. (همه دوستانم در مهمانی نبودند (بعضی از آنها بودند))

All را به تنهایی به کار نمی بریم. همچنین از all به معنای تنها چیز هم استفاده می کنیم:

All I've eaten today is a sandwich.

Whole

whole به معنای «کامل، همه، تمام» است و اغلب با اسمهای مفرد به کار می رود:

all day = the whole day (تمام روز)

Did you read the whole book?

Whole را با اسمهای غیرقابل شمارش به کار نمی بریم:

I've spent all the money you gave me. (whole money نمی گوئیم)

most

most به معنای "اغلب" قبل از اسامی قابل شمارش جمع و نیز غیر قابل شمارش مفرد به کار میرود.

Most people prefer health to wealth.

اما اگر بخواهیم اسمی را در حالت خاصی به کار بریم از most of به اضافه یک شناسه استفاده میکنیم.

Most of the people in this town are educated.

most به تنهایی نیز به کار میرود.

There are about fifty books in the bookcase. Most are biographies.

half

half به معنای (نیمی از - نصف) معمولاً با the یا a/an آمده و بعد از آن اسم مفرد یا جمع به کار میرود. استفاده از of بعد از half اختیاری است.

Half the money=half of the money

Half an hour

no

no به معنای "هیچ" قبل از اسامی قابل شمارش (جمع) و نیز غیر قابل شمارش (مفرد) به کار میرود.

این کلمه و مشتقاتش (nothing, nowhere) در جملات مثبت می آیند و معنای جمله را منفی می کنند.

There are no students in the class.

بعد از no میتوان بعضی شناسه های دیگر را نیز استفاده کرد.

We have no more eggs. (دیگر تخم مرغی نداریم)

none

none به معنای (هیچ) معمولاً با of می آید. اگر بعد از none of اسم غیر قابل شمارش (مفرد) بیاید فعل جمله مفرد و اگر بعد از none of اسم قابل شمارش (جمع) بیاید فعل میتواند جمع یا مفرد باشد اما استفاده از فعل مفرد رسمی تر است.

در پاسخ به سوال معمولاً از none به تنهایی استفاده میشود. اما no هیچ گاه تنها به کار نمیرود.

How much money do you have? None= (no money)

Both

both به معنای "هر دو" فقط با اسامی قابل شمارش جمع می آید و برای صحبت در مورد دو شی یا دو شخص به کار میرود فعل آن همیشه جمع است.

Rosemary has two children. Both are married.

Both girls=both the girls=both of the girls

استفاده از both of رایج است اما ضروری نیست.

Both my parents are from Iran.

اما قبل از "them/you/us" آوردن of برای both ضروری است:

Tiffany has two sisters. Both of them are married.

Both در ترکیب both ... and ... نیز به کار میرود.

Both Sara and Jane were late.

Both میتواند به تنهایی به کار رود.

I don't know which car to choose. I like both.

either, neither

either به معنای "هر یک از دو- یکی از دو تا" و neither به معنای "هیچیک از دو" فقط برای صحبت از دو شی یا دو شخص به کار میروند.

و فقط با اسم قابل شمارش مفرد می آیند و فعل جمله نیز مفرد است. (مگر در صورت استفاده از of که فعل میتواند جمع هم باشد)

Either answer is correct. (هر دو جواب درست است.)

Neither answer is correct. (هیچکدام از دو جواب درست نیست.)

Would you like tea or coffee? You can have either.

چای میل دارید یا قهوه؟ شما می توانید این یا آن را بخورید.

Do you want to go to the movies or the theater?

Neither. I want to stay home.

"Either, it doesn't matter"

این یا آن، برایم فرق نمی کند.

"Would you like tea or coffee?" "I don't want either" (neither نگوئیم)

نه این را می‌خواهیم نه آن را

Neither. (= not tea or coffee)

هیچ کدام

بعد از either , neither , of نیز استفاده میشود. در این حالت بعد از of باید یک شناسه مانند the , these, my ... به کار رفته و سپس اسم جمع می‌آید.

Both of / neither of / either of + the/these/my/Tom's/you/them ...

Either of these answers. (هر یک از این دو جواب)

Can either of you speak Spanish?

در این حالت هم از فعل جمع و هم از فعل مفرد میتوان استفاده کرد.

Neither of these answers are/is correct.

Neither of the restaurants we went was/ were expensive.

Neither restaurant is expensive.

neither و either در ساختارهای either ... or ... و neither ... nor ... نیز به کار میروند.

I'm not sure. He's either Spanish or Italian. (مطمئن نیستم، یا اسپانیایی است و یا ایرانی)

Neither Liz nor Robin came to the party. (نه لیز به مهمانی آمد و نه رابین)

each

each به معنای "هریک-هرکدام" قبل از اسم قابل شمارش مفرد به کار میرود و فعل بعد از آن نیز مفرد است.

Each room has a private bath. (هر اتاق)

Each با of نیز به کار میرود.

Each of the rooms has a private bath. (هر کدام از اتاق‌ها)

each میتواند بعد از یک اسم یا ضمیر جمع نیز به کار رود. در این حالت فعل جمع به کار میرود.

We each have our own room. (ما هر کدام اتاق خود را داریم)

each میتواند تنها نیز به کار رود.

وقتی با تعداد کمی از اسم مورد اشاره روبرو هستیم از each استفاده میکنیم و وقتی تعداد زیاد باشد از every

Each chair in the room.

Every country in the world.

every

every به معنای "هر-همه" کلمه‌ای مفرد است و همیشه با اسم قابل شمارش مفرد می‌آید و فعل بعد از آن نیز مفرد است. every نمیتواند تنها به کار رود و همیشه باید همراه اسم باشد.

Alice has been to every country in Europe.

Every house on the street = all the houses on the street.

Every house in the street **is** the same.

everybody/everyone. everything و نیز کلمات مفرد هستند و با فعل مفرد می‌آیند، اما اغلب بعد از everybody/everyone از their/them/they استفاده می‌کنیم:

Everybody said they enjoyed themselves. (he or she enjoyed himself or herself)

هرکس گفت که (از مهمانی) خوشش آمد.

وقتی می‌خواهیم بگوئیم «هرکس» از all استفاده نمی‌کنیم بلکه everybody یا everyone را به کار می‌بریم:

Everybody enjoyed the party.

وقتی می‌خواهیم بگوئیم «همه ما» از everybody of... استفاده نمی‌کنیم بلکه all of us/you/them... را به کار می‌بریم:

All of us enjoyed the party.

Everyday به معنای «هر روز» اما All day به معنی «همه روز» است. این وضعیت برای every night، every summer و... و all right، all summer و... نیز هست.

It rained everyday last week.

Yesterday, it rained all day.

بعضی اوقات می‌توانیم هم از all استفاده کنیم و هم everything :

I'll do all I can to help.

I'll do everything I can to help.

به طور کلی:

برای اسامی که جنبه خاصی دارند و برای مخاطب آشنا هستند از ترکیب زیر استفاده می کنیم:

most		
	the	
some	+ of+	this/that/these/those
any		my/your/...
none		

همچنین استفاده از (of) برای all اختیاری است:

I don't want any of this money.

Some of these books are very old.

All the students in our class passed the exam.

برای اسامی که جنبه کلی دارد از قاعده زیر پیروی می کنیم:

all		
most		cities
some	+	children
any		books
no		

همچنین all of / some of / none of / ... + it/us/you/them

"Do you like this music?" "Some of it, not all of it"

می توان کلمات few/little/much/some/any/most/all را به تنهایی به کار برد.

Other, another, one

other به معنای "دیگری" و جمع آن others است. اگر قبل از آن حرف تعریف the اضافه شود ضمیر معین است.

another به معنای "دیگری- آن یکی" و با اسامی قابل شمارش مفرد به کار میرود و قبل از آن حرف تعریف اضافه نمیشود.

one به معنای "یک، یکی، آن یکی" با اسم قابل شمارش مفرد می آید. جمع آن یعنی ones به جای اسامی جمع استفاده میشود.

SO

so قبل از صفت یا قید به کار رفته و معنای صفت (قید) را قوی تر می کند.

so گاهی به معنای "خیلی- واقعا"

The story was so stupid.(= really stupid)

و گاهی در معنای "آنقدر- اینقدر" میباشد.

I didn't expect the exam to be so easy. (انتظار نداشتم امتحان آنقدر آسان باشد)

اگر so در ساختار so+adj/adv +that clause باشد یعنی بعد از that عبارتی به کار رفته باشد، so در معنای (آنقدر - به قدری) خواهد بود. ضمن اینکه کلمه that را نیز می توانیم حذف کنیم.

I was so tired (that) I fell asleep in the armchair.

Such

such قبل از صفت یا اسم به کار میرود و مانند so معنی صفت را تقویت میکند و همان معنای so را دارد.

It was such a stupid story.

اگر اسم بعد از such مفرد و قابل شمارش باشد بعد از such از a/an استفاده میشود و اگر اسم بعد از such جمع یا غیر قابل شمارش باشد از a/an استفاده نمیشود.

I didn't realize it was such an old house.

اگر such در ساختار such+(a/an)+adj+noun +that clause باشد یعنی بعد از that عبارتی به کار رفته باشد، such در معنای (چنین-چنان) خواهد بود. ضمن اینکه کلمه that را نیز می توانیم حذف کنیم.

It was such nice weather (that) we spent the whole day at the beach.

چنان هوای خوبی بود که کل روز را در ساحل گذرانیم.

So و such در عبارات خاصی برای توصیف زمان، مسافت و مقدار یا تعداد به کار میروند.

So long=such a long time مدت ها

So far=such a long way آنقدر دور

So many=such a lot of آنقدر زیاد

So much=such a lot of آنقدر زیاد

why did you buy such a lot of (so much) food?

کاربرد	ضمایر اشاره
جملات منفی یا سوالی - قسمت شرط از یک جمله شرطی - جمله مثبت به شرط داشتن معنای "فرقی نمی کند کدام"	Any
جملات مثبت و خبری - در جملات سوالی به شرطی که مطمئن باشیم پاسخ مثبت (بله) است و یا در حالت تعارف، پیشنهاد یا تقاضا - اجازه استفاده هم با اسامی قابل شمارش و هم غیر قابل شمارش	Some
به معنای "هر" - مفرد است - به گروه یا مجموعه اشاره دارد - وقتی تعداد اسم مورد اشاره زیاد باشد به each ارجحیت دارد - نمی تواند به تنهایی بکار رود و حتماً باید همراه یک اسم باشد	Every
به معنای "هر" - مفرد است - وقتی تعداد اسم مورد اشاره کم باشد به every ارجحیت دارد - می تواند به تنهایی و بدون همراهی با اسم بکار برده شود.	Each
بجای اسم قرار می گیرد معنای منفی دارد (هیچ، هیچکس، هیچکدام)	None
به معنای "هر دو" - جمع است و فعل جمع می خواهد.	Both
این کلمه و مشتقاتش در جملات مثبت می آیند و معنای جمله را منفی می کنند (nothing, nowhere)	No
به جای اسامی جمع و قابل شمارش و همچنین اسامی مفرد و غیر قابل شمارش به کار می رود.	All
برای انتخاب یکی از دو تا گزینه به کار می رود. این کلمه مفرد می باشد و فعل پس از آن نیز مفرد می آید به معنای "یکی از دو تا، هر یک"	either
برای انتخاب نکردن هیچ یک از دو تا گزینه به کار می رود. این کلمه مفرد می باشد و فعل پس از آن نیز مفرد می آید - به معنای "هیچیک از دو تا"	Neither
به معنای "دیگری" - جمع آن others و اگر قبل از آنها حرف تعریف The اضافه شود ضمیر معین می باشد	Other

به معنای " دیگری، آن یکی" - بجای اسامی قابل شمارش مفرد به کار می رود- همراه حرف تعریف نمی آید (a/an/the)	Another
به معنای " یک، یکی ، آن یکی" - بجای اسم قابل شمارش مفرد به کار می رود و جمع آن ones می باشد که بجای اسامی جمع استفاده می شود	One

بخش دوم:

نحوه پاسخگویی به سوالات درک مطلب

برخی فعالیت های وب سایت پی اچ دی تست :

- مشاوره و پاسخگویی به سوالات داوطلبان آزمون دکتری

- مشاوره پذیرش در دکتری خارج از کشور

- مشاوره و راهنمایی در زمینه مقاله نویسی

- آخرین اخبار و اطلاعات دکتری پولی

- جدید ترین اخبار و اطلاعاتی های پذیرش دکتری استعداد درخشان

۱- آشنایی با سوالات درک مطلب

درک مطلب از مهمترین بخش های زبان عمومی آزمون دکتری به شمار می آید. درک مطلب فرآیندی است که به استمرار و تمرین فراوان نیاز دارد و نمی توان با خواندن چند مهارت و تعداد کمی نمونه سوال متبحر شد.

- خود را مقید کنید که هر روز حداقل یک درک مطلب را حل کنید. استمرار در خواندن درک مطلب های مختلف به شما این توانایی را می دهد که بتوانید انواع مختلف تست ها را حل کنید. ما درک مطلب های متعددی را بر روی سایت قرار خواهیم داد تا بتواند نمونه خوبی برای شما باشد.
- مشکلی که بسیاری در پاسخ دادن به سوالات درک مطلب با آن مواجه می شوند خستگی و عدم تمرکز کافی است. با متنوع خواندن و حل کردن درک مطلب های طولانی دامنه تمرکز خود را بالا ببرید.
- گرچه دایره لغات نقش زیادی در پاسخگویی درست به سوالات درک مطلب دارد اما تنها عامل موفقیت نیست. با تمرین زیاد باید بتوانید معنای واژگان ناآشنا را حدس بزنید. حتی اگر حدس شما کاملاً درست نباشد به شما امکان می دهد خواندن متن را ادامه داده و به سوالات پاسخ دهید.
- در ابتدای پاسخگویی به سوالات بخش درک مطلب آنها را بر حسب دشواری و سادگی و میزان آشنایی شما با موضوع مطرح شده رده بندی کنید. خیلی سریع چند سطر اول درک مطلب های مختلف را مرور کنید و به ترتیب از ساده ترین متن شروع کنید تا با مشکل کمبود وقت روبرو نشوید.
- عجله نکنید. شروع آهسته کاملاً طبیعی است. با خواندن چند جمله اول با متن آشنا می شوید و آنگاه سرعت خواندن شما بیشتر خواهد شد.
- سعی نکنید چیزی را حفظ کنید. حفظ کردن وقت گیر است و فایده چندانی هم ندارد.

۱-۱ سوالات درک مطلب به صورت یک متن و سوالات مربوط به آن

اینگونه سوالات درک مطلب به صورت یک متن نیم تا یک صفحه ای ارائه شده و در پایان سوالاتی در مورد آن مطرح می گردد، این نوع سوالات که بیشتر در آزمون تافل مشاهده می شود در آزمون دکتری سال ۱۳۹۱ مطرح گردید. برای پاسخگویی به این سوالات راهنمایی های زیر را به کار ببندید :

- ۱- درک مطلب ها را بودجه بندی کنید. برای هر یک از درک مطلب های ارائه شده زمانی در نظر بگیرید. از درک مطلب ساده تر شروع کنید و به ترتیب ادامه دهید.
- ۲- در زمان مطالعه چند خط اول هر درک مطلب سعی کنید ایده اصلی متن را کنار آن بنویسید. اگر نتوانستید با چند خط اول متن ارتباط برقرار کنید ناامید نشوید. ممکن است در ادامه متن از سختی آن کاسته شود. بعد از خواندن چند سطر اول متن در حد یک تا دو دقیقه بقیه آن را مرور سریع کنید و به سراغ سوال ها بروید. اگر تعداد سوال ها زیاد بود نیمی از آنها و اگر کم بود همه آن ها را بخوانید و به سرعت موضوع کلی سوال ها را در کنار آن بنویسید و یا دست کم زیر کلمات کلیدی سوال خط بکشید.
- ۳- به قید ها و کلمات ربط موجود در صورت سوال توجه کنید. توجه به این کلمات و خط کشیدن زیر آن باعث می شود معنای سوال را اشتباه نفهمیم.
- ۴- بعد از خواندن سوالات به سراغ یافتن پاسخ آنها در متن بروید. توجه داشته باشید که در بیشتر موارد عین کلام داده شده در متن نیست و باید به دنبال معادل آنها باشید.
- ۵- کلماتی که با حروف بزرگ نوشته شده اند اسامی خاص هستند و طبیعی است که شما معنای آنها را ندانید. پس بیهوده نگران نشوید!
- ۶- در بسیاری موارد سوالات به ترتیب پرسیده می شود. به این معنا که پاسخ سوال ۲ در متن قبل از پاسخ سوال ۳ است.
- ۷- توجه داشته باشید که واژه following به معنای بعدی و preceding به معنای قبلی است.

سوالات چهارگزینه ای مربوط به بخش درک مطلب معمولاً به یکی از چند شکل زیر است:

- **تشخیص عنوان و موضوع متن (Main Idea Questions)**

این سوالات در مورد زمینه (theme) اصلی متن و موضوع اصلی که در متن مورد بحث قرار گرفته است، می باشند. این نوع سوالات از نظر بیشتر آزمون دهندگان سوالات سختی هستند. چند نمونه از سوالاتی که ایده و موضوع اصلی متن را مورد پرسش قرار می دهند، عبارتند از:

- What does this passage mainly discuss?
- What is the main idea of this passage/article?
- What is the topic/subject of this passage?
- What would be a good title for this passage?
- The second paragraph is mainly concerned with ...

برای پاسخ دادن به چنین سوالاتی، نکات زیر قابل ذکر است:

- * جملات آغازین هر پاراگراف و آخرین جمله متن محل قرار گرفتن «ایده یا موضوعات اصلی» متن می باشند.
- * معمولاً گزینه هایی که به ارائه حقایق آشکار و آمار می پردازند را می توان با آسودگی خاطر حذف کرد.
- * گزینه هایی که خیلی کلی یا جزئی بیان شده اند نیز غالباً گزینه موردنظر نیستند.
- * گزینه ای که کلمات و مفاهیم کلیدی ایده ی اصلی ارائه شده در متن را شامل می شود، می تواند گزینه صحیح باشد.

- **سوالات استنتاجی (Inference Questions)**

سوالات استنتاجی در ارتباط با حقایق آشکار و جلوی چشم در متن نیستند، بلکه این نوع سوالات قدرت استنتاج و نتیجه گیری شما را درباره موضوعی براساس دیگر اطلاعات موجود در متن مورد آزمون قرار می دهند. گاهی در این سوالات از شما خواسته می شود درباره نظرات نویسنده که در متن آمده اند، قضاوت کنید و یا اینکه حدس بزنید نویسنده چه نتایج دیگری ممکن است بگیرد. این سوالات در زمره سخت ترین سوالات درک مطلب قرار دارند. نمونه هایی از سوالات استنتاجی عبارتند از:

- It can be inferred from the passage that ...
- What does the author mean by ...?
- Which of the following reveals the author's attitude towards ...?

- * در این گونه سوالات باید به دنبال نشانه ها و شواهدی باشید که در یافتن پاسخ صحیح به شما کمک کنند.
- * در برخی مواقع به دست آوردن یک دید کلی از متن برای رسیدن به گزینه صحیح کافی است.

- **سوالات درباره حقایق موجود در متن (Factual Questions)**

شاید این سوالات ساده ترین نوع سوالات درک مطلب باشند، اما پاسخ دادن به آنها کمی وقت گیر است. تنها کاری که لازم است انجام دهید این است که سوال را بخوانید و با مراجعه به متن پاسخ سوال را از میان گزینه های داده شده انتخاب کنید.

- * در زمان خواندن سوال، کلمات محتوایی مهم (اسم ها، افعال، صفات) و آمار و ارقام (تاریخ ها و ...) را مشخص کنید.
- * یکی از انواع رایج سوال درک مطلب مربوط به یافتن مرجع ضمیرها است. ضمیر ممکن است فاعلی، مفعولی، انعکاسی، اشاره و مبهم باشند. برای پیدا کردن مرجع ضمیرها ابتدا باید به معنای متن توجه کرد. در بیشتر موارد اولین اسمی که قبل از ضمیر به کار رفته و از نظر تعداد (جمع و مفرد) و جنس (مذکر و مؤنث) با آن مطابقت داشته باشد، مرجع آن ضمیر است.
- * سپس متن را به سرعت مرور کنید و به دنبال همان کلمات مهم (یا مترادف آنها) بگردید.

۱-۲- سایر سوالات درک مطلب :

در آزمون هایی نظیر آیلتس سوالات درک مطلب متنوعی مطرح می شود که اینگونه سوالات در آزمون دکتری ۱۳۹۰ بسیار مورد استفاده قرار گرفت ، در این بخش در مورد هر یک از این گونه سوالات توضیح داده شده است ، با مطالعه سوالات سال ۹۰ می توانید مثال های مربوطه را مشاهده فرمایید.

سوالات چند گزینه ای

- سوالات چند گزینه ای تک جوابی (انتخاب از بین سه تا چهار گزینه)

- سوالات چند گزینه ای چند جوابی (انتخاب بیش از یک گزینه از یک لیست گزینه ها)

سوالات چند گزینه ای ممکن است موضوع اصلی و یا نقطه نظر نویسنده متن را مورد سوال قرار دهند.

در حالت تک جوابی شما می بایست یکی از سه یا چهار گزینه داده شده که مورد نظر است را انتخاب کنید. در چند جوابی ها از بین حدود شش تا نه گزینه بین سه تا چهار گزینه درست بر اساس اطلاعات داده شده در متن انتخاب می شوند. در این موارد ترتیب پاسخ ها مهم نیست.

- سوالات کوتاه پاسخ :

سوالات کوتاه پاسخ اکثرا بر روی اطلاعات و داده های ملموس و آماری متمرکز می شوند و پرسش ها بیانگر نظم و ترتیب عناصر درون متن است. اما پاسخ ها الزاما از ترتیب خاصی برخوردار نیستند. برای حل کردن این گونه سوالات باید به کلمات کلیدی صورت سوال توجه کنید و در متن آنرا جستجو و پیدا کنید. اکثر کتاب های مرجع توصیه می کنند که ابتدا سوال ها را بخوانید و بعد در متن دنبال جواب بگردید.

- سوالات کامل کردنی :

سوالات کامل کردن جمله یا خلاصه متن اطلاعات کلیدی بخش یا تمام متن را مورد توجه قرار می دهد. دو نوع سوال کامل کردنی رایج است. کامل کردن جمله یا خلاصه متن با کلماتی که مستقیما توسط دانشجو از درون متن انتخاب می شود و نوع دیگر که با استفاده از کلماتی که در یک فهرست داده شده است به انتخاب می زند.

- سوالات جور کردنی :

سوالات جور کردنی تنوع زیادی دارند . ممکن است در این گونه از سوالات بخواهند که اطلاعات تصویری یا متنی را با اطلاعات داده شده در ستون دیگر مرتبط کنید. در سوالات جور کردنی یک گزینه می تواند چند بار مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از انواع مهم سوالات جور کردنی سوالات **list of heading** است. در این گونه سوالات ابتدا فهرستی از عنوان ها داده می شود سپس از شما خواسته می شود با استفاده از عنوان های داده شده در فهرست، برای هر پاراگراف عنوان مناسبی بیابید. در این گونه از سوالات که بسیار پر کاربرد است ابتدا ترجمه فارسی عناوین را جلوی آنها بنویسید. آن گاه با خواندن جملات اول هر پاراگراف می توانید عنوان مناسب را پیدا کنید. اگر بین دو پاراگراف شک داشتید پاراگراف ها را به طور کامل بخوانید تا عنوان مناسب هر کدام مشخص شود.

- سوالات درست / غلط / داده نشده

در این گونه سوالات متنی داده می شود و سپس گزاره ای مطرح می شود و سوال این است که آیا این گزاره درست است / غلط است / یا در متن چیزی در این مورد گفته نشده است.

در پاسخ دهی به این سوالات توجه داشته باشید که تنها از اطلاعات داده شده در متن استفاده کنید و هرگز از اطلاعات و دانسته های خود استفاده نکنید.

۲- انواع پاراگراف

یک نوشته براساس افکار نویسنده می‌تواند از یک پاراگراف و یا چند پاراگراف تشکیل شود که هر پاراگراف فکر جدیدی را بیان می‌کند و معمولا خط اول یا خط آخر هر پاراگراف می‌تواند نظر اصلی نویسنده باشد چون نویسنده می‌تواند به دو صورت فکر خود را به خواننده انتقال دهد. (کل به جز) یا همان deductive که در خط اول موضوع اصلی پاراگراف توضیح داده می‌شود که این قسمت معمولا (بهترین عنوان پاراگراف) هم نامیده می‌شود و یا (جز به کل) یا به عبارتی inductive که نویسنده افکار و عقاید خود را در خط آخر هر پاراگراف جمع‌بندی می‌کند که می‌توان این قسمت را معمولا (ایده اصلی نویسنده) هم نامید. به‌طور کلی می‌توان از پنج نوع پاراگراف صحبت کرد. ۱. پاراگراف‌هایی که در آن نوعی تجزیه و تحلیل فکر نویسنده می‌باشد که در این نوع نوشته‌ها اصول کل به جز یا جز به کل رعایت

می‌شود وقتی می‌گوییم :

Oil is called black gold.

نویسنده بلافاصله در همان خط اول با خواننده خود ارتباط برقرار می‌کند و بعد با جملات دیگری بیشتر به تجزیه و تحلیل جمله اول می‌پردازد ولی خواننده می‌داند راجع به چه چیزی صحبت می‌شود و یا نویسنده می‌تواند متن خود را این‌طور شروع کند :

It is very valuable in industry.g

اما خواننده ابتدا متوجه موضوع اصلی پاراگراف نمی‌شود تا به آخر پاراگراف برسد.

۲. پاراگراف‌هایی که چیزی توصیف می‌شود که معمولا در همان ابتدای پاراگراف این تعریف دیده می‌شود.

An octopus appears to be just a huge head with eight long arms.g

۳. پاراگراف‌هایی که نوعی تضاد یا مقایسه را نشان می‌دهند که معمولا در ابتدای پاراگراف این تضاد دیده می‌شود.

Discovery and invention are sometimes confused ...g

۴. پاراگراف‌هایی که نوعی تعریف، توضیح و توصیف موضوعی باشد .

A pupil is one who is under the close supervision of a teacher. g

تعریف واژه pupil است.

۵. پاراگراف‌هایی که نوعی قیاس را انجام می‌دهد که بیشتر شفاف‌سازی یک موضوع می‌باشد .

The distinction between Newton 's and Einstein 's ideas about gravitation has sometimes been g

سوالات چهار گزینه‌ای معمولا به این شکل طرح می‌شوند :

یک گزینه کاملا غلط - گزینه دوم نزدیک به درست ولی با کمی دقت به اشتباه بودن آن پی می‌بریم، گزینه بعدی بسیار نزدیک به درست که بیشتر دانشجویان تشویق می‌شوند که آن گزینه را انتخاب کنند و یک گزینه هم کاملا درست است.

از طرفی جواب درست یا state است یعنی دقیقا در متن آورده شده که کافی است با رجوع به متن جواب درست را پیدا کرد و یا

imply می‌باشد یعنی دقیقا جواب درست هر سوال در متن به راحتی دیده نمی‌شود و باید آن را استنباط کرد.

برای درک کلی متن باید واژه‌های متن را حدس زد و نباید ترجمه لغت به لغت کرد بلکه باید مفهوم کلی پاراگراف را یکجا درک کرد. نویسنده در طرح سوالات چهار گزینه‌ای از فاکتورهای زیادی استفاده می‌کند مثلا بازی با مترادف‌ها و متضادها، شکل‌های مختلف گرامری دو عبارت که دارای یک مفهوم هستند. بازی با ضمائر و این قبیل الگوها به طراح کمک می‌کند تا گزینه مناسبی را انتخاب کند.

از طرفی وقتی می‌خواهیم متنی را بخوانیم و به سوالات چهار گزینه‌ای پاسخ دهیم به شکل‌های متفاوتی عمل می‌کنیم، یکی از منطقی‌ترین راه‌ها برای کسانی که بهتر متن می‌خوانند این است که یکبار متن را بخوانند و به هنگام خواندن به مهمترین جمله متن که نظر نویسنده نیز می‌باشد توجه کرده، آن را علامت بزنند و یا اطلاعاتی که در متن آمده مثل اشاره به تاریخ، محل، شخص، مکان و یا هر موضوع شاخص دیگری توجه داشته باشند و اگر در انتخاب گزینه‌ای شک کردند می‌توانند با skim یا scan جواب آن را در متن ببینند. skim یعنی سریع و سرسری نگاه کردن به موضوعی بدون دریافت اطلاعات و فقط یافتن یک رمز مثلا دیدن اسم داوطلب در روزنامه بعد از اعلام نتایج امتحان اما scan دقیق‌تر نگاه کردن به یک مطلب مثلا تاریخ تولد فردی بین چندین تاریخی که در متن درج شده باشد.

اما برای کسانی که متن انگلیسی زیاد نخوانده‌اند و یا به‌طور کلی در خواندن یک متن انگلیسی و درک مفهوم آن مشکل دارند باید با

در نظر گرفتن توانایی خود هر بار نوع خاصی را در خواندن هر قسمت امتحان کنند تا بهترین روش برای رویارویی با متون مختلف را

بیابند. مثلاً؛ می‌توان نگاه سریع به سوالات کرد تا حدود و نوع سوال شناخته شود و بعد با skim یا scan به دنبال جواب رفت در حالی که به فاکتورهای گمراه کننده نویسنده نیز توجه کرد و یا یک پاراگراف خوانده شود و به سوالات مربوط به آن پاراگراف جواب داد. به‌طور کلی بعضی از گزینه‌ها در سوالات درک مطلب، بسیار غلط به نظر می‌رسند. مثلاً یا خیلی عمومیت داده شده‌اند یا بسیار خاص صحبت شده است. متن راجع به ماهی سفید صحبت می‌کند. در سوال، گزینه all fish را داریم که واژه all عمومیت می‌دهد به همه ماهی‌ها و غلط است و یا متن در خصوص گل‌ها صحبت می‌کند و گزینه only tulip با شروع شده که فقط به گل لاله اشاره می‌کند. بنابراین هر واژه‌ای مثل all و only معمولاً طرح یک گزینه غلط را نشان می‌دهد و نیز اگر بتوانیم تشخیص دهیم که متن چه نوع پاراگرافی را مطرح می‌کند شاید به انتخاب گزینه درست به ما کمک کند.

۳- چگونه معنای یک کلمه را حدس بزنییم

۱- از طریق بیان مجدد و با استفاده از بعضی علائم. مثال :

Ali is loquacious

معنی جمله فوق مشکل به نظر می‌رسد اما اگر بگوییم

Ali is loquacious , that is he talks too much

با واژه‌هایی مانند That is و mean / be defined as/ that is to say و توضیح بیشتر جمله اول متوجه میشوید که واژه loquacious به معنی وراج و پر حرف می‌باشد.

۲- با استفاده از علائم و نشانه‌ها . مثال :

his skull broke (the bony part of the head that protects the brain

۳- با استفاده از ضمائر و مراجع آن‌ها مثال :

seismologist is experimenting with a new device.

شاید معنی seismologist از جمله فوق به درستی مشخص نشود اما در ادامه می‌گوییم:

He is person who can know where or even when an earthquake may happen

واژه he به seismologist اشاره می‌کند یعنی زلزله شناس.

۴- آشنایی با واژه‌های تضاد به ما کمک می‌کند که معنی واژه‌ها را بهتر حدس بزنییم مثلاً می‌دانیم but به معنی اما، نوعی تضاد

را به وجود می‌آورد وقتی می‌گوییم :

Ali is rude شاید در نگاه اول معنی rude مشخص نشود . ولی در ادامه:

Ali is rude, but Reza is polite

واژه but کمک می‌کند که تضاد بین polite و rude را بیشتر بشناسیم و بهتر به معنی rude پی ببریم.

۵- گاهی اوقات از mother tongue یا زبان مادری می‌توانیم بدون ترجمه ی واژه به معنی آن پی ببریم در انگلیسی و فارسی واژه

های زیر تقریباً به یک معنی هستند

calories , strategy , method

۶- گاهی اوقات می‌توان از حدس یا اطلاعات عمومی معنی واژه‌ای را در متن فهمید مثال:

after a vaccination , you are immune to the disease for a number of years

چون صحبت از واکسیناسیون شده پس واژه مصونیت در زیر تداعی می‌شود و احتمال می‌دهیم واژه immune به معنی مصونیت داشتن است . که حدسمان هم درست است.

۷- گاهی اوقات یافتن فاعل جمله کمک میکند که جمله راحت تر ترجمه شود .

Not only physics but also chemistry are Mr. adams' son' interest

فاعل جمله فوق پسر آقای آدامز می‌باشد.

۸- گاهی اوقات توجه به افعال چند قسمتی و یا حرف اضافه و همچنین افعال جداشدنی در جمله به درک مفهوم اصلی جمله کمک

میکند. افعالی مانند, keep in touch with و یا put up with باید با دقت در متن دیده شوند . حرف اضافه را در جمله زیر توجه کنید.

... they try to weigh all the proper costs against
واژه against حرف اضافه برای weigh میباشد (weigh against) . یعنی سبک و سنگین کردن .

۹- بعضی از نقطه گذاری ها به ترجمه متن کمک میکنند . وقتی میگوییم : Mr.Brown : I can do it
ترجمه I در این جمله یعنی آقای براون میباشد .
یا اگر عبارت را بین دو خط تیره بگذاریم یعنی تعریف واژه قبل از خود میباشد .

۱۰- آشنایی با کلمات ربط نیز در شناختن کل جمله کمک خواهد کرد مثلا واژه های :

Thus, Therefore , hence, consequently, accordingly

برای نتیجه گیری یک موضوع به کار می رود که در درک مطلب می توان حدس زد که بعد از این واژه ها نویسنده نظر شخصی خود را بیان می کند و یا واژه هایی از قبیل :

However , unlike , yet , nevertheless , still, although, while , whereas, despite

نشان دهنده نوعی تضاد در جمله میباشد که ضدو نقیض بودن دو چیز را نشان می دهد .

و یا نویسنده برای توضیح بیشتر میتواند واژه هایی از قبیل دو نقطه :

and , an , and too ,/as well as , besides , moreover, furthermore, in addition to

استفاده کرد و یا حتی برای نشان دادن دوره های از زمان از واژه هایی مانند:

As , when , while , since , then, afterward , finally, at last.

۴- دایره لغات

برای کسب آمادگی مطلوب در پاسخ گویی به سؤالات لغت، باید گنجینه ای غنی از لغات متداول زبان انگلیسی در اختیار داشته باشید. کتاب های متعددی برای این منظور موجود است که از بین آنها می توان «[504 Absolutely Essential Words](#)» را بهترین و مطرح ترین دانست که می توانید این کتاب را از [این صفحه](#) دانلود کنید؛ به گونه ای که بررسی ها نشان می دهد درصد قابل توجهی از گزینه های سؤالات لغت آزمون های زبان عمومی در دوره های گذشته، از آن استخراج شده اند. این کتاب مشتمل بر ۴۲ درس است که در هر یک ۱۲ لغت مهم مطرح و تعریف می شوند، هر یک در سه جمله نمونه استفاده می شوند، و آن گاه با تمرین های مختلف، در ذهن خواننده کتاب تثبیت می گردند. برای صرفه جویی در وقت و کاهش نیاز به مراجعه به [Dictionary](#)، می توانید به جای کتاب اصلی، از نسخه هایی که ترجمه های فارسی را نیز در کنار متن اصلی آورده استفاده کنید.

بعد از این کتاب، می توان «[Barron's Essential Words for the TOEFL](#)» را یکی از بهترین منابع لغت دانست. این کتاب هم ۳۰ درس دارد که در هر یک ۱۵ لغت مهم مطرح شده اند. مطالعه این منبع هم به غنی تر کردن دانش شما از لغات مهم زبان انگلیسی کمک شایانی خواهد نمود. البته اگر می خواهید تنها از یکی از این دو منبع استفاده کنید، مطالعه کتاب ۵۰۴ را پیشنهاد می کنیم.

منابع

- Admissions Consultants (۲۰۱۰). *GMAT Reading Comprehension*
- English Yogi (۲۰۱۰). *Reading Comprehension*.
- Beare, Kenneth (۲۰۱۰). *How to Take a Reading Comprehension Multiple Choice Test*.

جزوه زبان تخصصی مهندسی عمران ، مهندس بابک رستمی

زبان انگلیسی عمومی ، انتشارات پردازش

زبان عمومی آزمون دکتری ، انتشارات فرهنگ

بخش سوم:

سوالات و پاسخ تشریحی

سوالات آزمون دکتری ۱۳۹۱

آیا می دانید اطلاع از آخرین اخبار و اطلاعات

چقدر در قبولی آزمون دکتری موثر است؟

با عضویت در

خبرنامه دکتری

همواره در جریان باشید!

PART A

۱- The popularity of game theory has varied _____ economics.

I) to be introduced by ۲) in order to introduce into

۳) since its introduction into ۴) from its introduction by

۱- گزینه سه صحیح است.

محبوبیت تئوری بازی، از زمان معرفی آن به علم اقتصاد تغییر یافته است.

از آنجایی که در جمله فعل گذشته کامل has varied بکار رفته است، تنها پاسخ ۳ که کلمه since را برای نشان دادن توالی زمانی بکار برده است صحیح می باشد.

۲- Although there are many definitions of epistemology, -----is probably ----- Brian Mac Ma hon et al.

I) most widely accepted one — by ۲) the one most wide accepted — from

۳) one mostly wide accepted — those by ۴) the most widely accepted ---that of

۲- گزینه چهار صحیح است.

اگرچه تعاریف زیادی از معرفت شناسی وجود دارد، مقبول ترین تعریف، تئوری Brian Mac Ma hon et al. است. پاسخهای ۱ و ۳ مورد قبول نیستند زیرا حرف the را برای اشاره به مقبول ترین معرفت شناسی بکار نبرده اند. پاسخ ۳ همچنین به این علت غلط است که برای نقطه چین دوم، ضمیر جمع بکار برده در صورتی که موضوع جمله، مقبول ترین معرفت شناسی است و مفرد است. گزینه ۲ به دو دلیل غلط است. اول اینکه عبارت wide accepted اشتباه است و می بایست بجای آن قید widely بکار می برد. دوم اینکه from در اینجا کاربردی ندارد. گزینه آخر درست است زیرا the most widely accepted اشاره به definition دارد و در ادامه جمله نیز that of اشاره به definition یا تعریف هستی شناسی دارد.

۳- This debate, ----- on such values as equality and liberty, may never be finally resolvable.

۱) it turns ۲) turning as it does ۳) which it turns ۴) turning it does

۳- هیچکدام از جوابها صحیح نیست.

هرگاه یک جمله یا عبارت بین دو ویرگول قرار گیرد، عبارت داخل ویرگول در واقع نقش توضیحی دارد. در اینجا با حذف عبارت داخل کاما، جمله با مفهوم است. This debate, may never be finally resolvable بنابراین جمله بین دو کاما باید نقش توضیحی داشته باشد و چنین جمله ای غالباً با which شروع می شود. تنها گزینه ۳ دارای این عبارت است اما it در گزینه ۳ اضافه است.

۴- Experiments involve introducing a planned intervention, usually referred to as a "treatment" into a situation.

I) as usually referred to ۲) as usually referring to ۳) referring usually as ۴) usually referred to as

۴- گزینه چهار صحیح است.

آزمایشات تجربی، شامل وارد نمودن یک مداخله گر برنامه ریزی شده به شرایط تحقیق می شوند، که این مداخله گرها معمولاً بعنوان "درمان" مورد ارجاع قرار می گیرند.

عبارت *Usually referred to as a treatment* یعنی: مورد ارجاع قرار گرفته بعنوان "درمان"، برای *planned intervention* نقش توصیفی دارد و بدون آن هم جمله با معناست.

گزینه های ۱ و ۲ خطا هستند زیرا با *to* تمام شده اند و خواننده انتظار دارد بعد از *to* شاهد یک فعل باشد در صورتی که بلافاصله بعد از نقطه چین، عبارت *a treatment* قرار داده شده است که اسم است. گزینه ۳ خطا است زیرا بعد از فعل *referring* باید شاهد *to* باشیم که این گزینه فاقد آن است. تنها پاسخ صحیح، گزینه ۴ است که در آن بعد از فعل مجهول *referred to* حرف *as* یعنی "بعنوان" را بکار برده که به کل جمله انسجام می بخشد.

۵- *Research in the history of the family has progressed from the narrow view of the family as a household unit ——— as a process over the entire lives of its members.*

I) to consider itself ۲) of considering it such

۳) to considering it ۴) for considering such

۵- گزینه سه صحیح است.

تحقیق در مورد تاریخ خانواده از دیدگاه محدود به خانواده بعنوان یک واحد خانوار تا یک فرایند در ارتباط با کلیت زندگی های افراد آن پیشرفت کرده است.

از آنجایی که این جمله در مورد سیر تاریخی یک دیدگاه صحبت می کند به دو عبارت *from...to...* با یکدیگر نیازمندیم. بنابراین گزینه های ۱ و ۲ حذف می شوند. گزینه ۱ حذف می شود زیرا در آن *Research* به *itself* برمی گردد در صورتی که در این جمله، موضوع مورد بحث *family* است و تنها گزینه ۳ اینرا رعایت کرده و در آن *it* به *family* اشاره دارد.

۶- *In every war, each side tends to regard its own goals as legitimate and ——— illegitimate.*

I) those of the other as ۲) one of the other as

۳) ones for others being ۴) that for others being

۶- گزینه یک صحیح است.

در این سوال یک مقایسه بکار رفته است. مقایسه اهداف خود با اهداف طرف مقابل که یکی مشروع و دیگری نامشروع است. طبق قاعده مقایسه همجنس با همجنس، می بایست قبل از کلمه *legitimate* ضمیری آورده شود که بتواند جایگزین *goals* شود. گزینه های ۱ و ۲ غلط هستند زیرا ضمیر جمع بکار نبرده اند. هر چند ایرادهای دیگری نیز بر آنها وارد است. گزینه ۳ غلط است زیرا *ones for* ضمیر نیست و در ضمن عبارت *as* یعنی "بعنوان" در آن بکار نرفته است. تنها گزینه ۴ از هر لحاظ صحیح است.

Those of ضمیر است و به *goals* اشاره دارد. و در انتها نیز از *as* استفاده نموده است

۷- *Inflation is generally taken to be the rise of prices, or, put the other way round ————— the fall of the general purchasing power of the monetary unit.*

۱) to put other way round

۲) to put it round other way

۳) putting the way other round

۴) put the other way round

۷- گزینه چهار صحیح است.

تورم عموماً بعنوان افزایش قیمتها در نظر گرفته می شود، یا بالعکس، افت قدرت خرید عمومی واحد پولی.

در اینجا *put the other way round* یک اصطلاح است و مجموعاً به معنی "بلعکس" است. قبل از آن *to* لازم نیست بنابراین گزینه های ۱ و ۲ حذف می شوند. *Putting* هم در اینجا معنا ندارد چو در واقع فعل استفاده نمی شود. فقط یک اصطلاح بکار برده می شود که می توان حتی با حذف آن نیز انسجام جمله را حفظ کرد.

۸- ——— the human brain is a language learning organ is provided by neurological studies of language disorders.

- ۱) Supporting further the view which ۲) To support further the view which
۳) Further supporting the view that ۴) Further support for the *view* that

۸- گزینه چهار صحیح است.

حمایت بیشتر از این دیدگاه که مغز انسان یک ارگان یادگیرنده است، توسط مطالعات عصب شناسی اختلالات زبان تامین شده است.

با حذف کلمات و عبارات توصیفی و خلاصه کردن مطلب به جمله زیر می رسیم.

---blah blah blah is oprovided by blah blah blah.

دومین *is* در اینجا باید به توصیف یک اسم پردازد. بنابراین گزینه های ۱ و ۲ که هر کدام یک فعل را پیشنهاد نموده اند مردود می شوند. گزینه ۳ کلمه *supporting* را بکار برده که مصدر است. تنها گزینه ۴ به درستی *further support* را پیشنهاد کرده که *is...* برای تشریح آن بکار برده شده است.

۹- Mass media — — a new social institution, concerned with the production of knowledge — sense of the word.

- ۱) together comprising — in the widest ۲) together comprise — in the widest
۳) altogether comprised of— in most widely ۴) is altogether comprised of— in most widely

۹- گزینه دو صحیح است.

رسانه های عمومی یعنی تمام افرادی که در این حوزه کار می کنند با هم یک نهاد اجتماعی را تشکیل می دهند، که کارشان تولید علم در وسیع ترین معنای کلمه است.

نمی تواند استفاده *widely* به صفت نیاز داریم، پس قید *sense* به همین صورت استفاده می شود. قبل از *comprise* فعلی شود.

۱۰- Inbreeding is mating between closely related individuals, ———— self-fertilization, which occurs in many plants and some animals.

- ۱) the extreme condition being ۲) to be extreme condition **as**
۳) of which extreme condition is ۴) it is the extreme condition

۱۰- گزینه سه صحیح است.

ازدواج درون خانواده، جفت گیری بین افراد بسیار نزدیک است، که از میان آن شدیدترین حالت خود-باروری است، که در بسیاری از گیاهان و برخی حیوانات رخ می دهد.

خود باروری یکی از زیرمجموعه های درون همسری است. بنابراین باید به دنبال کلمه ای باشیم که نشانگر زیرمجموعه بودن باشد. از میان تمامی گزینه ها تنها گزینه ۳ کلمه *of which* (یعنی : که از آن) را دربر دارد.

PART B: Grammar ۲

۱۱- The biggest flight creatures ever seen on earth lived in the days of the dinosaurs and were called pterosaurs. No Error

۱۱- گزینه یک مورد اشتباه را در بر دارد.

the biggest flying creatures

۱۲- An amazing experiment has been taking place in the desert where an enormous complex of greenhouses has been created to simulate the different environment of the earth. No Error

۱۲- گزینه یک مورد اشتباه را در بر دارد

.. experiment took place... نوشت: می بایست می نوشت: ..

۱۳- Technology has developed so fast in the ۲۰th century that the world children are born into today are almost unrecognizable as the world their parents were born into. No Error

۱۳- گزینه سه مورد اشتباه را در بر دارد

زیرا دنیای فرزندان امروز با دنیای والدینشان مقایسه شده و world مفرد است. بنابراین کاربرد are در اینجا خطا است.

۱۴- There is really little doubt the British are different from other members of the European Community which some recent statistics demonstrate. No Error

۱۴- گزینه سه مورد اشتباه را در بر دارد.

جای which باید as بکار می برد. (... همانطور که برخی آمار جدید نشان می دهند).

۱۵- Researchers have found that skin cancer is increasing by ۵ percent a year all over the world and cases have doubled in the last t o en years. NError

۱۵- گزینه چهار صحیح است.

مطالعات نشان داده اند که سرطان پوست با نرخ ۵ درصد در سال در سراسر جهان در حال رشد است و موارد در ده سال گذشته دوبرابر شده اند.

۱۶- Happening the first Airbus crash, the Air France chief instructor was grounded because investigators did not believe his story that the computers on board did not respond quickly enough. No Error

۱۶- گزینه چهار.

جمله صحیح است: با وقوع اولین تصادم ایرباس، راهنمای ارشد ایر فرانس اخراج شد زیرا محققان داستان او را در این رابطه که کامپیوترهای هواپیما با سرعت کافی پاسخ ندادند، باور نکردند.

۱۷- The modern view runs counter to the principal assumption of the traditional view that all knowledge except for some simple principles of association is learned. No Error

۱۷- گزینه چهار.

جمله صحیح است: دیدگاه مدرن با پیش فرض اساسی دیدگاه سنتی مقابله می کند که همه دانش بغیر از بری اصول ساده ارتباط یادگرفته می شود.

۱۸- In the period immediately prior to the Second World War, the theoretical basis for sociology broadened and drawn particularly on the Insights on bureaucracy. No Error

۱۸- گزینه سه مورد اشتباه را در بر دارد.

جای drawn باید drew بکار می رفت تا توالی زمان حفظ شود. در دوره دقیقاً ماقبل جنگ جهان دوم، پایه نظری جامعه شناسی گسترش یافت و بخصوص به بصیرت هایی بروکراسی نزدیک شد.

۱۹- Bilingualism used to be seen as occurred in clearly-defined areas of the world, but now it is said that bilingualism is restricted to indigenous groups. No Error

۱۹- گزینه چهار صحیح است.

جمله صحیح است: بنظر می رسد که دو زبانه بودن در مناطق کاملاً تعریف شده جهان رخ داده باشد، اما حالا گفته می شود که دوزبانگی به گروه های بومی محدود می شود

۲۰- The discovery that dreams take place primarily during a distinctive state of sleep, to identify by objective criteria, led to a rebirth of interest in dreams. No Error

۲۰- گزینه دو مورد اشتباه را در بر دارد.

به جای to identify باید identified استفاده شود. در این صورت معنی جمله چنین خواهد بود: این کشف که رویاها اساساً در مرحله مشخصی از خواب وقوع می شود را می توان توسط معیارهای عینی مشخص کرد، که منتهی به تجدید حیات علاقه به رویاها می شود

PART C: Vocabulary

۲۱- The recent flood ----- memories of the great flood of ۱۹۷۲.

۱) evoked ۲) designated ۳) resembled ۴) commemorated جشن گرفت

۲۱- گزینه یک صحیح است.

سیل اخیر خاطرات سیل بزرگ ۱۹۷۰ را برانگیخت

۲۲- I'll need to think carefully before deciding what short ----- to take to succeed in the entrance exam.

۱) quest ۲) route ۳) prompt ۴) venture

۲۲- گزینه دو صحیح است.

۱) جستجو ۲) مسیر ۳) سریع ۴) سرمایه گذاری

من نیاز خواهم داشت که قبل از اینکه تصمیم بگیرم چه مسیر کوتاهی را برای موفقیت در آزمون ورودی درپیش بگیرم، به دقت فکر کنم.

۲۳- Facing strong opposition from immigrants, the government ----- the anti-immigration law.

۱) deposed ۲) decamped ۳) repealed ۴) dispatched

۲۳- گزینه سه صحیح است.

۱) عزل کرد ۲) هزیمت نمود ۳) لغو کرد ۴) اعزام نمود.

بدلیل روبرو شدن با مخالفت از جانب مهاجران، دولت قانون ضد مهاجرت را لغو کرد

۲۴- A(n) ----- is a short piece of writing or music that is taken from a Longer piece.

۱) excerpt ۲) faction ۳) episode ۴) constituent

۲۴- گزینه یک صحیح است.

(۱) گزیده (۲) جناح (۳) قسمت (۴) جزء

یک گزیده، قطعه ای کوچک از یک نوشته یا موسیقی است که از قطعه ای بزرگتر گرفته شده است.

۲۵- The exhibition offers a fascinating ----- at life beneath the waves.

۱) Enterprise ۲) glimpse ۳) multiplicity ۴) scrutiny

۲۵ - گزینه دو صحیح است.

(۱) بنگاه تجاری (۲) نگاهی اجمالی (۳) تعدد (۴) بررسی دقیق

نمایشگاه یک نگاه اجمالی جذاب از زندگی زیر امواج ارائه می کند

۲۶- Bad weather has continued to ----- the search for survivors.

۱) Obliterate ۲) discharge ۳) mitigate ۴) hinder

۲۶- گزینه چهار صحیح است.

(۱) معدوم کردن (۲) تخلیه کردن (۳) تسکین دادن (۴) مانع

آب و هوای بد مانع جستجوی بازماندگان شده است.

۲۷- Being unemployed does not affect one's ----- to tax.

۱) Contiguity ۲) fragility ۳) liability ۴) exposure

۲۷- گزینه سه صحیح است.

(۱) مجاورت (۲) شکنندگی (۳) مشمول بودن (۴) فرار گرفتن در معرض

بیکار بودن بر مشمول بودن فرد به پرداخت مالیات اثر ندارد.

۲۸- This correlational research seems to be lacking in -----, so its findings are not reliable.

۱) proposition ۲) presumption ۳) entitlement ۴) rigor

۲۸- گزینه چهار صحیح است.

(۱) گزاره (۲) فرض (۳) حق (۴) دقت

بنظر می رسد که این پژوهش همبستگی فقدان دقت باشد، بنابراین نتایج آن معتبر نیستند.

۲۹- Blood tests ----- an infection as the cause of the symptoms.

۱) drew up ۲) broke out ۳) ended up ۴) ruled out

۲۹- گزینه چهار صحیح است.

(۱) مرتب کردن (۲) شیوع یافتن (۳) به پایان رسیدن (۴) غیر محتمل شمردن

آزمایش های خون وجود عفونت را بعنوان عامل نشانه های بیماری غیر محتمل شمرد (رد کرد)

۳۰- We have closely ----- our research and development work with our business need.

۱) commuted ۲) interrogated ۳) aligned ۴) spanned

۳۰- گزینه سه صحیح است.

(۱) تبدیل کردن (۲) تحقیق کردن (۳) هم تراز کردن (۴) اندازه گرفتن

ما بطور تنگاتنگ پژوهش و کار توسعه ای خود را با نیازهای کسب و کارمان هم تراز نموده ایم.

۳۱- The clouds ————— as quickly as they had gathered.

- ۱) unfolded ۲) dispersed ۳) withdrew ۴) relinquished

۳۱- گزینه دو صحیح است.

۱) باز شدن ۲) پراکنده شدن ۳) عقب نشینی کردن ۴) چشم پوشی کردن
ابرها با همان سرعتی که جمع شده بودند پراکنده شدند

۳۲- If you show trust to somebody, that trust will be ————— by him/her.

- ۱) reciprocated ۲) stipulated ۳) stretched ۴) manifested

۳۲- گزینه یک صحیح است.

۱) جبران کردن ۲) پیمان بستن ۳) کشیدن ۴) فاش کردن
اگر شما به کسی اعتماد نشان دهید، این اعتماد توسط او جبران خواهد شد.

۳۳- In some industrialized countries, there has been a ————— away from traditional ideas of family life.

- ۱) swing ۲) dilemma ۳) surge ۴) dismissal

۳۳- گزینه سه صحیح است.

۱) نوسان ۲) معضل ۳) جریان سریع و غیر عادی، موج ۴) اخراج
در برخی کشورهای صنعتی شده، جریان سریعی بسمت دور شدن از ایده های سنتی زندگی خانوادگی وجود داشته است.

۳۴- A ————— is a small change in the regular motion of an object.

- ۱) vortex ۲) gravity ۳) mishap ۴) perturbation

۳۴- گزینه چهار صحیح است

۱) گرداب ۲) جاذبه زمین ۳) بدبختی ۴) اخلال
اخلال یک تغییر کوچک در حرکت منظم یک شی است.

۳۵- Five years ago, the country carried out ————— reforms to modernize its economy and now it has a prosperous economy.

- ۱) overbearing ۲) full-grown ۳) far-reaching ۴) long-established

۳۵- گزینه سه صحیح است.

۱) از خود راضی ۲) رشدیافته ۳) گسترده ۴) تثبیت شده
پنج سال پیش کشور اصلاحات گسترده ای برای مدرنیزه کردن اقتصادش انجام داد و اکنون اقتصادی پیروز دارد.

۳۶- Our planet cannot easily ————— more than ۶ billion people.

- ۱) override ۲) sustain ۳) overcome ۴) surpass

۳۶- گزینه دو صحیح است.

۱) باطل کردن ۲) نگه داشتن، تحمل کردن ۳) غلبه کردن ۴) پیشی گرفتن
سیاره ما براحتی نمی تواند بیش از شش میلیارد نفر را در خود نگه دارد (تحمل کند).

۳۷- Descartes' famous —————: "I think; therefore, I am."

- ۱) dictum ۲) standing ۳) jargon ۴) approximation

۳۷- گزینه یک صحیح است.

۱) گفته، ضرب المثل (۲) ایستاده (۳) اصطلاحات مخصوص یک صنف (۴) تقریب گفته معروف دکارت: من فکر می کنم؛ پس من هستم

۳۸- A language course should be _____ by a sound theoretical basis.

۱) defied ۲) underpinned ۳) meditated ۴) refurbished

۳۸- گزینه دو صحیح است.

۱) به مبارزه طلبیده شدن (۲) پشتیبانی شدن (۳) وساطت شده (۴) مرمت شدن
یک دوره آموزش زبان باید توسط یک بنیان تئوریک استوار پشتیبانی شود.

۳۹- This paper is said to _____ our standard, so it will not get published.

۱) shy away from ۲) have a grudge against ۳) put up with ۴) fall short of

۳۹- گزینه چهار صحیح است.

۱) اجتناب کردن (۲) کینه ورزیدن (۳) صبورانه تحمل کردن (۴) کم داشتن، پوشش ندادن
گفته شده که این مقاله استاندارد ما را پوشش نمی دهد، بنابراین منتشر نمی شود.

۴۰- The president said the country could not be ----- to observe the treaty signed by the previous regime.

۱) counteracted ۲) contorted ۳) overthrown ۴) bound

۴۰- گزینه چهار صحیح است.

۱) خنثی شده (۲) رنج کشیده است (۳) سرنگون (۴) محدود، موظف
رییس جمهور گفت که کشور نمی تواند موظف به رعایت پیمانی باشد که توسط رژیم سابق امضا شده است.

۴۱- The government's popularity has dropped alarmingly because it failed to grip with ----- unemployment.

۱) pull over ۲) grip with ۳) turn out ۴) throw up

۴۱- گزینه دو صحیح است.

۱) کنار زدن (۲) متوقف کردن (۳) وارونه کردن (۴) بلند کردن
شهرت دولت به طرز هشداردهنده ای افت کرد زیرا دولت نتوانست بیکاری را متوقف کند.

۴۲- These matters are significant because they _____ ethics in research.

۱) let up ۲) fall through ۳) pass on ۴) bear on

۴۲- گزینه چهار صحیح است

۱) کند کردن (۲) به نتیجه نرسیدن (۳) درگذشتن (۴) مربوط بودن
این موضوعات برجسته هستند زیرا به اخلاقیات در پژوهش مربوط می شوند.

۴۳- If this part of the report is wrong, ----- it ----- and write It again.

۱) drop — off ۲) dash — off ۳) boil — down ۴) cross — out

۴۳- گزینه چهار صحیح است.

۱) رها کردن (۲) باعجله نوشتن (۳) خلاصه کردن (۴) حذف کردن
اگر این قسمت از گزارش اشتباه است، آنرا حذف کن و از نو بنویس

۴۴.. Many papers were presented at the conference, but one -----

- ۱) stands out ۲) stands by ۳) sets Out ۴) sets up

۴۴- گزینه یک صحیح است.

۱) برجسته است ۲) حاضر است ۳) شروع به کار می کند ۴) برپا می کند
مقاله های زیادی در کنفرانس ارائه شد ولی یکی از آنها برجسته است.

۴۵- This license ---- next month—you must get it renewed.

- ۱) checks out ۲) runs out ۳) breaks down ۴) settles down

۴۵- گزینه دو صحیح است.

۱) چک کردن ۲) به آخر رسیدن ۳) پایین ۴ در هم شکستن) حل و فصل کردن
این گواهی نامه ماه آینده منقضی می شودف شما باید آنرا تجدید نمایید.

PART D: Cloze Test

The history of the world is the story of man—from the first civilization to the space age. The story (۴۶)----- a period of about ۵,۰۰۰ years, beginning about ۳۰۰۰ B.C. At that time, or even (۴۷)----- men developed a way to write down their experiences. Those early writings began the record of man's (۴۸)----- that we study today as world history.

Before the development of writing, human beings had existed for about ۲.۵ million years—over ۵۰۰ times (۴۹)----- the total span of recorded history. The long period before writing began is called *Prehistoric Times*. Scientists have (۵۰)----- together the story of that period.

World history shows that civilization today is the product of many cultures. For thousands of years, various peoples have borrowed ideas and inventions from each other. This (۵۱)----- is called *culture diffusion*.

(۵۲)----- most of world history, the most important regions for new ideas and inventions were the Middle East, Egypt, India, and China. But during Modern Times—the period of the last ۵۰۰ years—Western civilization has made rapid progress, while other civilizations (۵۳)----- . As a result, the course of culture diffusion changed. During Modern Times, the flow of ideas and inventions has (۵۴)----- from West to East. The development of worldwide systems of communication and transportation conquered (۵۵)----- of time and distance.

Mankind's progress through the centuries has been (۵۶)----- many changes, and every generation has faced the challenge of serious problems.

Great civilizations have developed, (۵۷)----- for a time, and then collapsed. International disputes have brought on terrible wars. In every age, millions of persons have suffered hunger and hardship, (۵۸)----- enjoyed prosperity. Today, we live in the greatest civilization of all times. But war and widespread poverty (۵۹)----- the most important problems of mankind. Man has greater knowledge and more technological power than (۶۰)----- As a result, he probably has a better chance to meet the challenge of today than any generation of the past.

۴۶- ۱) narrates ۲) covers ۳) ranges ۴) spreads

۴۶- گزینه دو صحیح است.

۱) روایت می کند ۲) پوشش می دهد ۳) مرتب می کند ۴) گسترش می یابد

۴۷- ۱) a little earlier ۲) early a little ۳) too much sooner ۴) sooner or later

۴۷- گزینه یک صحیح است.

۱) کمی زودتر ۲) کمی زودتر ۳) بیش از حد زودتر ۴) دیر یا زود

۴۸- ۱) movement ۲) progress ۳) direction ۴) proceeding

۴۸- گزینه دو صحیح است.

۱) جنبش ۲) پیشرفت ۳) جهت ۴) روند، جریان عمل

۴۹- ۱) much larger than ۲) as large as ۳) so long as ۴) longer than

۴۹- گزینه چهار صحیح است.

۱) بسیار بزرگتر از ۲) عنوان بزرگی آن ۳) تا زمانی که ۴) بیش از

۵۰- ۱) announced ۲) combined ۳) pieced ۴) cooperated

۵۰- گزینه سه صحیح است.

۱) اعلام کردن ۲) ترکیب کردن ۳) خلق چیزی با کنارهم قراردادن قطعات مختلف ۴) همکاری کردن

۵۱- ۱) transformation ۲) exchange ۳) culture ۴) record

۵۱- گزینه دو صحیح است.

۱) تغییر و تحول ۲) تبادل، معاوضه ۳) فرهنگ ۴) سابقه

۵۲- ۱) Throughout ۲) Altogether ۳) In spite of ۴) across

۵۲- گزینه یک صحیح است.

۱) سرتاسر ۲) در مجموع ۳) در وجود از ۴) در سراسر (از نظر مکان: از این سو به آن سو)

۵۳- ۱) lagged ۲) impaired ۳) detained ۴) proceeded

۵۳- گزینه یک صحیح است.

۱) عقب ماندند، عقب افتادند ۲) زیان رساندند ۳) توقیف کردند ۴) پیشی گرفتند

۵۴- ۱) transferred ۲) swept ۳) erupted ۴) carried

۵۴- گزینه یک صحیح است.

۱) منتقل شده است ۲) جاروب شده است ۳) فوران کرده است ۴) انجام شده است

۵۵- ۱) domains ۲) contexts ۳) periods ۴) barriers

۵۵- گزینه چهار صحیح است.

۱) حوزه ها ۲) زمینه ها ۳) دوره ها ۴) موانع

۵۶- ۱) marked by ۲) dated back to ۳) emerged by ۴) referred to

۵۶- گزینه یک صحیح است.

(۱) مشخص شده توسط (۲) تاریخ آن برمی گردد به (۳) پدید آمده توسط (۴) منسوب شده به

created (۴) flourished (۳) inspired (۲) shifted (۱) ۵۷-۵۷

۵۷- گزینه سه صحیح است.

(۱) منتقل شده اند (۲) الهام بخش بوده اند (۳) شکوفاشده اند (۴) ایجاد کرده اند

while others (۴) unlike the others (۳) whereas other (۲) even if the other (۱) ۵۸-۵۸

۵۸- گزینه چهار صحیح است.

(۱) حتی اگر دیگران (۲) از آنجایی که دیگران (۳) بر خلاف دیگران (۴) در حالی که دیگران

are yet (۴) are so far (۳) still are (۲) are then (۱) ۵۹-۵۹

۵۹- گزینه چهار صحیح است.

(۱) آنگاه هستند (۲) هنوز هستند (۳) تا کنون هستند (۴) با اینحال هستند

ever then (۴) since then (۳) ever since (۲) ever before (۱) ۶۰-۶۰

۶۰- گزینه یک صحیح است.

(۱) هر زمان قبل (۲) از آن زمان تا به امروز (۳) از آن زمان (۴) همیشه پس از آن

تاریخ دنیا داستان انسان است از ابتدای تمدن تا عصر فضا. داستان انسان دوره ای در حدود ۵۰۰۰ سال را پوشش می دهد که از حدود سال ۳۰۰۰ قبل میلاد شروع می شود. در آن زمان، یا حتی زودتر، انسان راهی برای نوشتن تجربیاتش پیدا کرد. آن نوشته های نخستین ثبت پیشرفت انسان را آغاز نمود که ما امروزه بعنوان تاریخ جهان مطالعه می کنیم. قبل از ابداع نوشتن، انسانها برای حدود ۲.۵ میلیون سال وجود داشتند—بالغ بر ۵۰۰ برابر بیش از کل دوره تاریخ ثبت شده. دوره بلند پیش از این که نوشتن شروع شود " زمان های پیش از تاریخ" خوانده می شود. دانشمندان قطعات داستان آن دوره را سر هم کرده اند. برای هزاران سال، مردمان مختلف ایده ها و ابداعات را از یکدیگر به عاریه گرفته اند. این مبادله انتشار فرهنگی نامیده می شود. در سراسر تاریخ جهان، مهمترین مناطق برای ایده ها و ابداعات نو خاورمیانه، مصر، هند، و چین بودند. ولی در طی ادوار مدرن—دوره زمانی حداقل پانصد ساله—تمدن غربی پیشرفت سریعی داشته است، درحالیکه سایر تمدن ها عقب مانده اند. در نتیجه، مسیر انتشار فرهنگی عوض شد. در طی ادوار مدرن، جریان ایده ها و ابداعات از غرب به شرق منتقل شده است. توسعه سیستم های جهانی ارتباطات و حمل و نقل بر موانع زمان و فاصله غلبه نمود. پیشرفت نوع بشر در طی قرن ها با تغییرات بسیاری مشخص شده است، و هر نسل با چالش هایی از مشکلات جدی روبرو شده است. تمدن های عظیم ایجاد شده اند، برای مدت زمانی شکوفا شده اند، و سپس فرو ریخته اند. مناقشه های بین المللی جنگ های فجیع به بار آورده اند. در هر عصر، میلیونها نفر از گرسنگی و سختی رنج کشیده اند، درحالیکه دیگران از پیروزی لذت برده اند. امروزه، ما در بزرگترین تمدن همه ادوار زندگی می کنیم. ولی با اینحال جنگ و فقر گسترده بزرگترین مشکلات نوع بشر هستند. انسان دانش بیشتر و قدرت تکنولوژیک بیشتری از هر زمان دارد. در نتیجه او احتمالاً در مقایسه با هر نسلی در گذشته، شانس بهتری برای مواجه شدن با چالشهای امروز دارد.

PART E: Reading Comprehension

The forest from which Man takes his timber is the tallest and most impressive plant community on Earth. In terms of Man's brief life it appears permanent and unchanging, save for the seasonal growth and fall of the leaves, but to the forester it represents the climax of a long succession of events.

جنگلی که آدمی الوار خود را از آن تهیه می کند، بلندترین و شگفت انگیز ترین جامعه گیاهی روی زمین است. برحسب زندگی مختصر انسان، جنگل دائمی و بدون تغییر بنظر می رسد، صرفنظر از رشد فصلی و ریزش برگ ها، ولی برای جنگلبان این پدیده نمایانگر اوج یک تسلسل بلند وقایع است

No wooded landscape we see today has been forest for all time. Plants have minimum requirements of temperature and moisture and, in ages past, virtually every part of Earth's surface has at some time been either too dry or too cold for plants to survive. However, as soon as climatic conditions change in favour of plant life, a fascinating sequence of changes occurs, called a primary succession.

هیچ چشم انداز پوشیده شده از درختی را که امروز ما می بینیم برای همیشه جنگل نبوده است. گیاهان نیازمند حداقلی از درجه حرارت و رطوبت هستند و در اعصار گذشته، درواقع هر بخشی از سطح زمین در برخی از زمان ها، برای بقای گیاهان، یا خیلی خشک و یا خیلی سرد بوده است. با این حال، به محض این که شرایط آب و هوایی به نفع زندگی گیاهی تغییر می کند، سلسله شگفت انگیزی از تغییرات رخ می دهد، که به نام تسلسل اولیه خوانده می شود

First to colonize the barren land are the lowly lichens, surviving on bare rock. Slowly, the acids produced by these organisms crack the rock surface, plant debris accumulates, and mosses establish a shallow root-hold. Ferns may follow and, with short grasses and shrubs, gradually form a covering of plant life. Roots probe even deeper into the developing soil and eventually large shrubs give way to the first trees. These grow rapidly, cutting off sun light from the smaller plants, and soon establish complete domination—closing their ranks and forming a climax community which may endure for thousands of years.

اول چیزهایی که در زمین بایرآشپانه می کنند گلستگ های کوچک هستند، که روی سنگ برهنه بقا می یابند. به آرامی اسیدهای تولید شده توسط این موجودات سطح سنگ را می شکند، بقایای گیاهی تجمع می یابند، و خزها ریشه گاه های کم عمق بنا می کنند. سرخس ها ممکن است به دنبال آنها بیایند، و به همراه چمن های کوتاه و درختچه ها، به تدریج به صورت یک پوشش از زندگی گیاهی ایجاد کنند. ریشه ها کاوشگر بازهم عمیق تر به خاک در حال توسعه غور می کنند و در نهایت درختچه های بزرگ راه را برای اولین درختان باز می کنند. این ها (درختان) به سرعت رشد می کنند، نور خورشید را از گیاهان کوچک قطع می کنند، و طولی نمی کشد که استیلای کامل برپا می کنند—به همدیگر نزدیک می شوند و یک جامعه ای در منتهای درجه تشکیل می دهند که ممکن است برای هزاران سال دوام بیاورد.

Yet even this community is not everlasting. Fire may destroy it outright and settlers may cut it down to gain land for pasture or cultivation. If the land is then abandoned, a secondary succession will take over, developing much faster on the more hospitable soil. Shrubs and trees are among the early invaders, their seeds carried by the wind, by birds and lodged in the coats of

mammals. For as long as it stands and thrives, the forest is a vast machine storing energy and the many elements essential for life.

با این حال حتی این جامعه است ابدی نیست. آتش ممکن است آن را یکجا نابود کند و مهاجران ممکن است آنرا خرد کنند تا زمین برای چراگاه و یا کشت بدست آورند. اگر زمین پس از آن رها شود، یک تسلسل ثانویه غلبه خواهد کرد، که در خاک مهمان نواز تر بطور سریعتر توسعه می یابد. درختچه ها و درختان در میان مهاجران اولیه هستند، که دانه های آن ها توسط باد، پرندهگان و پنهان در پوشش پستانداران حمل می شود. تا زمانیکه این فرایند ادامه دارد و پیش می رود، جنگل ماشین گسترده است که انرژی را و بسیاری از عناصر ضروری حیات را ذخیره می کند .

۶۱- Why does the forest strike mankind as permanent?

- ۱) It is an essential part of our lives. ۲) It is renewed each season.
۳) Our lives are short in comparison. ۴) The trees are so tall.

۶۱- گزینه سه صحیح است.
چرا جنگل برای انسان همیشگی به نظر می رسد؟
زندگی ما در مقایسه کوتاه است

۶۲- What has sometimes caused plants to die out in the past?

- ۱) The introduction of new types of plants ۲) Variations in climate
۳) The absence of wooded land ۴) Interference from foresters

۶۲- گزینه دو صحیح است.
در گذشته چه چیزی که گاه باعث مرگ گیاهان شده است؟
تغییرات در آب و هوا

۶۳- In a "primary succession" (line ۷), what makes it possible for mosses to take root?

- ۱) The amount of moisture ۲) The type of rock
۳) The amount of sunlight ۴) The effect of lichens

۶۳- گزینه چهار صحیح است.
در یک "تسلسل اولیه" (خط ۷)، چه چیزی ریشه دواندن خزه ها را امکانپذیر می سازد؟
اثرگلسنگ ها

۶۴- What conditions are needed for shrubs to become established?

- ۱) The ground must be covered with grass. ۲) Smaller plants must die out.
۳) Ferns must take root. ۴) More soil must accumulate.

۶۴- گزینه سه صحیح است.
چه شرایطی برای برپا شدن درختچه ها موردنیاز است؟

سرخس ها باید ریشه بدوانند

۶۵- Why is a "secondary succession" (line ۱۵) quicker?

- ۱) There is more space for new plants. ۲) The ground is more suitable.
۳) Birds and animals bring new seeds. ۴) It is supported by the forest.

۶۵- گزینه دو صحیح است.

چرا "تسلسل ثانویه" (خط ۱۵) سریعتر است؟
زمین مناسبتر است

۶۶- The word "virtually" (line ۵) can best be replaced by _____.

- 1) actually ۲) hastily ۳) abundantly ۴) ultimately

۶۶- گزینه یک صحیح است.

کلمه "virtually" (خط ۵) با چه کلمه ای می تواند جایگزین شود؟
واقع

۶۷- By "community" (line ۱۴), the author means —

- ۱) a group of people ۲) shrubs ۳) smaller plants ۴) trees

۶۷- گزینه چهار صحیح است.

منظور نویسنده از "community" (خط ۱۴) چیست؟
درختان

۶۸- The word "thrives" (line ۱۸) is closest in meaning to

- ۱) needs water ۲) grows ۳) gets older ۴) values

۶۸- گزینه دو صحیح است.

کلمه "thrives" (خط ۱۸) در معنا به کدام کلمه نزدیک تر است؟
رشد می یابد

Naturally the young are more inclined to novelty than their elders and it is in their speech, as it always was, that most of the verbal changes originate. But listening critically to their talk I hear hardly any new words. It is all a matter of using old words in a new way and then copying each other, for much as they wish to speak differently from their parents, they want even more to speak like people of their own age. A new usage once took time to spread, but now a pop star can flash it across the world in hours.

طبیعتاً جوانان بیشتر از بزرگان خود تمایل به تازگی دارند و مثل همیشه، در گفتار آنها است که بیشتر تغییرات لفظی سرچشمه می گیرد. اما با گوش دادن انتقادی به صحبت آنها من سختی (به ندرت) کلمات تازه ای می شنوم. همه این مطلب به استفاده از

کلمات قدیمی به روشی جدید مربوط می شود، و آنگاه تقلید کردن یکدیگر، تا آنجایی که تمایل دارند متفاوت از والدینشان صحبت کنند، آنها حتی بیشتر از این می خواهند که مثل هم سن و سال های خود صحبت کنند. زمانی بود که انتشار یک کاربرد جدید مدت زمانی طول می کشید، ولی حالا یک ستاره پاپ می تواند آن را در چند ساعت در سراسر جهان به سرعت نور پخش کند.

Of course it is not only the young who like to use the latest in-word. While they are describing their idols as *smashing*, *great*, *lab* or *cosmic*, their parents and the more discriminating of the younger set are also groping for words of praise that are at once apt and fashionable. However, their choice of *splendid*, *brilliant*, *fantastic* and so on will in turn be slightly dimmed by over-use and need replacement.

البته تنها جوانان نیستند که مایل به استفاده از آخرین کلمه هستند. در حالی که آنها معبودان خود را به عنوان *smashing*, *great*, *lab* or *cosmic* توصیف می کنند، پدر و مادر آنها و جوان تر های با بصیرت تر نیز بدنبال کلمات تمجید آمیز می گردند که یکسره مناسب و مد روز باشند. با این حال، انتخاب آنها از کلمات *splendid*, *brilliant*, *fantastic* و غیره نیز به نوبه خود بخاطر استفاده زیاد قدری ملال آور خواهد شد و به نیاز به جایگزینی خواهد داشت.

Magic is a theme that has regularly supplied words of praise (and the choice must betray something in our nature). *Charming*, *entrancing* and *enchanted* are all based on it. So also is *marvelous*, which has been used so much that some of its magic has faded while among teenagers wizard had a great run. Another of this group, though you might not think it, is *glamorous*, which was all the rage in the great days of Hollywood.

جادو موضوعی است که مرتباً کلمات تمجید آمیز عرضه کرده است (و انتخاب باید چیزی را در طبیعت ما فاش کند). *Charming*, *entrancing* and *enchanted* همگی بر آن اساس هستند. کلمه *Marvelous* نیز از همین قرار است، که در زمانی که هنوز wizard در میان نوجوانان دوران باشکوهی داشت آنقدر استفاده شده که جادوی آن محو شده است. کلمه دیگری از این گروه، گرچه ممکن نیست به فکر آن بیفتید، *glamorous* است، که در روزهای بزرگ هالیوود سراسر الهام بخش بود.

Glamour was a Scottish dialect form of "grammar" or "grammarye", which itself was an old word for *enchantment*. (*Grammar* means the study of words, and words have always been at the heart of magic.) The change from "r," to "l" may have come about through the association with words like *gleaming* and *glittering*. On the whole, when a new word takes over the old ones remain, weakened but still in use, SO that the total stock increases all the time.

Glamour یک شکل گویش اسکاتلندی "grammar" و یا "grammarye" بود، که خود یک کلمه قدیمی برای *enchantment* (سحر) بود. (دستور زبان به معنای مطالعه کلمات است، و کلمات همیشه در قلب سحر و جادو بوده تغییر از "r" "l" ممکن است از طریق ارتباط با کلماتی مانند *gleaming* و *glittering* اتفاق افتاده باشد. به طور کلی، هنگامی که یک کلمه جدید غلبه می کند، کلمات قدیمی باقی می ماند، ضعیف می شوند ولی هنوز استفاده می شوند، بنابراین ذخیره کلی کلمات در همه حال افزایش می یابد.

But some that start only as slang and never rise above that class can disappear completely. "Did you really say *ripping* when you were young?" my granddaughter asked me. rather like asking if I ever wore a suit of armour. Of course I did and it was no sillier than *smashing*, which some of her contemporaries are still saying.

ولی بعضی کلمات که فقط بعنوان کلام عامیانه آغاز می شوند و هرگز از آن مرتبه بالاتر نمی روند می توانند کاملا محو شوند. نوه ام از من پرسید "آیا شما واقعا وقتی که جوان بودیدمی گفتید *ripping*؟" این صحبت او مثل پرسیدن این بود که آیا من تابحال لباس زرهی پوشیده بودم. البته که من می گفتم *ripping* این مسئله احمقانه تر از *smashing* نبود، که بعضی از هم عصرانش هنوز به زبان می آورند.

۶۹- What do young people like to do in their speech?

- ۱) Give words new meanings to mislead their parents
- ۲) Invent words that older people cannot understand
- ۳) Use words invented by pop stars
- ۴) Copy the speech of their contemporaries

۶۹- گزینه دو صحیح است.

افراد جوان دوست دارند در سخن خود چه کاری انجام دهند؟ (کلماتی ابداع کنند که بزرگترها متوجه نشوند)

۷۰- Words of praise keep changing because -----.

- 1) older people try to avoid the in-words of the young
- ۲) young people are becoming more discriminating
- ۳) they lose their freshness
- ۴) there are more words available in this area

۷۰- گزینه دو صحیح است.

کلمات تمجید آمیز تغییر می کنند زیرا....

تازگی خود را از دست می دهند

۷۱- The fact that magic is a frequent source of words of praise suggests that people - —.

- ۱) have always been interested in magic
- ۲) arc interested in magic when young
- ۳) lack linguistic originality
- ۴) are becoming more superstitious

۷۱- گزینه یک صحیح است

این واقعیت که جادو یک منبع مداوم کلمات تمجید آمیز است به این معناست که افراد.....؟

...همیشه به جادو علاقه داشته اند

۷۲- Which of these words does **NOT** have an association with magic?

1) Gleaming ۲) Grammar ۳) Marvelous ۴) Wizard

۷۲- گزینه دو صحیح است.
کدامیک از این کلمات با جادو مرتبط نیستند؟
نور ضعیف

۷۳- To the author's granddaughter, the word *ripping*

۱) seems strange and old-fashioned ۲) is unacceptable because it is slang
۳) has a clearer meaning than it does for the author ۴) means much the same as *smashing*
۷۳- گزینه یک صحیح است.
برای نوه نویسنده، کلمه *ripping* ...
عجیب و قدیمی به نظر می رسد

۷۴- The word "some" (line ۱۹) refers to -----.

1)use ۲) stock ۳) time ۴) words

۷۴- گزینه یک صحیح است
کلمه some (خط ۱۹) مربوط می شود به...
کلمه ها

۷۵- The word "groping" in (line ۸) is closest in meaning to -----.

1) searching ۲) inventing ۳) using ۴) preferring

۷۵- گزینه یک صحیح است
کلمه groping در خط ۱۸ از لحاظ معنی به کدام کلمه نزدیکتر است؟
جستجو کردن

Cardiologists divide us into two types, according to how our personality affects our heart. Type A individuals are highly competitive, innately hostile, fast eating and rapid talking, whilst B types drown in the milk of human kindness and are sublimely indifferent to the passage of time. It is an uncomfortable fact that A's die twice as frequently from heart disease as B's, even when the risks of cigarettes, alcohol and cream buns are taken into account.

متخصصان قلب بر اساس این که چگونه شخصیت ما بر قلب مان اثر می گذارد، ما را به دو دسته تقسیم می کنند. افراد نوع A افراد به شدت رقابتی، ذاتا تهاجمی، سریع غذا خوردنده و سریع صحبت کننده هستند، در حالی که افراد نوع B در محبت انسانی غرق هستند و بلندنظرانه نسبت به گذشت زمان بی تفاوتند. این یک واقعیت ناچوار است که A ها دوبرابر بیشتر از B ها بر اثر بیماری قلبی فوت می کنند، حتی وقتی که که خطرات ناشی از سیگار، الکل و نان خامه ای در نظر گرفته می شوند.

Personality is to a large extent genetically endowed - A-type parents usually beget A—type offspring. But the environment must also have a profound effect, since if competition is important to the parents, it is likely to become a major factor in the lives of their children. One place where children soak up A traits is school, which is, by its very nature, a highly competitive institution.

شخصیت تا حد زیادی ژنتیکی است. والدین نوع A معمولاً فرزند نوع A به بار می آورند. اما محیط زیست نیز باید یک اثر عمیق داشته باشد، چرا که اگر رقابت برای پدر و مادر مهم است، احتمال دارد که در زندگی کودکانشان هم به فاکتور عمده ای تبدیل شود. یک مکانی که در آن کودکان صفات A را می پذیرند مدرسه است، که بنا به ماهیت خود، یک موسسه بسیار رقابتی است.

Too many schools adopt the 'win at all costs' ethic and measure their success by sporting achievements. The current mania for making children compete against their peers or against the clock produces a two-tier system. in which competitive A types seem in some way better than their B type fellows. Addiction to winning can have dangerous consequences: remember that Pheidippides. the first marathon runner, dropped dead seconds after croaking: 'Rejoice, we conquer!'

بسیاری از مدارس روش "برنده شدن به هر هزینه ای" را در پیش می گیرند و موفقیت خود را در دستاوردهای ورزشی می سنجند. شیدایی فعلی برای واداشتن کودکان به رقابت در برابر همسالان خود و یا رقابت در زمان اندک، یک سیستم برنده-بازنده خلق می کند، که در آن رقیب های نوع A از جهاتی بهتر از دوستان نوع B خود به نظر می رسند. اعتیاد به برنده شدن می تواند عواقب خطرناکی داشته باشد: به یاد بیاورید که Pheidippides اولین دوندۀ ماراتن، ثانیه هایی پس از این که فریاد زد شاد باش، ما بردیم، بر زمین افتاد و مرد!

By far the worst form of competition in schools is the disproportionate emphasis on examinations. It is a rare school that allows pupils to concentrate on those things they do well. The merits of competition by examination are dubious enough; but competition in the certain knowledge of failure is positively harmful. Obviously, it is neither practical nor desirable that all A youngsters change into B's. The world needs both types. and schools have an important duty to try to fit a child's personality to his possible future employment.

تا کنون بدترین شکل از رقابت در مدارس تاکید نامتناسب بر امتحانات بوده است. مدرسه ای که به دانش آموزان اجازه دهد بر روی آن چیزهایی را که به خوبی انجام شده می دهند تمرکز کنند، بسیار کمیاب است. به اندازه کافی شایستگی های رقابت در آزمون، مورد تردد هست، ولی رقابت در آگاهی خاص از شکست قطعاً مضر است. بدیهی است، تبدیل همه جوان های A نوع به نوع B نه عملی است و نه مطلوب. دنیا به هر دو نوع شخصیت نیاز دارد؛ و مدارس این وظیفه مهم را بعهدۀ دارند که که سعی نمایند شخصیت کودک را با آینده استخدامی ممکن اومتناسب سازند.

.It is a fallacy, for instance, that people successful in business are full of competitive zeal; there are many ۱۳ types in top management. If the preoccupation of schools with academic work was lessened, more time might be spent teaching children surer values. Perhaps selection for the

caring professions, especially medicine, could be made less by good grades in chemistry and more by such considerations as sensitivity, altruism and compassion. It is surely a mistake to choose our doctors exclusively from A type stock. B's are important and should be encouraged.

که، مثلا، افراد موفق در کسب و کار پر از شوق رقابتی هستند، هستند در رده مدیریت عالی ۱۳ نوع این یک مغالطه است شخصیت وجود دارد. اگر دغدغه در مورد کار علمی کاهش می یافت، زمان بیشتری می توانست صرف آموزش ارزش های مسلم تر شاید انتخاب برای حرفه مراقبتی، به ویژه پزشکی، می تواند کمتر با نمرات خوب شیمی و بیشتر با ملاحظات باشد. به کودکان شود انتخاب A مانند حساسیت، نوع دوستی و محبت انجام گیرد. این قطعاً اشتباه است که پزشکان مان را صرفاً از میان موجودی نوع ها مهم هستند و باید تشویق شوند کنیم.

۷۶ – According to cardiologists type A individuals are usually-----

- ۱) reedy ۲) aggressive ۳) affectionate ۴) carefree

۷۶- گزینه دو صحیح است.

به گفته متخصصان قلب، افراد نوع "A" معمولاً... هستند
مهاجم

۷۷- Children develop into Type A rather than Type B individuals because of—

- ۱) hereditary defects ۲) pressure from their friends
۳) differences in social class ۴) parental attitudes

۷۷- گزینه دو صحیح است.

کودکان بیشتر در قالب نوع "A" رشد می کنند تا نوع "B" بخاطر...
طرز رفتار والدین

۷۸- What feature of schools does the author criticize?

- I) Sport is rated below academic achievement. ۲) Intelligent students become discouraged
۳) Some individuals are undervalued. ۴) There is a limited choice of subject.

۷۸- گزینه سه صحیح است.

نویسنده کدام ویژگی مدارس را نقد می کند؟
به برخی افراد بهای کمتری داده می شود

۷۹- What is particularly harmful about examinations?

- ۱) Failure rates are high. ۲) Some students are bound to fail.
۳) Unsuitable subjects are set. ۴) The wrong students succeed.

۷۹- گزینه دو صحیح است.

کدام ویژگی آزمون ها زیان آور است؟

برخی از دانش آموزان ناگزیر از شکست هستند

۸۰- Entrants to the medical profession, at present are selected on the basis of their —

- ۱) competitive spirit ۲) academic achievements
۳) interest in society ۴) personal qualities

۸۰- گزینه دو صحیح است.

واردشوندگان به حرفه پزشکی، در حال حاضر براساس... شان انتخاب می شوند.
دستاوردهای آکادمیک

۸۱- The word "mania" in (line ۱۱) means

- ۱) mentality ۲) decision ۳) desire ۴) manner

۸۱- گزینه سه صحیح است.

کلمه mania در خط یازده به معنای ... است .
تمایل

The ۳۲,۰۰۰-word novella The Time Machine by H.G. Wells, published in ۱۸۹۵, is generally credited with popularizing the idea of time travel by means of a time machine, a vehicle which takes the occupant backward or forward in time. Dozens of sequels and adaptations over the years have further promoted the notion. Indeed, Albert Einstein's Theory of Special Relativity lays the foundation for the possibility of time travel.

رمان کوتاه ۳۲۰۰۰ کلمه ای ماشین زمان نوشته اچ جی ولز، منتشر شده در سال ۱۸۹۵، به طور کلی منسوب است به این که ایده سفر زمان به وسیله ماشین زمان را عمومیت داده است، وسیله نقلیه ای فرد مستقر در آن را در طول زمان به عقب یا جلو می برد. ده ها نسخه بعدی و اقتباس در طول سال ها باعث پیشبرد بیشتر این ایده شده اند. در واقع، نظریه نسبیت خاص آلبرت اینشتین میسازد بنیاد برای امکان سفر در زمان است.

So far, no one has demonstrated the ability to travel in time. However, time machines have been constructed, and they do allow glimpses into the past.

The most efficacious time machine currently in existence is the Hubble Telescope, named after the American astronomer Edwin P. Hubble. Its capability to locate distant astronomical targets and lock in on them, permitting their faint light to aggregate on its detectors, allows it to peer far into the past. Light (delete ۱۰) travels ۱۸۶,۰۰۰ miles per second.

تا کنون، هیچ کس توانایی سفر در زمان را از خود نشان نداده است. با این حال، ماشین های زمان ساخته شده اند، و نگاه هایی گذرا به گذشته را امکانپذیر می سازند. در حال حاضر کارآمدترین ماشین زمان موجود تلسکوپ هابل است، به نام ستاره شناس آمریکایی ادوین هابل. توانایی اش برای مکان یابی اهداف نجومی از راه دور و تمرکز بر آنها، که به نور کم سوی آنها اجازه می دهد

که روی ردیاب هایش تجمع کنند، به آن اجازه می دهد که به گذشته چشم بدوزد. نور با سرعت ۱۸۶۰۰۰ مایل بر ثانیه حرکت می کند.

The Hubble Telescope has looked back in time at ۱۰,۰۰۰ galaxies whose light left them billions of years ago. Therefore, utilizing the telescope as time machine, astronomers are able to contemplate galaxies as they were eons ago. Although the telescope was launched into space in ۱۹۹۰ its inception was almost a half-century earlier as astronomer Lyman Spitzer Jr., mulled over the possibility of a large space telescope in a ۱۹۴۶ report, "Astronomical Advantages of an Extra-Terrestrial Observatory." Because the earth is bathed in its constantly churning atmosphere, earth-based telescopes cannot penetrate deep space. the atmosphere distorts the view.

تلسکوپ هابل به گذشته ۱۰۰۰۰ کهکشان نظاره کرده است که نورشان آنها را میلیاردها سال پیش ترک کرده. بنابراین، با استفاده از تلسکوپ به عنوان ماشین زمان، ستاره شناسان قادر می شوند در کهکشان ها آنگونه که میلیونها سال پیش بودند تامل کنند. با وجودی که این تلسکوپ در سال ۱۹۹۰ به فضا رفت، آغاز به کارش تقریباً نیم قرن پیشتر بود زمانی که لیمان اسپیتزر ستاره شناس، در مورد احتمال یک تلسکوپ فضایی بزرگ در یک گزارش بنام "مزایای نجومی یک رصدخانه فرازمینی" اندیشه کرد. آنجا که زمین در اتمسفر مداوما در هم شونده خود مغروق است، تلسکوپ هایی که پایگاه آنها روی زمین است نمی توانند عمیقاً در فضا نفوذ کنند. اتمسفر دید را منحرف می کند.

telescopes were constructed on mountains, but there was still no way to wholly escape the effects of the layers of gases enveloping the earth. During the ۱۹۶۰s, the Space Race between the then-Soviet Union and the United States was accelerating. The National Aeronautics and Space Administration (NASA) was established. Funds for space endeavors were abundant, and plans for a Large space telescope, by then designated the LST, were underway. The designs called for a ۲.۴-meter primary telescope mirror which could be transported into space by one of NASA's rockets.

تلسکوپ ها بر روی کوه ها ساخته می شدند، اما هنوز هم هیچ راهی برای فرار از اثرات لایه هایی از گازها که احاطه زمین کرده اند وجود نداشت. در طی دهه ۱۹۶۰، مسابقه فضایی بین اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده شدت می یافت. سازمان ملی هوانوردی و فضایی آمریکا (NASA) تاسیس شد. وجوه برای تلاش های فضایی فراوان بودند، و برنامه ریزی ها برای یک تلسکوپ فضایی بزرگ، که در آن زمان بعنوان LST (مخفف تلسکوپ فضایی بزرگ) برگزیده شده بود، در جریان بودند. طرح به یک آینه اولیه تلسکوپ ۲.۴ متری نیاز داشت که می توانست توسط یکی از راکت های NASA به فضا حمل و شود.

According to National Geographic's Imaging Space and Time, the resolving power of the deep space telescope would be "equivalent to being able to distinguish the left and right headlights of a car in California seen from New York, or features less than ۱/۳۰,۰۰۰th the size of the full moon. This was at least a tenfold increase over the atmospheric limit."

One of the primary challenges involved in successfully transporting the telescope into space was protecting the mirror from the jarring vibrations that occur during launch.

بر اساس گزارش تصویربرداری فضا و زمان مجله نشنال جئوگرافیک، قدرت حل و فصل تلسکوپ فضایی ژرف می توانست "معادل باشد با توان تشخیص چراغهای جلو چپ و راست خودرو مستقر در کالیفرنیا از نیویورک، و یا تشخیص خصیصه های ریزتر از یک سی هزارم اندازه ماه کامل. این توان حداقل ده برابر بیش از حد اتمسفری بود" یکی از چالش های اصلی دخیل در حمل و نقل موفقیت آمیز تلسکوپ به فضا، حفاظت آینه از ارتعاشات نامطلوبی بود که در طی راه اندازی رخ می دهد.

It was crucial that the mirror be able to withstand the shuttle's vicissitudes as well as the volatile atmospheric conditions found in space. If not, the precise shape of the mirror could be compromised and its imaging capability significantly weakened.

این مسئله بسیار مهم بود که آینه قادر به مقاومت در برابر فراز و نشیب های شاتل و همچنین شرایط حساس جوی که در فضا یافت می شود را داشته باشد. در غیر اینصورت، شکل دقیق از آینه می تواند در معرض خطر قرار گیرد و قابلیت تصویربرداری اش را به طور قابل توجهی ضعیف شود.

After the telescope had been launched, astronomers subsequently realized that the primary mirror had not been ground correctly. A lens in the test instrument was about one millimeter askew, which is large by optical standards. In ۱۹۹۳, space-walking astronauts installed corrective lenses which improved the eyesight of the Hubble. In ۲۰۰۹, the corrective lenses themselves were replaced with a supersensitive spectrograph with built-in corrective lenses. The new spectrograph is expected to provide insight into the origins of stars and galaxies.

پس از آن که تلسکوپ به فضا پرتاب شده بود، ستاره شناسان متعاقباً متوجه شدند که آینه اصلی به درستی مستقر نشده بود. یک لنز در ابزار تست حدود یک میلیمتر منحرف بود، که این انحراف با استانداردهای نوری بزرگ است. در سال ۱۹۹۳، فضانوردانی که پیاده روی فضایی می کردند لنزهای اصلاحی نصب کردند که که بینایی هابلی را بهبود داد.

در سال ۲۰۰۹ لنز های اصلاحی خود با یک طیف نگار فوق حساس دارای لنزهای اصلاحی توکار جایگزین شدند. انتظار می رود که طیف نگار جدید بینشی بسوی خواستگاه ستاره ها و کهکشان ها ارائه کند.

The successor to Hubble, the James Webb Space Telescope, is expected to be launched in ۲۰۱۴. It will observe only in infrared, so it will complement the Hubble Telescope, which observes in the visible and ultraviolet light ranges. Hubble currently has the capability to view galaxies that were formed ۱۳.۷ billion years ago, long before humans existed, in an area called the Hubble Ultra Deep Field.

جانشین هابل، تلسکوپ فضایی جیمز وب، انتظار می رود در سال ۲۰۱۴ راه اندازی شود. این تلسکوپ فقط مادون قرمز را مشاهده خواهد کرد، بنابراین مکمل تلسکوپ هابل خواهد بود، که در محدوده نور مرئی و اشعه ماورای بنفش مشاهده می کند. هابل در

حال حاضر این قابلیت را دارد که کهکشان هایی را مشاهده کند که ۱۳.۷ میلیارد سال پیش تشکیل شده بودند، مدتها قبل از این که انسان به وجود بیاید، در منطقه ای به نام مزرعه فوق العاده عمیق هابل (Ultra Deep Field).

Astronomers aspire to see beyond the Hubble Ultra Deep Field to a time that is devoid of galaxies, a time before galaxies had formed. If H.G. Wells was onto something in his novella, that time may be close at hand. As one of the characters in the popular work asked, "If Time is really only a fourth dimension of Space, why is it, and why has it always been, regarded as something different? And why cannot we move in Time as we move about in the other dimensions of Space?"

ستاره شناسان در آرزوی اینند که فراتر از Ultra Deep Field را ببینند، متعلق به زمانی که عاری از کهکشان ها است، زمانی قبل از این که کهکشان ها شکل گرفته بودند. اگر اچ جی ولز در رمان خود به اهمیت چیزی واقف شده بود، آن زمان ممکن است هم اکنون در دسترس باشد. همانطور که یکی از شخصیت ها در آن رمان محبوب پرسید: "اگر زمان واقعا فقط یک بعد چهارم فضا است، چرا با این بعد، به عنوان چیزی متفاوت رفتار می شود و همیشه با آن اینگونه رفتار شده است؟ و چرا ما نمی توانیم در "زمان" حرکت کنیم همانطور که در سایر ابعاد فضا حرکت می کنیم؟"

Less than a decade after Wells' novella, Einstein's Special Theory Relativity seemed to concur with Wells' character by proposing that traveling through space at the speed of light would alter time by causing it to dilate, raising the possibility of not merely glimpsing the past, but perhaps traveling to it.

کمتر از یک دهه پس از رمان ولز، بنظر می رسید که تئوری نسبیت انیشتین با شخصیت داستانی ولز همنا باشد با پیشنهاد این که سفر از در طی فضا با سرعت نور می تواند از طریق منبسط کردن زمان، آن دگرگون کند، و این مسئله امکان این که فقط به گذشته نظر نیانداخت بلکه احتمالا به آن سفر نمود را افزایش می دهد.

۸۲- According to the passage, which of the following statements is/are true of the Hubble Telescope?

- I) It is unable to observe light on the infrared part of the spectrum.
 - ii) It will be replaced by the James Webb Space Telescope in ۲۰۱۴.
 - III) It was initially constructed in ۱۹۴۶, but not launched until ۱۹۹۰.
- I)only ۲) Ionly ۳) Iand IIonly ۴) IIIonly

۸۲- گزینه سه صحیح است.

براساس متن، کدامیک از بیان های زیر درمورد تلسکوپ هابل صحیح است؟
الف) قادر به مشاهده نور روی قسمت مادون قرمز طیف نیست.
ب) در سال ۲۰۱۴ توسط تلسکوپ فضایی جیمز وب جایگزین خواهد شد.
ج) این تلسکوپ ابتدا در سال ۱۹۴۶ ساخته شد، اما تا سال ۱۹۹۰ راه اندازی نشد.
۱) فقط الف ۲) فقط ب ۳) الف و ب ۴) فقط ج

۸۳- According to the passage, who had the idea for the Hubble Telescope?

1) H.G. Wells ۲) Albert Einstein ۳) Edwin P. Flubble ۴) Lyman Spitzer. Jr.

۸۳- گزینه چهار صحیح است.

بنا بر متن چه کسی ایده تلسکوپ هابل را داشت؟

۸۴- In line ۲۹), "vicissitudes" most closely means

- 1) long delays which may compromise the shuttle launch
۲) atmospheric conditions which may compromise the mirror
۳) shaking and quivering which may cause changes in the mirror
۴) toxic emissions which may cause corrosion around the mirror

۸۴- گزینه سه صحیح است.

در خط ۲۹ کلمه vicissitudes به کدام معنا نزدیکتر است؟

- ۱) تاخیر طولانی که ممکن است پرتاب شاتل را به خطر اندازد
۲) شرایط جوی که ممکن است آینه سازش آینه را به خطر اندازد
۳) لرزش و ارتعاش که ممکن است باعث تغییر در آینه شود
۴) مواد سمی که ممکن است سبب خوردگی در اطراف آینه شود

۸۵- In the context of the passage, which of the following best articulates the author's opinion of the inception of the Hubble?

- 1) It was a pipedream with little imminent chance of success.
۲) It was based on a scientific proposition which was not proven.
۳) It was an emergency response to the quickening Space Race.
۴) It was a waste of time and money which were needed elsewhere.

۸۵- گزینه دو صحیح است.

در متن پاراگراف، کدام یک از موارد زیر به بهترین وجه نظر نویسنده را در مورد آغاز به کار هابل شرح می دهد

- ۱) یک خیال باطل با شانس کمی از موفقیت بود.
۲) براساس یک گزاره علمی اثبات نشده بود.
۳) یک واکنش اضطراری به مسابقه فضایی فزاینده بود.
۴) اتلاف زمان و پولی بود که در جاهای دیگر مورد نیاز بود.

۸۶- The primary purpose of the passage is to ——.

- ۱) discuss the construction of the Hubble Space Telescope as a tool for exploring deep space
۲) dispute the argument that the Hubble Telescope functions as a modern-day time machine
۳) describe the circumstances which underlay the mid-century national drive toward a large space-based observatory
۴) draw a comparison between H.G. Wells' notion of time travel with Albert Einstein's Special Theory of Relativity

۸۶- گزینه دو صحیح است.

هدف اساسی این پاراگراف این است که...

- (در مورد ساخت تلسکوپ فضایی هابل به عنوان یک ابزار برای کاوش اعماق فضا بحث کند
۲) برسر این استدلالات بحث کند که تلسکوپ هابل به عنوان یک ماشین زمان مدرن عمل می کند
۳) توصیف شرایطی که در اواسط قرن، پیش زمینه انگیزه ملی حرکت به سمت رصدخانه فضایی بزرگ بودند
۴) ایجاد مقایسه بین مفهوم سفر زمان اچ جی ولز و مفهوم سفر زمان مربوط به تئوری نسبیت آلبرت اینشتین

۸۷- It can be inferred that the author regards time travel as ----- .

- ۱) an interesting literary notion, but proven to be impossible by Einstein's Special Theory
۲) a ridiculous idea whose time has come and gone, as well as an astronomical improbability
۳) a persuasive topic in fiction, as well as a hypothetical possibility in light of Einstein's Special Theory
۴) the incoherent literary construction of a fictional author, with little relevance to today's scientific community

۸۷- گزینه سه صحیح است.

می توان استنباط کرد که نویسنده سفر زمان را بعنوان... در نظر می گیرد.

- من) یک مفهوم جالب ادبی است، اما نظریه نسبیت اینشتین غیر ممکن بودن آن را ثابت کرده است
۲) ایده مضحکی است که زمان آن آمده و رفته، و همچنین به عنوان یک امر غیر محتمل نجومی
۳) یک موضوع متقاعد کننده در داستان و همچنین یک به عنوان یک احتمال فرضی در پرتو نظریه خاص اینشتین
۴) سازه ادبی نامنسجم از یک نویسنده داستانی، با ارتباط کمی با جامعه علمی امروز

۸۸- It can be inferred from the passage that scientists believe that time is -----.

- ۱) an impenetrable mystery ۲) a spatial dimension
۳) a Constant ۴) unidirectional

۸۸- گزینه دو صحیح است.

از پاراگراف می توان استنباط کرد که زمان... است.

- ۱) یک رمز و راز غیر قابل نفوذ ۲) یک بعد فضایی ۳) ثابت ۴) یک سویه

۸۹- The word "it" (line ۴۹) refers to

- ۱) light ۲) speed ۳) space ۴) time

۸۹- گزینه چهار صحیح است.

کلمه it در خط ۴۹ به ... مربوط می شود

- ۱) نور ۲) سرعت ۳) فضا ۴) زمان

۹۰- The word "inception" in (line ۱۳) can best be replaced by -----.

- ۱) idea ۲) travel ۳) beginning ۴) construction

۹۰- گزینه سه صحیح است.

کلمه inception در خط ۱۳ به بهترین وجه می تواند با جایگزین شود .

ایده (۲ سفر ۳) آغاز (۴) ساخت و ساز

۹۱- An example of using a telescope to travel in time is given in paragraph

۱)one ۲)three ۳)eight ۴)six

۹۱-گزینه یک صحیح است.

مثالی از استفاده از تلسکوپ برای سفر زمان در پاراگراف... ارائه شده است.

پاراگراف اول

The terms "intelligence augmentation" and "intelligence amplification" evoke images of human beings with computer chips embedded in their skulls or bizarre accoutrements attached to their heads. However, according to an article entitled *Get Smart* by Jamais Cascio, human beings' ability to augment their intelligence is precisely the prowess which has empowered us to survive "a series of convulsive glacial events" evinced by the last ice age. Neurophysiologist William Calvin asserts that the human species continues to evolve cognitively and to create its own cognitive evolution in two basic ways: external and internal.

عبارات "افزایش هوش" و "تقویت هوش" تصاویری از انسان ها با تراشه های رایانه ای جاسازی شده در جمجمه شان و یا تجهیزات عجیب و غریب متصل به سرشان را به ذهن متبادر می کند. با این حال، براساس مقاله ای با عنوان هوشمند شوید نوشته جیمز کاسیو، توانایی انسان ها برای تقویت هوش خود دقیقاً همان ویژگی جسوارنه ای است که به ما قدرت بقا در مقابل "یک سری از وقایع یخبندان شدید" را که توسط آخرین عصر یخبندان برانگیخته شدند، داده است. ویلیام کالوین متخصص اعصاب، ادعا میکند که نوع بشر همچنان به تکامل شناختی خود ادامه می دهد و ارزشیابی شناختی خود را در بر دو پایه اساسی خلق می کند: روش های داخلی و خارجی.

Cascio states that humans have been externally augmenting their intelligence for millennia. By developing written language, we boosted our capacity to share information over space and time. Other advancements, such as agricultural and industrial technologies, reduced the exigencies of manual labor. Current external digital systems augment human intelligence by allowing us to perform tasks that would be unfeasible with recourse only to the rational skills of a singular human brain.

کاسیو عنوان می کند که انسان ها هزار سال است که هوش خود را رو به صورت بیرونی تقویت می کنند. با توسعه زبان نوشتاری، ما ظرفیت و توانایی خود را برای تسهیم اطلاعات در سراسر فضا و زمان افزایش دادیم. پیشرفت های دیگر مانند فن آوری های کشاورزی و صنعتی، ضرورت کار دستی را کاهش می دهد. سیستم های دیجیتال بیرونی کنونی هوش انسان را تقویت می کنند از این طریق که به ما اجازه می دهند تا وظایفی را انجام دهیم که با منبع مهارت های عقلانی مغز انسانی منفرد می توانست غیر ممکن باشد.

پی اچ دی تست؛ ارائه دهنده منابع و کلیه سوالات زبان و استعداد تحصیلی آزمون نیمه متمرکز دکتری

Cascio cites as examples the “powerful simulations and massive data sets (which) allow physicists to visualize, understand, and debate models of an II-dimension universe, real-time data from satellites, global environmental databases, and high-resolution models (which) allow geophysicists to recognize the subtle signs of long-term changes to the planet,” and similar man-made interactions which have the functional effect of augmenting human intelligence.

کاسیو بعنوان مثال هایی به " شبیه سازی های قدرتمند و مجموعه داده های عظیم (که) به فیزیکدانان اجازه تجسم، درک، و مذاکره مدل های یک جهان ۱۱ بعدی را می دهد، اطلاعات به لحظه از ماهواره ها، پایگاه داده های زیست محیطی جهانی، و مدل های با وضوح بالا (که) به ژئوفیزیکدانان اجازه تشخیص علائم ظریف تغییرات بلندمدت در سیاره را می دهد" و نیز به تعاملات مشابه ساخت بشر که، که اثر عملی تقویت هوش بشری را دارند استناد می کند.

Conceivable potential software could incorporate individual “attention filters” or “focus assistants” which would discern and highlight your individual preferences in a computer display, permitting you to focus and direct your computer searches more efficiently than you do now. It could incorporate individualized planning and foresight systems which could allow people to play “what-if” with their life choices. Such systems could co-evolve with people to produce intimate technologies which would become “something akin to collaborative intuition,” through web-based information systems with personalized components, according to Cascio.

یک نرم افزار بالقوه قابل تصور می تواند " فیلترهای توجه " و یا "تمرکز-یار" های منفرد را ترکیب کند به طوری که ترجیحات فردی شما را در یک نمایشگر کامپیوتری تمییز دهد و برجسته سازد، این امر به شما اجازه می دهد که سرچ های کامپیوتری خود را کاراتر از آنچه اکنون انجام می دهید متمرکز سازید و هدایت کنید. این برنامه می تواند سیستم های برنامه ریزی و پیش بینی شخصی سازی شده را ترکیب کند که می تواند به مردم اجازه دهد تا با انتخاب های زندگی شان بازی "گر-آنگاه" را اجرا کنند. به قول کاسیکو، چنین سیستم هایی می توانند به همراه افراد تکامل یابند تا تکنولوژی های صمیمی و مانوس ایجاد کنند که این تکنولوژی ها می توانند از طریق سیستم های اطلاعاتی وب-بنیاد با اجزای شخصی سازی شده به "چیزی شبیه به بصیرت مشترک" تبدیل شوند.

Somewhat more problematic in social terms might be pharmacological intelligence augmentation, evoking Brave New World nightmares — pharmaceutically placated people tranquilized to zombie-like subservience to the collective and a central bureaucracy dedicated to its own continued survival. However, as with external cognitive augmentation, the future has arrived — in the form of, for example, ADD drugs, pharmaceutical agents which mitigate sleep disorders, and antidepressants, all of which enhance human problem — solving ability and cognitive efficiency. According to Cascio, “people who don’t know about (such drugs) or don’t want to use them will face stiffer competition from people who do. From the perspective of a culture immersed in athletic doping wars, the use of such drugs may seem like cheating. From the perspective of those who find they’re much more productive using this form of enhancement it’s no more cheating than getting a faster computer or a better education.”

آنچه قدری در شرایط اجتماعی حیرت آورتر است، می تواند تقویت هوش دارویی باشد، که کابوس های رمان Brave New World را به ذهن متبادر می سازد—رمان مردمانی که از طریق دارویی آرام شده اند به طوری که به چاپلوسان مرده-سان بروکراسی مرکزی و مشترک تبدیل شده اند که این بروکراسی وقف بقای مستمر خودش است. بهر حال، همانند تقویت شناختی بیرونی، آینده فرارسیده است—به شکل، مثلا، داروهای بیش فعالی، عوامل دارویی که اختلالات خواب را تسکین می دهند، و ضدافسردگی ها، که همه آنها توانایی حل مسئله و کارایی شناختی انسان را افزایش می دهند. بنابه گفته کاسیو، "افرادی که با این داروها آشنا نیستند و یا نمی خواهند که از آنها استفاده کنند با رقابت سختی از جانب افرادی که از این داروها استفاده می کنند روبرو خواهند شد. از دیدگاه از فرهنگ آغشته در جنگ های دوپینگ ورزشی، استفاده از چنین داروهایی ممکن است مانند تقلب به نظر رسد. از دیدگاه کسانی که درمی یابند که با استفاده از این شکل تقویت بهره ورتر هستند، این کار، تقلبی بیشتر از اخذ یک کامپیوتر سریعتر یا آموزش بهتر نیست."

Cognitive amplification, whether by external or internal means, may constitute evolution, if Calvin's assertion is correct. Some societies may readily embrace it, while others may shy away. As science fiction Titer William Gibson observes, "The future is already here; It's just unevenly distributed."

اگر ادعای کلون درست باشد، تقویت شناختی، چه با ابزارهای بیرونی چه درونی، می تواند تکامل را بنا کند. برخی اجتماعات ممکن است به سادگی این مسئله را بپذیرند، درحالیکه دیگران ممکن است خجولانه خود را کنار بکشند. آنچنانکه افسانه تایترویلیام گیبسون ملاحظه می کند "آینده اینجاست: فقط بصورت ناهمگون توزیع شده است."

۹۲- The author is mainly concerned about

- ۱) the differences between external and internal intelligence augmentation
- ۲) some scientists who are working on intelligence augmentation
- ۳) various dangers of intelligence augmentation
- ۴) the basic methods of intelligence augmentation

۹۲- گزینه چهار صحیح است.

نویسنده عمدتا... را مورد ملاحظه قرار می دهد است.

۱) تفاوت بین تقویت هوش خارجی و داخلی

۲) برخی از دانشمندان که در حال کار بر روی تقویت هوش هستند

۳) خطرات مختلف تقویت هوش

۴) روش های پایه ای تقویت هوش

۹۳- The author's use of the phrase "somewhat more problematic in social terms" refers to—.

- 1) the difficulty of making pharmacological enhancement socially acceptable
- ۲) the relationship between external and internal intelligence augmentation
- ۳) the difficulty of making cognitive enhancement widely available
- ۴) equalizing cognitive competitive advantages among social groups

۹۳- گزینه یک صحیح است.

استفاده نویسنده از عبارت " آنچه قدری در شرایط اجتماعی حیرت آورتر است " اشاره دارد به...

(۱) مشکل قبولاندن تقویت هوش دارویی بطور اجتماعی

(۲) رابطه بین تقویت هوش خارجی و داخلی

(۳) مشکل در دسترس قراردادن ارتقا شناختی به طور گسترده

(۴) برابری مزایای رقابتی شناختی در میان گروه های اجتماعی

۹۴- As It Is used In (line ۲۵), the word "placated" most closely means _____.

۱) cured ۲) quieted ۳) deprived ۴) assisted

۹۴- گزینه دو صحیح است.

کلمه placated آنچنانکه در خط ۲۵ استفاده شده است، به معنای... است

(۱) درمان شده (۲) آرام شده (۳) محروم شده (۴) یاری شده

۹۵.. In the context of the passage, which of the following best articulates the author's opinion?

I) Some people consider intelligence enhancement to be a form of cheating.

۲) Personalized software could be misused by a bureaucracy intent on its own continued survival.

۳) Intelligence amplification by external means might be more difficult to achieve than by internal means.

۴) External and internal intelligence enhancement might constitute evolution in cultures that accept them.

۹۵- گزینه چهار صحیح است.

مطابق متن کدامیک از گزینه های زیر به بهترین نحو نظر نویسنده را بیان می کند

(۱) در نظر برخی از افراد افزایش هوش به عنوان یک شکل از تقلب است.

(۲) نرم افزار شخصی سازی شده می تواند توسط بوروکراسی به قصد بقا مورد سوء استفاده قرار گیرد.

(۳) دستیابی به تقویت هوش توسط وسایل خارجی ممکن است سخت تر تقویت هوش با استفاده از وسایل داخلی باشد.

(۴) تقویت هوش خارجی و داخلی هوش ممکن است در فرهنگ هایی که آن را قبول دارند باعث تکامل شود.

۹۶- The primary purpose of the passage is to _____.

I) dispel misgivings about humanity's attempts at creating its own evolution

۲) discuss society's reactions to pharmacological cognitive augmentation

۳) describe different kinds of intelligence enhancement

۴) illustrate the limitations of external intelligence augmentation

۹۶- گزینه سه صحیح است.

هدف اصلی این متن این است که...

(۱) بدگمانیها را درباره تلاش بشریت در ایجاد تکامل خود برطرف کند

(۲) در مورد واکنش های جامعه به تقویت شناختی دارویی بحث کند

(۳) انواع مختلف افزایش هوش را توصیف کند

(۴) محدودیت های تقویت هوش خارجی را نشان دهد

۹۷- The word "prowess" in line ۴ is closest in meaning to _____

- ۱) skill ۲) mind ۳) feature ۴) advantage

۹۷- گزینه سه صحیح است.

کلمه جسارت در خط ۴ در معنا به... نزدیکتر است:

- (۱) مهارت (۲) ذهن (۳) ویژگی (۴) مزیت

۹۸- According to the passage, the last ice age

- ۱) was the beginning of intelligence amplification ۲) led to great changes on the earth
۳) made humans get smart ۴) destroyed human intelligence

۹۸- گزینه دو صحیح است.

مطابق پاراگراف، آخرین عصر یخبندان....

(۱) آغاز تقویت هوش بود (۲) منجر به تغییرات بزرگ بر روی زمین شد

(۳) باعث شد انسان هوشمند شود (۴) هوش انسان را نابود کرد

۹۹- Brave New World seems to depict _____.

- ۱) the dangers of ADD drugs ۲) the nightmares of addicted people
۳) the effect of medicine on cognitive development ۴) people's control by a central government

۹۹- گزینه سه صحیح است.

بنظر می آید که رمان Brave New World را نشان دهد.

۱۰۰- The word "it" in (line ۱۹) refers to

- ۱) computer ۲) software ۳) human intelligence ۴) display

۱۰۰- گزینه دو صحیح است.

کلمه it در خط ۱۹ به ... اشاره دارد.

(۱) کامپیوتر (۲) نرم افزار (۳) هوش انسانی (۴) صفحه نمایش

بخش چهارم :

سوالات و پاسخ تشریحی سوالات آزمون زبان عمومی دکتری ۱۳۹۰

دانلود سوالات

زبان عمومی و استعداد تحصیلی

آزمون دکتری ۱۳۹۱، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲

کلیه گروهها

در وب سایت پی اچ دی تست

Section I. Grammar

PART A:

The following sentences test your ability to recognize grammar and usage errors. Each sentence contains either a single error or no error at all. If the sentence contains an error, select the one underlined part that must be changed to make the sentence correct. If the sentence is correct, select choice D.. Then on your answer sheet, write the letter of the answer you have chosen.

۱. The other delegates and (A) me (B) immediately accepted the resolution (C) drafted by the neutral states. (D) No Error.
۲. The dean of the college, (A) together with some other faculty members, (B) is planning a conference on the purpose of (C) lying down certain regulations. (D) No Error.
۳. The industrial plan is (A) in the direction of more (B) machines and (C) fewer people. (D) No Error.
۴. Their standard of (A) living is (B) still higher than (C) that of the other countries in the world. (D) No Error.
۵. (A) Psychologists and psychiatrists argue that it is essential (B) that a disturbed child (C) receives professional attention as soon as possible. (D) No Error.
۶. Ted's angry (A) outburst was (B) so annoying that it resulted in our (C) guests' packing up and leaving this morning. (D) No Error.
۷. (A) There remain many reasons for the enmity (B) exists between the two (C) neighboring countries (D) No Error.

۸. Because of the size and weight of the stones that (A) constitute Stonehenge, some people (B) are (C) convinced that it was erected by extraterrestrial beings. (D) No Error.
۹. The conditions of (A) art are nothing (B) rather a particular way of interpreting (C) reality. (D) No Error.
۱۰. The cyclic rise and fall (A) in population size that has been observed in animal and pre-modern human populations (B) reflects sequential (C) phases of population growth and decline. (D) No Error.

PART B:

Look at each line of the following text. Some of the lines are correct and some have a word which should not be there. If a line is correct, write 'c' for 'correct' by the number on your answer sheet. If a line has a word which should not be there, write 'i' for 'incorrect' There are two examples at the beginning (۰ and ۰۰).

- ۰ We're predisposed to seek out people like us ...shy people C.....
- ۰۰ tend to congregate with other shy people, and 'outgoing' i.....
۱۱. people congregate with outgoing people ... because they
۱۲. unconsciously affirm to our own behaviors. But everyone
۱۳. knows that one person within their group of friends and
۱۴. associates who he seems to engage others with little or no fear.
۱۵. If you're not yet ready to take the big leap of addressing new

۱۶. people on your own, let these people to help you and show
۱۷. you the way. Take them with you, when is appropriate, to social
۱۸. outings and for observe their behaviors. Pay attention to
۱۹. their actions. Over time, you'll adopt some of their techniques.
۲۰. Slowly, you'll build up the courage to reach out by yourself.

PART C:

For questions ۲۱-۳۰ read the text below. Use the word given in capitals at the end of each line to form a word that fits in the space in the same line. There is an example at the beginning (۰). Write your answer on your answer sheet.

Forecasting the (۰) likelihood of different types of weather coming in
LIKELY

the (۲۱) future can only be done with an understanding of what
NEARNESS

is happening currently. To acquire this, regular and accurate (۲۲)
MEASURE

are needed, taken in different places to (۲۳) patterns of weather
EXPOSURE

change. Weather specialists have (۲۴) instruments all over the world,
PLACEMENT

for the (۲۵) and transmission of precise data to weather stations.
RECEIVE

Many of these sites are (۲۶) by meteorologists However, in some
STAFF

sparsely (۲۷) or completely uninhabitable areas of the world,

POPULATION

readings are often sent back by automatic equipment. For the (۲۸)

COLLECT

of data, (۲۹) instruments are used which can measure air-pressure,

VARY

wind-speed temperature and rainfall, and observations are made at least

every day, in some cases (۳۰)

HOUR

Section II. Vocabulary

PART A:

Choose the letter of the answer choice that best completes the sentence. Then on your answer sheet, write the letter of the answer you have chosen.

۳۱. Improved consumer confidence is to an economic recovery.

- ۱) effortless ۲) crucial ۳) impressive ۴) prominent

۳۲. The from their porch encompassed a large part of the Rocky Mountains.

- ۱) lighting ۲) forefront ۳) preview ۴) panorama

۳۳. Women must working and taking care of the household and the family.

- ۱) cope with ۲) result in ۳) search for ۴) devote to

۳۴. Unfortunately, a cure for the disease has proven to be

- ۱) elusive ۲) substantial ۳) rigid ۴) abrupt

۳۵. The earthquake caused widespread throughout the region.

- ۱) affection ۲) removal ۳) chaos ۴) recognition

۳۶. The academic year at the beginning of October.

- ۱) commands ۲) comprises ۳) compiles ۴) commences

۳۷. The youngster without a trace one day and has never been found.

- ۱) murdered ۲) vanished ۳) endangered ۴) trembled

۳۸. He had all the of a great manager: charisma, energy, discipline, and resourcefulness.

- ۱) possessions ۲) incentives ۳) attributes ۴) perspectives

۳۹. A/An is by definition someone whose behavior is abnormal; someone who refuses to conform to the accepted norms of his society.

- ۱) eccentric ۲) ascetic ۳) effigy ۴) orator

۴۰. I'm not a bit and wouldn't change any of my plans just because Friday ۱۳th is supposed to be unlucky.

- ۱) prejudiced ۲) unfavorable ۳) irrelevant ۴) superstitious

PART B:

For Questions ۴۱-۴۸, read the text below and decide which answer (A), (B), (C) or (D) best fits each space. Then on your answer sheet, write the letter of the answer you have chosen.

FIRST BICYCLE

The history of the bicycle goes back more than ۲۰۰ years. In ۱۷۹۱, Count de Sivrac (۴۱) onlookers in a park in Paris as he showed off his two-wheeled invention, a machine called the 'celerifere'. It was basically an (۴۲) version of a children's toy which had been in use for many years. Sivrac's 'celerifere' had a wooden frame, made in the shape of a horse, which was mounted on a wheel at either end. To ride it, you sat on a small seat, just like a modern bicycle, and pushed hard against the (۴۳) with your legs there were no pedals. It was impossible to steer a 'celerifere' and it had no brakes, but despite these problems the invention very much (۴۴) to the fashionable young men of Paris.

Soon they were (۴۵) races up and down the streets. Minor injuries were common as riders attempted a final burst of (۴۶) Controlling the machine was difficult as the only way to change (۴۷) was to pull up the front of the 'celerifere' and (۴۸)

it round while the front wheel was spinning in the air.

۴۱. ۱) delighted ۲) cheered ۳) appreciated ۴) overjoyed

۴۲. ۱) increased ۲) enormous ۳) extended ۴) enlarged

۴۳. ۱) surface ۲) ground ۳) earth ۴) floor

۴۴. ۱) attracted ۲) appealed ۳) took ۴) called

۴۵. ۱) going ۲) getting ۳) holding ۴) making

۴۶. ۱) velocity ۲) energy ۳) pace ۴) speed

۴۷. ۱) direction ۲) route ۳) heading ۴) way

۴۸. ۱) roll ۲) drive ۳) turn ۴) revolve

PART C:

Complete the TV review by filling in each blank with one of the items below. The words are lettered A to I. Write the letter of the word you choose in your answer sheet. Use each one only once. Remember there are two words you do not need to use.

- | | | | | |
|--------------|---------------|---------------|----------------|-------------|
| A. negative | B. landscape | C. household | D. convenience | E. bustling |
| F. firsthand | G. dominating | H. atmosphere | I. guaranteed | |

TV Tonight: World Wanderers

The first episode of World Wanderers takes us to Norway for a (۴۹) look at the country's beautiful west coast. It starts in the (۵۰)harbor town of Bergen, where we dine at the busy fish market before setting off on a cruise through Norway's world-famous fjords. This is a relatively well-known destination, with hundreds of thousands of visitors every year, but it's still full of surprises. The unique (۵۱) of mountains that rise straight up from the sea is truly hypnotic. It's a lot to take in. The only (۵۲) point about the show is it's just thirty minutes, too short to really relish everything we're seeing. But the producers do a good job of conveying the (۵۳) of each place we visit.

In the future, the show promises a mix of destinations from (۵۴) names like Paris and the Pyramid of Egypt, to new discoveries, like the Indonesian island of Lombok. It's (۵۵) to make you want to take a trip!

Section III. Reading Comprehension

PART A:

You are going to read an article about shoplifting in America. Choose the most suitable summary sentence from the list A -I for each part (۵۶-۶۳) of the article. There is one extra summary sentence that you do not need to use. Write your answers on your answer sheet.

- A Different kinds of stores lose different amounts from shoplifting.
- B Goods are stolen by customers and employees.
- C Many shops in America are facing financial difficulty.
- D One chain has its own radio station.
- E One chain of stores checks its stock each month.
- F Shops operate on a very low profit margin.
- G Some chains have their own television stations.
- H Some shops are willing to damage their own goods, to discourage theft.
- I Some staff are paid extra if they catch someone stealing goods.

۵۶)

Shrinkage was a hot topic of conversation at the annual congress of America's retailers in New York, which ended on January ۱۶th. Given the fact that store groups are going bust all

over the land, getting smaller seems to be the least of their worries. But shrinkage does not mean reducing a store's size. The term is the industry's euphemism for shoplifting, which is itself a euphemism for stealing. And thieves are threatening to send still more of America's shopkeepers to the bankruptcy courts.

۵۷)

America's shops lose ۲% of their merchandise to thieves compared with ۱.۵% for Canada's shops and less than ۱% for shops in Japan. Even the American figure may not sound like much, but in the lowmargin business of retailing, where moving large volumes of goods quickly is the key to success, a ۲% loss can wipe out a store's profits.

۵۸)

A recent survey of ۱۶۰ big American retailers indicated that these chains spend a total of \$۳۶۵m a year, or ۰.۳% of sales, trying to stop thieves. And yet their average losses are still ۱.۹% of sales. Department stores, with a shrinkage rate of ۲.۲%, and drug stores, with ۲.۳%, do significantly worse.

۵۹)

Thirteen shoppers are caught thieving for every employee who is caught. But at \$۱,۳۵۰, the value of merchandise recovered from employees is seven times greater. So retailers are policing workers as well as shoppers. Some of the methods now being employed by stores to combat shrinkage sound weird, but shopkeepers are in a mood to try almost anything.

۶۰)

Saks Fifth Avenue, a chain of high-class department stores, believes 'gimmicks, ginmiicks and more gimmicks' are needed to keep staff conscious of security. A Saks manager who has forgotten to lock a door or close a cash register will find a helium balloon floating beside his desk the following morning. Saks gives a cash bonus to anyone detecting a shoplifter. And the chain has installed two types of cameras in its stores: highly visible ones to deter thieves, and hidden ones to record those who try to snatch something. The company displays as many as six television monitors at employees' entrances.

۶۱)

Loebmair's, a New York-based chain specialising in ladies' clothes, believes in frequent stock checks. Where other chains physically count their stock once or twice a year, Loehmann's has always done a monthly check. If a store's shrinkage hits an unacceptable level, senior managers arrive to find out why. In the most persistent cases, the backgrounds of recently hired staff and cleaners are investigated. The company has also found that communal dressing rooms discourage shoplifters. And its 'no refunds' policy makes it harder for dishonest cashiers and customers to collude.

۶۲)

Carter Hawley Hale, a group that owns five department store chains, cut its shrinkage to ۲% in ۱۹۹۰ from ۳.۵% four years ago with a variety of stunts. At The Broadway, one of its stores, a mock radio station was set up called KSOS: the call letters stood for 'stop our shortage'. Shop assistants were encouraged to call the radio station's host, a store detective named Krazy Kirk,

with questions about shortages and to compete for prizes in a radio quiz on loss prevention.

The station also distributed comic books starring three superhero-DJs who oppose the evil plans of a sticky-fingered villain called Dr Shortage. Such methods sound silly, but they work.

۶۳)

More conventional has been a new generation of anti-theft technology. Security Tag Systems and Sensormatic, the companies which have stuck most of the clumsy plastic tags on goods across America, both now offer tags filled with ink. If an unauthorised person tries to remove the tag, it breaks and spills the dye on the about-to-be-stolen garment as well as the shoplifter. Once the clothes are stained they cannot be worn or sold, so thieves lose their motive to steal them. Preliminary experiments indicate that the tags work, though retailers are reluctant to attach them to leathers, furs and pricey designer clothes.

Find words (single words but not phrases) in the article which mean the same as the following. Then write your answers on your answer sheet.

۶۵. a word used to avoid using an unpleasant word (paragraph ۱)
۶۶. appear to be; look (paragraph ۲)
۶۷. tricks to catch people's attention (paragraph ۵)
۶۸. work secretly together to cheat (paragraph ۶)
۶۹. pretend, not real (paragraph ۷)
۷۰. not willing (paragraph ۸)

PART B:

You are going to read a newspaper article about ancient rock art. For questions ۷۱ to ۸۵, choose the answer (A), (B), (C), or (D) which you think best fits according to the text. Then on your answer sheet, write the letter of the answer you have chosen.

Tens of thousands of ancient pictures carved into the rocks at one of France's most important tourist sites are being gradually destroyed. Scientists and researchers fear that the ۳۶,۰۰۰ drawings on rocks in Mont Bego in the French Alps are being damaged so rapidly that ۳۰۰ years will not survive for future generations. The mountain, believed to have once been a site for prayer and worship, is scattered with ۴,۰۰۰-year-old drawings cut into bare rock. They include pictures of cows with horns, cultivated fields and various religious ceremonies. But as the popularity of the site increases, the pictures are being ruined by thoughtless graffiti.

Jean Clottes is the chairman of the

International Committee on Rock Art. He says, 'People think that because the pictures have been there so long they will always continue to be there. But if the damage continues at this rate there will be nothing left in ۵۰ years.'

He describes seeing tourists stamping on the drawings, wearing away the rock and definition of the artwork as they do so. Some visitors, he says, even chop off parts to take home as souvenirs.

'When people think they can't take a good enough photograph, they rub the drawings to get a clearer picture,' he said.

'The drawings are polished by the weather, and if the sun is shining and the visitors can't see them properly they simply rub and scrape them to make them

look fresher.’

Other researchers describe how people arrive carrying long sticks with sharp ends to scratch their own drawings, or even their names, in the rocks.

But experts are divided over the best way to preserve the drawings. Henry de Lumley, director of the Museum of Natural History in Paris, believes that the only way to save the site is to turn the whole mountain into a ‘no-go’ area, preventing the public from going there except on guided tours.

Otherwise, he says, not only will the site be completely destroyed but important research work will be reduced.

Clottes disagrees. ‘The measure proposed by Henry de Lumley is the most severe, and while it is the most effective, it is also certain to bring about protests from people who Live there,’ he said. ‘The site was classified as a historic monument years ago by the Ministry of Culture, and

we must do as much as possible to save

what is there.’

David Lavergne, the regional architect, also wants to avoid closing the site.

‘Henry de Lurnley’s idea isn’t ideal,’ he said. ‘Our department feels that the best solution is to let people look at the site, but because the area is very big it is difficult to prevent visitors from damaging it. I would prefer that everyone was able to look at it, but the main problem is financial. We do not have the funds to employ the necessary number of guards. We may have to consider charging a fee. There seems to be no prospect of government funding.’

In Nice, Annie Echassoux, who also worked on researching the site, is alarmed that as the mountain becomes easier to reach — tourists can now avoid the three-and-a-half-hour walk by hiring vehicles — the damage will increase rapidly. She thinks that the only solution is to rope off

the area and provide guides. 'You can't say the plan can't go ahead because there is no money,' she said. 'That is not good enough. Money must be provided because the Ministry of Culture has classified this area as a historic site. If we don't take steps, we will be responsible for losing the drawings for the next generation.'

۷۱. What does 'they' refer to in paragraph ۱?

- ۱) the rocks ۲) the French Alps ۳) the drawings ۴) the tourist sites

۷۲. According to the text, the rate at which the drawings are being damaged is .

- 1) negligible ۲) fast ۳) unidentified ۴) not rapid enough

۷۳. According to the text, the concerned pictures include scenes related to all of the

following EXCEPT

- ۱) animals ۲) agriculture ۳) religion ۴) rocks

۷۴. Jean Clottes says that people who visit the mountain

- ۱) do not believe the drawings are old
۲) believe they are allowed to paint there
۳) think the drawings should be left alone
۴) assume the drawings will not change

۷۵. According to Clottes, some of the visitors to the area have

- ۱) misunderstood what the pictures mean
۲) been unable to take photographs
۳) helped to clean the drawings
۴) taken bits of the rock home

۷۶. People are described as doing all of the following EXCEPT

- ۱) polishing the drawings by means of the sticks they carry with them
۲) rubbing the drawings to make them look fresher
۳) ruining the drawings by reckless graffiti
۴) stamping on the drawings

۷۷. Henry de Lumley is keen to

- ۱) set up research projects
- ۲) safeguard public rights
- ۳) keep out individual visitors
- ۴) ban traffic in the area

۷۸. Clottes disagrees with Henry de Lumley's suggestion because he thinks

- ۱) it won't work
- ۲) visitors will protest about it
- ۳) he has a better idea
- ۴) it will annoy local people

۷۹. What does the word "there" refer to in paragraph ۸?

- ۱) Site
- ۲) Local people's homes
- ۳) Ministry of Culture
- ۴) Architecture

۸۰. David Lavergne would prefer to -.....

- ۱) limit the number of visitors to the site
- ۲) arrange security to protect the site
- ۳) reduce the overall area of the site
- ۴) use tourist fees to finance repairs on the site

۸۱. According to David Lavergne, the problem of using guards to protect the site is.....

- ۱) the government's current economic crisis
- ۲) basically financial

۳) the great number of visitors

۴) the disinclination to make the area look like a military zone

۸۲. According to the text, it is NOT true that

1) some people walk to the site

۲) tourists can use car service for traveling to the site

۳) the area is now roped off and some guides are provided

۴) the possibility of hiring cars by tourists would speed up the damaging of the site

۸۳. The claim that the drawings would not be available for the next generation to look

At is

۱) definite

۲) likely

۳) being investigated

۴) denied by the Ministry of Culture

۸۴. Which word best describes Annie Echassoux's attitude?

۱) Determined

۲) Despairing

C- ۳) Unforgiving

۴) Understanding

۸۵. This article has been written about Mont Bego to

1) advertise the closure of the site

۲) warn visitors about the dangers of the site

۳) encourage scientists to visit the site

۴) describe fears about the future of the site

PART C:

Read the following newspaper article. Then complete the sentences following the text

based on the information included in it. Use NO MORE THAN ONE WORD or A

NUMBER in each blank. Then write your answers on your answer sheet.

We British as a nation do all kinds of things in our spare time: we go shopping or jogging, we play darts or football, we collect records or stamps, we go to church or to the park. The average working person has ۴۰ hours of free time a week, sleeps for ۴۹ hours, spends ۴۵ hours at work or travelling to and from work. The remaining hours are spent on 'essential activities' (food shopping, housework, child care, cooking, etc.). Of course, some of our free time activities, like visiting relatives or taking driving lessons, may not be fun, but whatever we do, the way we spend our free time is probably providing other people with work. Leisure is our fastest growing industry.

According to the latest figures, during the past year, the most popular activity of all was walking: ۳۵ million British people regularly walked two miles or more. More energetically, ten million people went to keep fit classes or took part in aerobics or yoga and half as many did some kind of weight training in a gym. Not only did nine million people go cycling but four million went jogging and the same number played football and played golf. Other popular sports were bowling (six million), badminton (five million), tennis (four million) and squash (three million). Less actively, twelve million people played snooker, seven million played darts and three million went fishing.

Watching other people playing is also a popular leisure activity: the favourite sports among TV viewers are football, horse-racing, snooker, cricket and tennis. But although millions watch the matches on TV, not so many regularly go to watch football matches. 'New' television sports like American football, basketball and even darts are attracting loyal armchair experts.

The fitness boom of the eighties led to a big rise in the numbers of people participating in sports. To cater for this boom and provide the up-to-date facilities people want, over

۱,۵۰۰ private health and fitness clubs and the same number of public leisure centres have been built during the past twenty years. These modern centres, with their swimming pools (۲۲ million people went swimming last year), squash courts, gyms and indoor courts for tennis and other sports, are competing with clubs and cinemas as places for people to go to spend their leisure time and their money. Now practically every town has a leisure pool, often with a wave machine, water slides and tropical plants. Families can even spend their holidays at huge indoor water parks, where they can play or relax all day long in warmth and comfort without worrying about the weather outside. But this may not be helping us to get fitter: we may be becoming a nation of splashers, but not a nation of swimmers. The big question fitness experts are asking is: should sport be taken seriously or should it just be fun?

۸۶. The most popular sporting activity in Britain is

۸۷. The second most popular sporting activity in Britain is

۸۸. Over the past ۲۰ years....., private health and fitness clubs have been built in Britain

۸۹. Over the past ۲۰ years,..... public leisure centers have been built in Britain.

۹۰. The average working person has ۴۰ hours of free time per

۹۱. Last year ۳۵ million British people regularly two miles or so.

۹۲. Some of the activities that we do in our free time, like taking driving lessons may not be

۹۳. Last year the number of people who practiced weightlifting in a was ۵ million.

۹۴. Providing people with the opportunity to spend their leisure time is a fast-growing.....

۹۵. Nowadays it is very likely for one to encounter a wave in a leisure pool.

۹۶. When you are at a huge indoor water park, you do not need to worry about the outside.
۹۷. The number of people who played badminton and those who did weightlifting was the.....
۹۸. other people playing is also a popular activity which people do in their free time.
۹۹. The number of people who went last year was six million.
۱۰۰. Fitness experts wonder whether sport should be taken or should it be just for fun. .

الف) بخش گرامر :

سوالات بخش گرامر آزمون دکتری فروردین ماه ۱۳۹۰ از سه بخش تشکیل شده بود که ده سوال اول آن تشخیص خطا، ده سوال دوم تعیین درست یا غلط بودن جمله و ده سوال سوم شکل صحیح کلمه بود. پاسخ سوالات تشخیص خطا از این قرار است:

- ۱- گزینه A درست است.
I ضمیر فاعلی و me ضمیر مفعولی است.
- ۲- گزینه B درست است. برای «رئیس کالج و یکی از اعضای گروه» باید از فعل جمع استفاده شود.
- ۳- گزینه D درست است.
اشتباه خاصی دیده نمی شود
- ۴- گزینه D درست است.
- ۵- گزینه C درست است.
- بعد از It is essential that فعل جمله به صورت مصدر بدون to به کار می رود، یعنی receive باید استفاده می شد.
- ۶- گزینه D درست است.
- ۷- گزینه B درست است. برای نشان داد استمرار، فعل جمله باید existing باشد، چون خصومت همچنان ادامه دارد.
- ۸- گزینه D درست است.
- ۹- گزینه B درست است.
- Nothing ... but یا other than
- ۱۰- گزینه D درست است. غلطی مشاهده نمی شود

بخش دوم سوالات گرامر به تشخیص درست یا غلط جملات داده شده اختصاص داشت. توجه داشته باشید که جملات داده شده در قالب یک متن به هم پیوسته می باشند.

دقت کنید که ترتیب پاسخها درست نبودند.

C-۱۱

I-۱۲

بعد از affirm از مصدر بدون to استفاده می شود.

C-۱۳

I-۱۴

Who seems درست است.

C-۱۵

I-۱۶

فعل بعد از let به صورت مصدر بدون to می آید.

I-۱۷

When it is appropriate یا When appropriate.

I-۱۸

بعد از حروف اضافه فعل بعدی به صورت ing دار می آید For observing.

C-۱۹

C-۲۰

پاسخ بخش مربوط به شکل صحیح کلمات نیز به شرح زیر است:

۲۱- Near صحیح است. به یک صفت نیاز داریم تا اسم future را توصیف کند.

۲۲- Measurements صحیح است. دو صفت regular and accurate قبل از یک اسم آمده اند. اسم فعل measure به صورت

measurement می باشد که با توجه به are می بایست جمع باشد.

۲۳- Expose، بعد از to نیاز به یک فعل داریم.

۲۴- Placed صحیح است. به فعل با زمان حال کامل نیاز داریم.

۲۵- Receiving صحیح است. بعد از حرف تعریف the و با توجه به همسانی دو قسمت و اسم transmittion به یک اسم احتیاج

داریم.

۲۶- Staffed، فعل مجهول از نوع زمان حال ساده.

۲۷- Populated، می بایست صفت در جای خالی قرار گیرد.

۲۸- Collection درست است. بعد از the به یک اسم نیاز داریم.

۲۹- Various را به عنوان صفت قبل از اسم instruments قرار می دهیم.

۳۰- hourly. در این جمله hour تنها به صورت قید می تواند استفاده شود.

(ب) واژگان:

بخش دوم آزمون به مبحث واژگان اختصاص داده شده بود. تست های ۳۱ تا ۴۰ به صورت چهار جوابی بود.

۳۱- گزینه دو درست است.

ارتقا اعتماد متشریان برای احیاء اقتصاد ضروری است.

۳۲- گزینه چهار درست است.

دورنمای کلبه آنها بخش وسیعی از کوهستان راکی را به نمایش می گذاشت.

۳۳- گزینه یک درست است.

زنان می بایست از عهده کار کردن و مراقبت از خانه و خانواده برآیند.

۳۴- گزینه یک درست است.

متأسفانه اثبات شده که درمان این بیماری بسیار دشوار است.

۳۵- گزینه سه درست است.

زمین لرزه هرج و مرج گسترده ای در کل منطقه ایجاد کرد.

۳۶- گزینه چهار درست است.

سال تحصیلی در آغاز اکتبر شروع می شود.

۳۷- گزینه دو درست است.

جوان روزی بدون هیچ نشانه ای ناپدید شد و هرگز پیدا نشد.

۳۸- گزینه سه درست است.

او تمام ویژگی های یک مدیر بزرگ را دارد : کاریزما ، انرژی ، نظم و درایت.

۳۹- گزینه یک درست است.

یک موجود غیرطبیعی در تعریف به کسی گفته می وشد که رفتار غیرطبیعی دارد. کسی که از قبول رفتارهای پذیرفته جامعه

خود سر باز می زند.

۴۰- گزینه چهار درست است.

من اصلاً خرافاتی نیستم و هیچ کدام از برنامه هایم را به خاطر اینکه جمعه سیزدهم را نحس می دانند تغییر نخواهم داد.

قسمت دوم تست های بخش واژگان به صورت cloze (پر کردن جال خالی در درون متن) طراحی شده بود.

ترجمه متن :

تاریخچه دوچرخه به بیش از ۲۰۰ سال پیش باز می گردد. در سال ۱۹۷۱ کنت د سیوراک فریاد شوق تماشاچیان در پارکی در پاریس را برآورد زمانی که اختراع دوچرخ خود را به نمایش گذاشت، ماشینی که سلریفیره نامیده شد. آن در واقع نسخه ارتقا یافته از اسباب بازی بچه ها بود که سالها استفاده شده بود. سلریفیره ی سیوراک یک چارچوب چوبی داشت که به شکل اسب ساخته شده بود؛ که یک چرخ هم در انتهای دیگر آن نصب شده بود. برای راندن آن ، شما روی صندلی کوچکی می نشستید، دقیقاً شبیه یک دوچرخه مدرن، و با پاهای خود خلاف زمین فشار وارد می کردید- پدالی در کار نبود. هدایت یک سلریفیره امکان پذیر نبود و ترمز نداشت. اما علی رغم همه این مشکلات اختراع توسط بسیاری از جوانان اهل مد پاریس به کار گرفته شد. به زودی آنها از بالا به پایین خیابان مسابقه دادند. زخم های سطحی

هنگامی که رانندگان به حد نهایی سرعت می رسیدند عمومی بود. کنترل ماشین سخت بود چرا که تنها راه تغییر جهت، بالا کشیدن جلوی سیلریفره و گرداندن آن در مدتی که چرخ جلو در هوا می چرخید بود.

۴۱- گزینه یک درست است.

۴۲- گزینه سه درست است.

۴۳- گزینه دو درست است.

۴۴- گزینه دو درست است.

۴۵- گزینه سه درست است.

۴۶- گزینه چهار درست است.

۴۷- گزینه یک درست است.

۴۸- گزینه سه درست است.

بخش سوم تست های واژگان هم از تست ۴۹ تا ۵۵ بود که به صورت انتخاب واژه مناسب از فهرست واژگان و پرکردن جای خالی تنظیم شده بود.

ترجمه متن : ورلد واندررز

تلویزیون امشب : نخستین اپیزود از مجموعه ورلد واندررز ما را به تماشای مستقیم زیبایی های سواحل غربی نروژ می برد. آن با شهر بندری شلوغ برکن شروع می شود ، جایی که ما قبل از عزیمت به یک سفر دریایی از میان فلات با شهرت جهانی نروژ، در یک بازار شلوغ نهار خوردیم. این یک مقصد نسبتاً شناخته شده است ، با صدها هزار بازدید کننده در هر سال ، اما همچنان پر از شگفتی است. چشم انداز منحصر به فرد کوهستان ها که از دل دریا سر برآورده اند کاملاً مبهوت کننده است. آدم کم می آورد. تنها نقطه منفی درباره این برنامه آن است که فقط سی دقیقه زمان دارد ، بسیار کوتاه برای لذت بردن واقعی از هر چیزی که می بینید. اما تهیه کنندگان در انتقال فضای هر مکانی که از آن دیدن می کنیم موفق عمل کرده اند.

در آینده ، برنامه قول یک ترکیب از مقاصد را می دهد. از نام های بزرگ و معروفی نظیر پاریس و اهرام مصر تا کشف های جدید نظیر جزیره های اندوژی لومبوک. تضمین می کنیم که شوق سفر در شما ایجاد شود.

F -۴۹

E -۵۰

B -۵۱

A -۵۲

H -۵۳

C -۵۴

I -۵۵

ج) درک مطلب :

۴۵- تست پایانی آزمون به درک مطلب اختصاص داده شده بود. درک مطلب در این آزمون و به ویژه ۱۵ سوال پایانی بسیار ساده بود که بیانگر این واقعیت است که اگر می خواهید وقت خود را تنها به بخشی از سوالات اختصاص دهید از سطح سوالات بخش های مختلف مطمئن شوید.

ترجمه متن :

کریزی کرک با دکتر کمبود ملاقات می کند

۵۶- کش رفتن یکی از موضوعات مهم مورد بحث در همایش سالانه ی خرده فروشان آمریکا در نیویورک بوده است که در شانزدهم ژانویه به پایان رسید. با توجه به این حقیقت که فروشگاه های مختلف در سراسر آمریکا در حال ورشکستگی بودند، کوچکتر شدن آنها کمترین نگرانی بود که با آن مواجه بودند. اما ، کش رفتن به معنای کوچک شدن اندازه ی فروشگاه نبود. این اصطلاح صنف است، عبارت مؤدبانه برای بلند کردن جنس از مغازه است، که اصطلاح اخیر خود نیز عبارت مؤدبانه ای است برای دزدی. و دزدان هنوز مغازه داران بیشتری را به فرستادن به دادگاه های ورشکستگی، تهدید می کنند.

۵۷- فروشگاه های آمریکا ۲ درصد از کالاهای خود را از قبل سارقان از دست می دهند این در حالی است که این رقم برای کانادا ۱/۵ درصد و برای ژاپن ۱ درصد می باشد. حتی این رقم دو درصدی در آمریکا نیز به نظر زیاد نمی رسد، ولی در حرفه ی کم حاشیه ی خرده فروشی، جایی که انتقال مقادیر زیادی از کالا، کلید موفقیت می باشد، این دو درصد می تواند تمامی اعتبار یک فروشگاه را نابود کند.

۵۸- بررسی اخیر که در خصوص ۱۶۰ خرده فروش بزرگ امریکایی صورت گرفته است نشان می دهد که این زنجیره ها سالانه ۳۶۵ میلیون دلار و یا سه درصد فروش را بابت متوقف ساختن سارقان، صرف می کند. و هنوز میانگین ضرر آنها ۱/۹ درصد می باشد. فروشگاه های زنجیره ای با میزان انقباض ۲/۲ درصدی و داروخانه های با ۲/۳ درصدی وضعیت بسیار بدتری را دارند.

۵۹- در برابر هر کارمندی که در حال دزدی گرفته می شود سیزده خریدار نیز در حال دستبرد دستگیر می شوند. ولی در ۱،۳۵۰ دلار، ارزش کالاهایی که از کارمندان جبران می شود تا هفت برابر بیشتر خواهد بود. از این رو خرده فروشان کارگران را نیز همانند خریداران زیر نظر قرار می دهند. برخی از روش هایی که هم اکنون توسط فروشگاه ها برای مبارزه با انقباض (کش رفتن، دزدی) به کار گرفته می شود به نظر عجیب و غریب می رسد، اما در هر حال مغازه داران در موقعیتی قرار دارند که تقریباً باید هر راهی را امتحان کنند.

۶۰- یکی از فروشگاه های زنجیره ای کلاس بالا با نام ساکس فیفت اونیو، معتقد است که باید تدابیر بسیار بیشتری اندیشیده شود تا کارمندان کاملاً هوشیار بوده و امنیت تامین نمایند. یک مدیر فروشگاه ساکس که فراموش کرده بود که دری را قفل کند و یا اینکه صندوق پول شمار را ببندد، فردای آنروز یک بادکنک هلیومی متحرک را در کنار میزش می بیند. فروشگاه ساکس جایزه ی نقدی ای را برای هر

کسی که بتواند دزد فروشگاه را شناسایی کند، تعیین می نماید. و به دنبال آن این فروشگاه زنجیره ای دو نوع دوربین را در فروشگاه تعبیه می کند: یکی کاملاً مشهود برای ترساندن دزدان، و یکی دیگر مخفی که برای فیلم گرفتن از کسانی که می خواهند چیزی را کش برونند. این شرکت همچنین شش مانیتور تلویزیونی را در ورودی کارمندان تعبیه کرده است.

۶۱- فروشگاه زنجیره ای لباس زنانه ی لوهمان در نیویورک، بر این باور است که انبار باید بطور مداوم واریسی شود. در حالی که دیگر فروشگاه های زنجیره ای عملاً سالانه یک یا دو بار انبار خود را واریسی می کنند، فروشگاه لوهمان هر ماه این واریسی را انجام می دهد. اگر کش رفتن در فروشگاه تا اندازه ی غیر قابل قبولی صورت پذیرد مدیر ارشد فروشگاه شروع به تحقیق خواهد کرد که چرا این اتفاق روی داده است. در موارد بسیار وخیم، پیشینه ی کارمندان قراردادی و نظافت چیان نیز مورد تحقیق و بازجویی قرار می گیرد. این شرکت همچنین دریافته است که اتاق های هم شکل دزدان مغازه را دلسرد خواهد کرد. و سیاست عدم استرداد کالا موقعیت را از تبانی کردن صندوق داران متقلب و مشتریان، خواهد گرفت.

۶۲- کارتر هاوولی هیل، مجموعه ای که صاحب چندین فروشگاه زنجیره ای است، کش رفتن کالاهایش را با یک سلسله اقدامات بسیار اعجاب انگیز از ۳/۵ درصد چهار سال قبل به ۲ درصد در سال ۱۹۹۰ کاهش داد. در برادوی یکی از فروشگاه های این مجموعه، یک ایستگاه رادیویی ساختگی به نام KSOS تاسیس شد که حروف مذکور مخفف این است (کمبود ما را متوقف سازید). دستیاران فروشگاه این جرات را پیدا می کردند تا با میزبان ایستگاه رادیویی تماس بگیرند، یک کارگاه فروشگاهی بنام کریزی کرک با پرسش های در خصوص کسری کالا و رقابت کردن برای جوایزی در مسابقه رادیویی در خصوص پیش گیری از کسری کالا. این ایستگاه همچنین کتاب های طنزی با هنرنمایی سه ستاره و قهرمان موسیقی پاپ عرضه می کرد، که مخالف با نقشه های شیطانی یک موجود شرور با انگلستان چسبنده بنام «دکتر کبود» بودند. این روش ها احمقانه به نظر می رسد ولی در هر حال موثر است.

۶۳- نسل جدید فن آوری ضد سرقت مرسوم تر و رایج تر شده است. سیستم های برچسب دار امنیتی و بسیار حساس، و نیز شرکت هایی که برچسب های پلاستیکی خامی را بر روی کالاهای خود در سراسر امریکا چسبانده اند، هر دو برچسب های جوهر دار را پیشنهاد می کنند. اگر شخص غیر مسوولی بخواهد برچسب را بردارد، آن برچسب شکسته شده و رنگ آن بر روی لباس در حال دزدی و خود دزد مغازه ریخته می شود. و زمانی که لباس ها لکه دار شوند دیگر قابل پوشیدن و یا فروش نیستند. از این رو دزدان انگیزه شان را برای دزدیدنشان از دست می دهند. تجارب اولیه نشان می دهد که این برچسب ها موثر واقع می شود اگر چه خرده فروشان مایل نیستند که آنرا به چرم، خز، و لباس های طراحی شده گران بچسبانند.

۵۶- C درست است.

... store groups are going bust all بسیار از فروشگاه ها در آمریکا با مشکلات مالی روبه رو هستند. وجود اصطلاح over the land کلید این سوال می باشد.

۵۷- F درست است.

فروشگاه ها با حاشیه سود پایین فعالیت می کنند. واژه low – margin در خط سوم پاراگراف ۵۷ مشاهده می شود.

۵۸- A درست است.

فروشگاه های مختلف مقادیر مختلفی را در سرقت از مغازه ها از دست می دهند. در پاراگراف ۵۸ به تفاوت انواع فروشگاه ها به لحاظ درصد سرقت اشاره شده است.

۵۹- B درست است.

کالاها توسط مشتریان و فروشندگان سرقت می شود. در پاراگراف ۳۹ هر دو واژه employees و shoppers (مشتریان) به چشم می خورد و به موضوع سرقت کالاها توسط کارمندان اشاره شده است.

۶۰- I درست است.

برخی از کارمندان اضافه کار می گیرند اگر بتوانند کسی را در حال سرقت کالاها دستگیر کنند. به خط چهارم پاراگراف ۶۰ توجه کنید :

Saks gives a cash bonus to anyone detecting a shoplifter.

۶۱- E درست است.

یکی از فروشگاه های زنجیره ای انبار خود را به صورت ماهانه کنترل می کند.

۶۲- D درست است.

یک فروشگاه زنجیره ای ایستگاه رادیویی خاص خود را دارد. به خط سوم پاراگراف ۶۲ و عبارت mock radio station توجه کنید.

۶۳- H درست است.

بعضی از فروشگاه ها مایل هستند به کالاهای خود آسیب بزنند تا دزد ها انگیزه سرقت را از دست بدهند. در پاراگراف ۶۳ شیوه استفاده از بعضی برجسب های امنیتی که در آنها از جوهر مخصوصی استفاده شده است معرفی می شود.

۶۴- bust (going) = ورشکسته

۶۵- Euphemism = کلمه ای که برای پرهیز از به کار بردن یک کلمه نامطلوب استفاده می شود.

۶۶- Sound = به نظر رسیدن

۶۷- Gimmicks = روشی برای جلب توجه افراد

۶۸- Collude = همدستی کردن برای انجام جرم.

۶۹- Mock = غیرواقعی ، تقلیدی.

۷۰- Reluctant = بی انگیزه.

ترجمه متن:

دهها هزار تصویر باستانی حک شده در سنگ که در یک منطقه مهم گردشگری فرانسه قرار دارند به تدریج در حال نابودی است. دانشمندان و محققان بیم دارند که ۳۶,۰۰۰ نقاشی روی سنگ ها در مون پگ در کوههای آلپ فرانسه آنچنان سریع نابود شوند که نتوان آنها را برای نسل آینده حفظ کرد.

در این کوه ، که اعتقاد بر این است که محلی برای پرستش و عبادت بوده است ، نقاشی هایی حک شده در سنگ با ۴۰۰۰ سال قدمت پراکنده اند. آنها شامل تصاویری از گاوها و شاخ ها ، زمین های کشاورزی و آداب و رسوم مختلف مذهبی است. اما به موازات افزایش شهرت محل تصاویر بوسیله گرافیتیهای مبتذل در حال خراب شدن هستند.

ژان کِلْت ، رییس کمیته بین المللی هنر سنگ است. او می گوید : مردم فکر می کنند که چون این تصاویر مدت بسیار طولانی آنجا بوده اند همچنان آنجا خواهند بود. اما اگر خرابی با همین روند ادامه یابد تا ۵۰ سال دیگر چیزی آنجا نخواهد بود.

او از مشاهده گردشگرانی می گوید که بر روی نقاشی ها مهر می زنند ، سنگ ها را می ساینند و این عمل را کار هنری توصیف می کنند. او می گوید برخی بازدید کنندگان حتی بخشهایی را می کنند تا به عنوان سوغات به خانه ببرند.

او می گوید زمانی که مردم فکر می کنند که نمی توانند با کیفیت مناسبی عکس بگیرند نقاشی ها را می مالند تا تصویر واضح تری داشته باشد. نقاشی ها به وسیله هوا صیقل می خورند و اگر خورشید بدرخشد و بازدید کنندگان نتوانند آنها را به خوبی ببینند به سادگی آنها را می مالند و می خراشند تا تازه تر به نظر برسند.

محققان دیگر توصیف می کنند که چگونه مردم با چوب های بلند نوک تیز می آیند تا نقاشی ها یا حتی نام خود را بر روی سنگ ها حک کنند.

اما متخصصان بر حسب بهترین راه حفاظت از نقاشی ها چند دسته می شوند. هانری دو لوملی ، مدیر موزه تاریخ طبیعی پاریس ، معتقد است که تنها راه نجات منطقه تبدیل کل کوه به منطقه عبور ممنوع است ، تا از آمد و شد مردم به آنجا جز در قالب تورهای راهنمایی شده جلوگیری شود.

او می گوید در غیر این صورت نه تنها منطقه به طور کامل ویران می شود بلکه کارهای تحقیقاتی مهم نیز کاهش خواهد یافت.

کِلْت مخالف است. او می گوید "سنجشی که توسط هانری دو لوملی پیشنهاد شده است سخت ترین است و با اینکه موثر ترین راه است ، همچنین قطعاً موجب مخالف مردمی خواهد شد که در آنجا زندگی می کنند.

منطقه سالها قبل توسط وزارت فرهنگ به عنوان یک بنای تاریخی طبقه بندی شده است و ما باید هر کاری که می توانیم برای نجات آنجا انجام دهیم.

داوید لاورن ، معمار منطقه ای، نیز خواهان پرهیز از بستن منطقه است. او می گوید ایده هانری دو لوملی آرمانی نیست. اداره ما احساس می کند که بهترین راه حل این است که به مردم اجازه داده شود تا از منطقه بازدید کنند اما چون ناحیه خیلی بزرگ است دشوار است که از خرابی های بازدید کنندگان جلوگیری کرد. من ترجیح می دهم که هر کس بتواند آنجا را ببیند اما مسئله اصلی مالی است. ما منابع

مالی برای استخدام تعداد محافظ مورد نیاز را نداریم. ما احتمالاً مجبور به پرداخت هزینه هستیم. به نظر نمی رسد چشم اندازی از بودجه دولت وجود داشته باشد.

آنی اِشاسو ، که او نیز بر روی منطقه پژوهش کرده است هشدار می دهد که با دسترسی ساده تر به کوه خرابی ها به سرعت افزایش خواهد یافت- گردشگران اکنون می توانند با اجاره وسیله از سه ساعت و نیم پیاده روی پرهیز کنند. او فکر می کند تنها راه حل این است که منطقه طناب کشی (محدود) شود و راهنمایی ها ارائه شود. او می گوید " شما نمی توانید بگویید که نقشه نمی تواند جلو برود چون پول نیست " این کار به اندازه کافی خوب نیست. پول باید تأمین شود چرا که وزارت فرهنگ این ناحیه را به عنوان منطقه تاریخی طبقه بندی کرده است. اگر ما گام برداریم ما برای از دست دادن نقاشی ها برای نسل بعد مسئول خواهیم بود.

۷۱- گزینه سه درست است.

They در این پاراگراف به ancient pictures باز می گردد. The drawings معادل The pictures می باشد.

۷۲- گزینه دو درست است.

سرعت تخریب نقاشی ها سریع است

۷۳- گزینه چهار درست است.

They include pictures of cows (animals), cultivated fields (agriculture) and various religion ceremonies (religion).

۷۴- گزینه چهار درست است.

People think that ...they will always continue to be there.

۷۵- گزینه چهار درست است.

... even chop off parts to take home as souvenirs.

۷۶- گزینه یک درست است.

۷۷- گزینه سه درست است.

۷۸- گزینه چهار درست است.

It is also certain to bring out protests from people who live there.

۷۹- گزینه یک درست است.

منظور از there عبارت اسمی the site می باشد.

۸۰- گزینه دو درست است.

به نظر داوید لاورن بهتر است با استخدام نیروهای محافظ از سایت باستانی حفاظت کرد.

۸۱- گزینه دو درست است.

مشکل استفاده از نیروی حفاظتی اساساً مالی است.

۸۲- گزینه سه درست است.

در حال حاضر آن منطقه طناب کشی و حفاظت نشده است.

۸۳- گزینه دو درست است.

ادعای نابود شدن نقاشی ها و نرسیدن آن ها به نسل بعد محتمل (likely) است.

۸۴- گزینه دو درست است.

۸۵- گزینه چهار درست است.

این متن نوشته شده تا درباره آینده این منطقه باستانی هشدار دهد.

ترجمه متن :

ما بریتانیایی ها به عنوان یک ملت انواع این کارها را در اوقات فراغتمان انجام میدهیم: به خرید یا پیاده روی میرویم، پرتاب دارت یا فوتبال بازی میکنیم، آلبوم موسیقی یا تمبر جمع میکنیم، به کلیسا یا به پارک میرویم. متوسط وقت آزاد یک انسان شاغل ۴۰ ساعت در هفته است. ۴۹ ساعت می خوابد، ۴۵ ساعت در محل کار و یا رفت و آمد به محل کار صرف میکند. ساعات باقی مانده صرف فعالیت های ضروری میشود (خرید مواد غذایی، کارهای خانه، مراقبت از کودکان، پخت و پز، و غیره). البته، برخی از فعالیت های اوقات فراغت ما، مانند بازدید از خویشاوندان یا شرکت در کلاس آموزش رانندگی، ممکن است سرگرم کننده نباشد، اما هر چه که ما انجام می دهیم، راهی که ما وقت آزاد خود را می گذرانیم ممکن است برای دیگران ایجاد اشتغال کند. فراغت سریع ترین صنعت در حال رشد ماست.

با توجه به آخرین آمار، در سال گذشته، محبوب ترین فعالیت قدم زدن بوده است: ۳۵ میلیون بریتانیایی به طور منظم دو مایل یا بیشتر پیاده روی کرده اند. از فعالیت های پرتحرک، ده میلیون نفر از مردم به کلاس های تناسب اندام، ایروبیک و یا یوگا رفته اند و نیمی از آن ها برخی از فعالیت های بدن سازی را در باشگاه انجام داده اند. نه تنها نه میلیون نفر دوچرخه سواری کرده اند، بلکه چهار میلیون نفر به کوه پیمایی رفتند و به همان تعداد فوتبال و گلف بازی کردند. سایر ورزش های محبوب بولینگ (شش میلیون)، بدمینتون (پنج میلیون)، تنیس (چهار میلیون) و اسکواش (سه میلیون) بودند. از فعالیت های کم تحرک، دوازده میلیون نفر اسنوکر، هفت میلیون دارت و سه میلیون نفر ماهیگیری کردند.

مشاهده بازی دیگران نیز، دیگر فعالیت محبوب در اوقات فراغت است: ورزش های مورد علاقه در میان بینندگان تلویزیون فوتبال، مسابقه اسب سواری، اسنوکر، کریکت و تنیس هستند. اما اگرچه میلیون ها نفر مسابقات تلویزیون را تماشا میکنند، افراد زیادی به طور منظم به تماشای مسابقات فوتبال نمیروند. اخیرا ورزش های تلویزیونی مانند فوتبال آمریکایی، بسکتبال و حتی دارت جذب کننده ثابت کارشناسان پشت میز نشین هستند.

رونق تناسب اندام از دهه هشتاد منجر به یک افزایش بزرگ در تعداد افراد شرکت کننده در ورزش شد. برای تهیه این رونق و ارائه امکانات به روزی که مردم می خواهند، بیش از ۱،۵۰۰ باشگاه تناسب اندام و سلامت خصوصی و به همان تعداد مراکز تفریحی عمومی در طول بیست سال گذشته ساخته شده است. این مراکز مدرن، با استخرهای شنا خود (۲۲ میلیون نفر از مردم در سال گذشته به شنا رفتند)، زمین اسکواش، باشگاه ها و زمین های سرپوشیده تنیس و دیگر ورزش ها، در رقابت با کلوب ها و سینماها به عنوان مکان هایی هستند که مردم اوقات فراغت و پول خود را در آنجا صرف میکنند. در حال حاضر عملا هر شهر یک استخر تفریحی، اغلب با یک دستگاه موج، سرسره های آبی و گیاهان گرمسیری دارد. خانواده ها حتی می توانند تعطیلات خود را در پارک های آبی سرپوشیده بزرگ صرف کنند، جایی که آنها می توانند بازی کنند و یا در تمام طول روز در گرما استراحت کنند و راحت باشند بدون اینکه هیچ گونه نگرانی در مورد آب و هوای بیرون داشته باشند. اما این راهی نیست که به متناسب شدن اندام ما کمک کند: ممکن است ما در حال تبدیل شدن به یک ملتی باشیم که در آب بازی می کنند نه یک ملت شناگر. سوال بزرگی که کارشناسان تناسب اندام می پرسند این است: ورزش باید جدی گرفته شود یا فقط سرگرمی است؟

۸۶- Walking درست است.

۸۷- Cycling درست است (چرا که نه میلیون نفر به این ورزش می پردازند).

۸۸- ۱۵۰۰ درست است.

۸۹- ۱۵۰۰ درست است. چون در متن اشاره شده به تعداد مراکز خصوصی، مراکز دولتی ورزشی تأسیس شده است.

۹۰- week درست است.

۹۱- Walked .

۹۲- Fun .

۹۳- Gym .

۹۴- Industry .

۹۵- Machine .

۹۶- Weather .

۹۷- Same .

۹۸- Watching .

۹۹- Bowling .

۱۰۰- Seriously .